

فتح يك

گامی در جهت پیوند با مستضعفین عراق

نظراتی بی‌امون هماهنگی ارتش و سپاه

۱۵ ص

پیروزی واقعی قیام مردم عراق است

۱۸ ص

فَاتَحَ الْعَسْرَةَ لِيَاكُفِّرَ عَنْكَ

لا محبه

در راه خدا قبرش را در جفا بگردد و سرش را در سحر ترا

نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران

سال پنجم - شماره ۳۹ - بهار ۱۰۰۰ ریال

آذر و دی ۱۳۶۵

شمار انقلاب - شمار رجوی

جنگ و آزادی ، صلح و اختناق ص ۱۸

آیت الله منتظری و انقلاب عراق

۱۶ ص

مسئولین خط امام و نیاز به اسلام راهبهای عمل

۱۲ ص

مذهب و آزادی

رد تئوری دکتر بقاشی

۳۰ ص

عرفان در صحنه

عرفان خارج از صحنه

۷ ص



- ۱۱ ص * خط امام در کلام آیت الله العظمی منتظری
- ۱۱ ص * اخبار ایدئولوژیک و ولایت فقیه
- ۱۱ ص - اقتصاد آزاد و دموکراسی، آیا خط آمریکا این است
- ۱۲ ص - از طریق آلوده نمی‌توان به سرچشمه زلال وحی رسید
- ۱۲ ص - مقابله به مثل از نظر دین و عقل و منطق
- ۱۳ ص - تحول در مدیریت حوزه‌های علمیه
- ۱۳ ص - انقلاب اسلامی و نظم میربالیستی
- ۱۳ ص - رشد انقلاب و تحول در مباحث نیکوگری
- ۱۳ ص * اخبار جنگ اسلام و کفر
- ۱۴ ص - ویژگیهای عملیات مهران
- ۱۵ ص - عملیات بی‌امان و محدود
- ۱۵ ص - دفع صدام فاسد به آمریکا افسد
- ۱۶ ص - ویژگیهای جنگ از دیدگاه صیاد شیرازی
- ۱۶ ص - اصلاح خط مشی جنگ با متهم کردن رزمندگان به غرور و سرکشی
- ۱۶ ص * اخبار درون عراق
- ۱۶ ص - آیت الله منتظری و انقلاب عراق
- ۱۷ ص - نقاط امید در عملیات کربلای ۲
- ۱۷ ص - جمع بندی صدام از رفتن شاه
- ۱۷ ص - پلیس سیاسی در عراق و ساداه اندیشی مبارزین
- ۱۸ ص - عرفا و عرفان در صحنه جنگ
- ۱۸ ص - سه طرح برای حکومت آینده عراق
- ۱۸ ص - جنگ ایران و عراق و تفاهم شرق و غرب
- ۱۸ ص - سقوط بعث عراق و حکمیت احتمالی
- ۱۹ ص - استمرار جنگ و عقب نشینی غرب
- ۱۹ ص - صدور انقلاب اسلامی و دوران رجوع اسرائیلی
- ۲۰ ص * اخبار داخلی
- ۲۰ ص - مسائل انقلاب و هفت نطفه نظریه استراتژیک
- ۲۰ ص - نهضت ملی و بسیج مستضعفین علیه استعمار انگلیس
- ۲۱ ص * عرض یکماه
- ۲۱ ص * اخبار منطقه
- ۲۲ ص - نظرات یک پژوهشگر آمریکا نسبت به حمله بزرگ نقش
- ۲۲ ص - سوریه در طح خاور میانه و تعادل خلیج
- ۲۲ ص - اسلام نمایی ضیاء الحق

نفت جنگ و انقلاب

۲ ص

بناسبت سالگرد انقلاب
فلسطین و شکل راف
انقلاب فلسطین
و مراحل آن

۹ ص

الفتح ، مجاهدین
حزب جمهوری اسلام
توطئه جوهر کشتی خنجره
«فونیکس»

۲ ص

ریشه یابی اجمالی از مواضع رسالت

۶ ص



نگری از تاریخ معاصر ایران

خاطرات و تاملات مصدق

۵ ص

استراتژی امید و استراتژی یاس

در انقلاب عراق

فقهیت

۲۵ ص

ریشه یابی انقلاب

سازمان مجاهدین انقلاب اسلام

۸ ص

بحران و رکود غرب

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه :

هدف از این مقاله این است که نشان دهیم: اولاً: آمریکا و غرب در بحران و رکود بی‌با بقه‌ای فرو رفته اند که ذاتی غرب بوده و بدلیل باطل بودن آن است ثانیاً: "رشد انقلابات و نهضتها این بحران و رکود ذاتی غرب را تشدید کرده است. بعبارت دیگر تحولات اقتصادی در آمریکا و غرب تابع انقلابات، بخصوص در منطقه خاور میانه بوده است. ثالثاً: آنچه را که غرب در این ۱۵ سال اخیر به عنوان رونق اقتصادی اعلام کرده چیزی جز رکود نبوده است. رابعاً: تمدن غرب در کلیه ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی ایدئولوژیک، مکتبی و فرهنگی خود عمیقاً زیر سؤال رفته است. خامساً: "برای اساس آمریکا ثبات امید به آینده خود نداشته و ثبات با بداری برای خود نمی‌بیند و این ثباتی وین بستها و این عدم امید به آینده اقتصادی و بالنتجه بیکاری فراگیر، همان رکودی است که مورد نظر مسلمانان است. نکته مهم دیگر اینست که توطئه غرب بر علیه انقلابات نظیر کاهن قیمت نفت، حمله به لیبی و... نباید ما را خودکم‌بین کند و یقین داشته باشیم که این توطئه‌ها در حقیقت فساد حمله رندها بی‌است که در انقلابات بوده است و غرب علی‌رغم طول و عرض چشمگیری در وحشت و اضطراب و سرافکندگی سقوط قرار گرفته است. در خاتمه می‌خواهیم به این نتیجه برسیم که: حملات غرب منجمله جنگ احتمالی و کاهن قیمت نفت از موضع اضطراب غرب بوده و یقین پیدا کنیم که خط مشی دفاع مقدس ما می‌تواند این سقوط را تشدید نکند.

نزول میلینتا ریسیم و عدم اشتغال

بزرگترین ویژگی امیرالیم در قرن اخیر ویژگی میلینتا ریسیم است، بدین معنا که به لحاظ اقتصادی، صنایع سنگین، نظامی و امنیتی بخش عظیمی از ماشین اقتصادی آمریکا و اشتغال را در بر می‌گیرد و هزاران صنعت کوچک و بزرگ در کنار صنایع نظامی به فعالیت مشغولند و در خدمت آنها بقیه درص ۴

به علت کمبود کاغذ از خوانندگان محترم تقاضا می‌شود، پس از مطالعه نشریه راه مجاهد، اگر آن را آرشیو نمی‌کنید، به دیگران بدهید، در غیر این صورت جهت استرداد، مجدد به صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ راه مجاهد ارسال فرمائید.

سخن امام راهنمای مستضعفین

نفت، جنگ و صدور انقلاب

هدف از این نگارش عبارتست از:

اولاً: ریشه‌یابی احتمالی اختلافات موجود در بین نیروهای انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ثانیاً: نشان دادن راه حل پیشنهادی از طریق "کانون مشورتی از نیروهای صادق انقلاب"

آیا نفت جوهر انقلاب است؟ برخی از مسئولین معتقدند که جوهر انقلاب اسلامی و استه به نفت بوده و ثبات و حفظ نظام جمهوری اسلامی را مدیون درآمد نفت میدانند.

رابطه درآمد نفت و تک گسترده با اعتقاد فوق در خط مشی جنگی این عده نیز تا تیر گذشته و معتقدند قبل از اینکه توطئه کاهش درآمد نفت، تضادهای جمهوری اسلامی را تشدید نموده با آزار و سقوت ببرد، با بستی تکلیف جنگ رایگزیره کرد. منظور اینها از یکسره کردن جنگ آنستکه با یک پیروزی چشمگیر در یک عملیات گسترده جناحی از غرب را وادار سازیم که حمایتش را از صدام بردارد، که در این حالت نقطه عطفی در جنگ در جهت پیروزی ایران بوجود خواهد آمد.

طبعاً ویژگی چنین تک گسترده‌ای در شرایط فعلی ثبات و عجله در انجام عملیات خواهد بود.

مدتی تبلیغات رادیوها و مطبوعات امیرالیستی در این جهت بود که به چنین عملیات عجلانه‌ای دست بزنیم و ما را به شکست و بآس کشانده تا با خرید کردن ماشین جنگیمان راه مذاکره را پیش بگیریم. اینها از آنجا که به موفقیت کامل تک گسترده مطمئن نیستند برای حفظ نظام دوراه در پیش دارند:

الف- راه شرافتمندانه‌ای که امام و آیت‌... منتظری پیش‌یای رزمندگان گذاشته و آن راه خودکفائی، عملیات بی‌امان سراسری و درازمدت (طبعاً محدود) و بدون تکیه انحصاری به درآمد نفت و جنگ کلاسیک و تجهیزات پیچیده و با توجه به انقلاب درون عراق است. البته از آنجا که اینها ثبات انقلاب را واسته به درآمد نفت میدانند، لذا قادر نیستند تصور زندگی و اقتصاد بدون تکیه به درآمد نفت را بنمایند.

ب- تنها راه دیگری که پیش‌یای اینها است راه پایان جنگ به هر شکل و لومذاکره و سازش میباشد. از آنجا که امام با تمام وجود خواهان تداوم دفاع مقدس بوده و حتی جنگ را بالاتر از فروغ دین میدانند لذا چون اینها نمیخواهند با امام و رزمندگان مقابله نموده و منزوی شوند از در دیگری وارد شده و به تفکیک صدور انقلاب از انقلاب و حذف صدور انقلاب می‌رسند. اینها برای حفظ نظام و با زیایی در درآمد نفت به پایان جنگ معتقد میشوند و برای پایان دادن جنگ مستقیماً

با خود جنگ مقابله ننموده بلکه ریشه آنرا می‌خشکانند. چرا که با عتراف سران و ایادی امیرالیزم علت این جنگ تحمیلی آرمان آزادی قدس و صدور انقلاب و اعتقاد به حکومت واحد جهانی است.

در مقابل عده‌ای هستند که خط مشی آزادی قدس و صدور انقلاب را جز "لاینگ انقلاب" دانسته ثبات انقلاب را یک ثبات الهی-مردمی و نه وابسته به نفت میدانند. اینها علت جنگ تحمیلی را صدور انقلاب دانسته و یقین دارند که تا زمانی که به آزادی قدس و صدور انقلاب معتقدیم، جنگ تحمیلی ادامه دارد و بهمین دلیل این جنگ را یک جنگ دفاعی مقدس میدانند. در مقدس بودن این جنگ همسبک است که امام آنرا بالاتر از فروغ دین میدانند. اینها معتقدند بدون نفت میتوان زندگی کرد و این جنگ را ادامه داد. خط اینها پایان جنگ به هر شکل نیست بلکه با یقین در خط مشی و غیر انقلابی به جنگ درازمدت و مردمی معتقدند.

بظوری که میدانیم با رنگ عمدتاً "بدوش روستائیان محروم میباشد، روستائیان ما به علت نوع زندگی خود کفایشان توان ادامه جنگ بدون نفت را دارند. بسیاری از روستائیان رزمنده ما چند ماه از سال به زراعت مشغول بوده و بقیه سال را به حبه می‌روند. اینها عناصر مولد و ما را از انقلابند.

طبعاً در بین مسئولین جمهوری اسلامی آنهایی که نوع زندگی‌شان با رزمندگان تطبیق دارد توانایی ادامه جنگ را هم دارند و با کمال احتیاط یا فربه درآمد نفت متزلزل و مردم نمیشوند. اینها در فکر پافشاری شویوه‌ای خود گاهایی و تقویت کشاورزی و دامپروری... هستند. با این وصف یک راه اصولی وجود دارد که اختلافات موجود به نفع رحمت و برکت در انقلاب شود.

بجای اینکه نظرات مختلف در عدد حذف و تفسیر، بلکه بگر بر آید، تحول با برخورد صحیح و تبادل نظر مشکلات مملکت را به بهترین شکل حل نمود چندی قبل آیت‌... منتظری ضمن رهنمودها اینها به مسئولین توصیه کردند که یک هیئت مشورتی تشکیل شود مرکب از همه نیروهای دلسوز و انفعالی که بر امور مسائل اساسی انقلاب به بحث و تبادل نظر بپردازند. نظرات نهایی مدون شده و در اختیار مسئولین قرار گیرد. این توصیه جناحی اندر آنکه بسیاری از اختلافات نظریه‌های مسئولین و نیروهای موجود بطرز اصولی طرح و بررسی میشود. بجای اینکه نخستیهای انقلاب از طریق رسانه‌های عمومی و تأسیسات رادیوهای خارجی از نظرات یک پسر متزلزل نشینند و اینها نظر کند مستقیماً و در روز با یک پسر تبادل نظر میکند.

با تشکیل این هیئت مشورتی دستهای مرموز و توطئه‌گر امکان این را نمی‌یابند که از اختلاف نظرها موجود سوء استفاده کرده و با گل آلود کردن آب ماهر بگیرند جامعه به یک سلامت فکری و آرامش سیاسی دست می‌یابد این هیئت مشورتی میتواند در ابتدا اصول سه محور نحوه ادامه جنگ بدون اتکا به درآمد نفت و اقتصاد خودکفا بدون تکیه به درآمد نفت و شیوه صدور انقلاب تبادل نظر نماید.

کیهان
سخنرانی امام در جمع هیئت دولت
۶۵/۶/۹

بی‌انصافی است ما بگوئیم که دولت کار از شما نیامده. ما باید عملکرد دولت را روی برگشته حساب کنیم، ببینیم که آیا این دولت در این مدتی که در جنگ بوده است و در محاصره اقتصادی بوده است و مخالفت همه قدرتهای بزرگ دنیا بوده است، این دولت موفق بوده است روی برگشته یا نه. بی‌انصافی است که ما بگوئیم دولت کار از شما نیامده. خوب کارهایی که در طرف چهل پنجاه سال نشده بود، اینها کرده‌اند. در هر قشرشون، همه‌ها، همه افرادشان و روی برگشته یک دولت موفق بوده است.

هر چه خدمت بکنیم به این ملت، کم خدمت کرده‌ایم. من به شما آقایان سفارش میکنم که با اینکه موفق بوده‌اید، باید دنبال موفق - تری بروید. قناعت نکنید به اینکه ما حالا فلان کار را کردیم. ما هر چه خدمت بکنیم به این ملت کم خدمت کرده‌ایم.

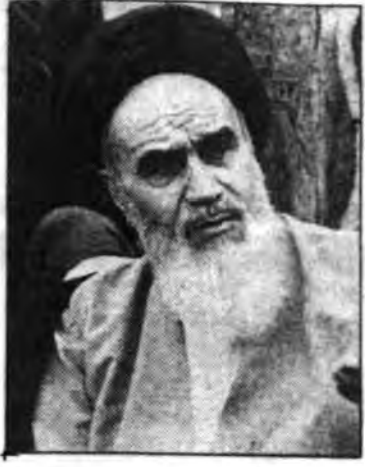
ما مکلیم برای حفظ جمهوری اسلامی وقتی انسان در قلمش دشمنی بسا مخالفت با یک کسی داشت و با جامعه می داشت، هر چه خوبی ببیند، بدی می‌بیند. اصلاً خوبی‌ها محو میشود. من همه اشخاصی که قلم در دستشان است، زبان‌گویا دارند.

بقیه از ۳۲ پاسخ سخنرانی‌ها
مورد بررسی قرار گیرد و به جنگ ربطی ندارد، به بسیار کشورهای که جنگ نمیکنند ولی دچار چنین عوارضی هستند.

ثالثاً مگر جمعیت روز قدس چند درصد نشان همافر بودند که حالا به فرزند شما بزرگ شده راهپیمایی آمده باشند بنظر میرسد اطلاعات دقیقی در این مورد ندارند. در روز قدس سال که صدام تهدید به بمباران کرده بود قبلاً عده‌ای از مردم به خارج از شهر رفتند و عده‌ای در شهر ماندند. بنظر ما آنقدر که مظلومیت انقلاب برای مردم مهم است مشکلات خودشان به آن درجه اهمیت ندارند. بسیاری از مردم میبینند که انقلاب از همه طرف تحت فشار است (کاهش قیمت نفت، جنگ، تورم، جریانات داخلی و...) ولی در هر جا که مردم احساس کنند اصل انقلاب تهدید میشود حضور خود را نشان میدهند هر چند که ممکن است خیلی از این مردم در جای دیگر از مسائل مختلفی که برایشان پیش می‌آید ابراز نارضایتی کنند.

در دوران انقلاب نیز مردم به ندای صلح طلبی شاه گوش ندادند.

س- دلایلی وجود دارد که مردم از جنگ حمایت نمیکنند، شیوه‌های سربازگیری و اینکه جوانان را به زور به جبهه میبرند، از حجاج به زور پول گرفته و برای جبهه منظور می‌ارند، در راهپیمایی روز قدس سال همافران و مردم



می‌خواهم سفارش کنم که متوجه باشند که قلم آنها، زبان آنها در حضور خداست. فردا مواخذه دارد. صحبت در سر دولت و ریاست جمهور و اینها نیست صحبت سر نظام است، نظام اسلام است، مطرح نظام جمهوری است. ما مکلیم به حفظ او.

تذکر امام به نویسندگان مخالف با دولت.

مساله، مساله فرد نیست، مساله اسلام است و نظام اسلامی و ما مکلیم این نظام را حفظ کنیم. همچنانکه وقتی قلم در دستمان آمد، اگر من با آقایان نخست وزیر مخالفت، یا آقایان منتهای مخالف دیگر فکر اینها شد که قلم کجا میرود هر جا رفت بنویسیم، هر چه شد بکنیم. این در حضور خداست.

به زور به راهپیمایی رفته بودند، زنی بدلیل اینکه نتوانسته بود برای فرزندش شیر خشک فراهم کند فرزند خود را گشته بود و...
ج- اولاً اگر چنین شیوه‌هایی وجود دارد ما آنها را بعنوان شیوه‌های مکتبی تأیید نمی‌کنیم ولی معتقدیم از جمع‌بندی این نمونه‌ها نمیتوانیم به این مسئله برسیم که مردم خواهان ادامه دفاع مقدس نیستند.
اولاً در مورد آن مادر اگر شما اطلاع دقیقی دارید ما را هم مطلع کنید که ماجرا چگونه و در کجا بوده است؟
ثانیاً این پدیده‌ای است که مستقلاً بایستی

توجراً می‌جنگی؟
پسرم می‌پرسد:
من تفنگم در مشت
کولبارم بر پشت
بند بوتیم را محکم می‌بندم
مادرم
آب و آئینه و قرآن در دست
روشنی در دل من می‌بارد
پسرم بار دیگر می‌پرسد:
توجراً می‌جنگی؟
با تمام دل خود می‌گویم:
تا چراغ از تو، نگیرد دشمن

شما ای فرزندان برومند اسلام، حوزه‌ها و دانشگاه‌ها را از توجه به مسئولیت قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن بیدار کنید.
(امام خمینی)

الفح، مجاهدین، حزب جمهوری اسلامی و؛ توطئه جوهرکشی خزنده «فونیکس»

انگیزه و هدف مقدمه :

امیرالایم به این نتیجه رسیده است که نه می‌تواند به انقلاب اسلامی ایران تکیه نموده و نه می‌تواند با آنها طعنه نماید.

بنظر میرسد اطمینان توطئه امیرالایم در رابطه با انقلاب اسلامی همانا خط "تعديل" و "عرفات سازی" باشد.

در این راستا امیرالایم چراغ سبزها و امتیازات چشمگیری می‌دهد تا انقلاب ما را از حالت رویا رویی با غرب درآورده و به اصل مذاکره و همزیستی مسالمت آمیز قانع سازد.

اطمینان هدف غرب آن است که انگیزه مقاومت رزمندگان را گرفته و استحکام نیروها را از زمین ببرد و جنگ، با کمپ دیوید را به جنگ داخلی تبدیل نموده و خودتاما شاگرد مکره شود.

در مرداد ۶۱ مقاله‌ای تحت عنوان "الفح مجاهدین و حزب جمهوری اسلامی و توطئه جوهرکشی خزنده" در راه مجاهدین شماره ۹ به چاپ رسید که به دلخواه نبود، عکس العمل نا پسندی بدنبال داشت و از آنجا که از تجربیات خونبار فلسطین و مجاهدین و شهدای حزب جمهوری درس گرفته نشد تا حدتکرار تدریجی همان مسائل هستیم که در سازمان مجاهدین و الفتح وجود آمد.

انتظار میرفت که بقیه السیف شهدای حزب با رونق دادن گسروه ایدئولوژی سریعاً به کادرسازی می‌پرداختند و با امکانات زیادی که داشتند توطئه فونیکس را خنثی میکردند. اما متأسفانه از قول مسئولان حزب در مطبوعات خوانندیم که گروه ایدئولوژی در این چندسال تعطیل بوده است.

نیت ما این است که با چاپ مجدد مقاله فوق و با توجه به مسائلی که در جریان است اهمیت مسئله و مسئولیت خطیرمان را با آوری کرده باشیم.

بدیهی ترین واکنش امیرالایم نسبت به یک حرکت و یک گروه و با تشکل انقلابی سرکوبی و نابودی آن است. امیرالایم بنابه ماهیت ارتجاعی و ضد خلقی و ضد رشد خویش اساساً نمی‌تواند اجازه شکل گیری به حرکت اصیل و رشدی قیام یا انقلاب را بدهد اما علیرغم خواسته امیرالایم حرکتی اصیل رشد خود را می‌نماید و با پشتیبانی ملت‌های مستضعف تثبیت می‌شوند و امیرالایم منکبوت گونه‌گامی عقب نشسته و تازی جدید می‌زند. وقتی که امیرالایم مستقیماندا انقلابی را سرکوب کند یعنی می‌کند که آنرا از درون به زیر میس و تعدیل و آنگاه سازش کشنده و آنرا متلاشی سازد.

طرح فونیکس آمریکا بی، ترور و کما درکشی آنچه امروز در بیروت شاهد آنیم نقطه اوج این توطئه شوم علیه آرمان فلسطین و سازمان آزادیبخش است آنچه بر سازمان مجاهدین خلق گذشت نمونه بارز این شیوه امیرالایم بود که با اعدام و کشتن کادرهای اصلی، سازمان را به سیاسی کاری کشاند. خواهی که امیرالایم برای حزب جمهوری اسلامی دیده است همان کشتن کادرهای خط امامی و تعدیل حزب است که تلاش می‌کند بطور

جناح‌های سعی در رده زعم خودکام را یکسره کرده و با بکار انداختن ماشین جنگی سیاسی خود "سازمان مقاومت" را به یک چرخش اساسی در مواضع و خط مشی و ادارات و اینهمه فشتار نظامی و کشت و کشتار و قطع آب و برق و غذا از یک طرف دلالتی‌ها، شایعه پراکنی‌ها و سیاست با زبیه‌های امثال فیلیپ حبیب از سوی دیگر هردولبه‌های تیزشمیری است که صهیونیسم بر حلقوم فریادگر "شوره، شوره حتی النصر" "سازمان الفتح" نهاده است.

جریسائی معتقد است که آنچه اینک در بیروت پیش آمده تقصیر خود "سازمان مقاومت" است که مسبب شده تا این چنین وضعی پیش بیاید و از این جا نتیجه می‌گیرند که به همین دلیل نباید هیچ کمکی به سازمان الفتح کرد اینها در حالیکه نظاره گر کشتار رخا اهران و برادران فلسطینی و لبنانی بدست صهیونیسم تجاوزگر هستند گناهی را به گردن "سازمان آزادیبخش" انداخته و در این میان بدون آنکه توجهی کنند امیرالایم و صهیونیسم را تیرش کرده و نا - خودآگاه با صهیونیسم هم موضع میشوند. و این در واقع بخشی از همان اهداف صهیونیسم است که با ترور کادرها با حایبی اضا دان نموده و با رفتن خوبها با کم کیفیت‌ها درگیر شویم.

این جریان به این مهم توجه ندارد که هر چند ممکن است ضعف‌ها و نارسائیه‌ها و انحرافات در "سازمان مقاومت" باشد ولی اینها جریان اصلی و اصیل "سازمان مقاومت" نیست. جریان اصیل "سازمان آزادیبخش" آن بیکره شهدا، دت طلبی است که تاکنون هزاران شهید و مجروح و اسیر داده است و علیرغم تمامی توطئه‌ها توانسته است همچنان منادی آرمان فلسطین و رسواگر رژیم غاصب و اشغالگر قدس باشد. و صهیونیسم نیز مسلماً به آن ضعفها و نارسائی - ها حمله نمی‌کند بلکه آنچه هدف و مورد هجوم اوست همین پیکر شهادت طلب و جوهره عسل طلب و ضد صهیونیستی این تشکیلات است و هر گونه تحلیل و اظهار نظری و موضعی نسبت به سازمان آزادیبخش و احزاب و سازمانها و گروههای انقلابی دیگر باید با توجه به جوهر آن تشکیلات و توطئه‌ها باشد که علیه آن انجام می‌گیرد باشد.

ثانیاً این جریان توجه ندارد که شیوه حل تضادهای درونی این نیست که آنها را به دشمن گریز صفت صهیونیسم واگذاریم و یا جریانات را عمداً "بسوی دشمن سوق دهیم بلکه حل تضادهای درونی در گروهها رزه با دشمن بیرونی است و سازمان آزادیبخش نیز باید توجه به این فرمول مقدس کرده و در ضمن پیگیری و تدابیر مبارزات ضد صهیونیستی خود در صدد پاساژی و تصفیه اصولی جریانات و تفکرات سازشکارانه و انحرافی در درون خود برآید.

وظیفه هر جریان انقلابی و مکتبی است که در مبارزه با صهیونیسم بین الملل و تحقق شعار "آزادی قدس" سازمان مقاومت را با اجمالت درون به جنبه‌های مثبت اصیل آن و با درک موقعیت حساس و تاریخی اش در برابر صهیونیسم و امیرالایم یاری دهد.

با دمان با شده نباید مغرور شویم و فکر کنیم آنچه بر "سازمان مقاومت" و "سازمان مجاهدین" مدبر "حزب" یا "سپاه پاسداران" هرگز نخواهد آمد. با پیدا زضربه سال ۵۶ و ۵۷ که بر سر مجاهدین آمد و ضربه‌های دیگر که بر ساف آمد و افکار حزب درس آموخت و به کادرسازی مکتبی به شیوه انبیا عمیقاً "توجه داشته باشیم.

سازمان و مسائل بعدی آن است ضربه سال ۵۵ علاوه بر یکی در سازمان ایجا دکرد، در حالیکه خون شهدای مجاهدین عظیم درجا مع وجود آورد و نیروهای فراوانی را به سازمان جذب نمود، لیکن این نیروهای عمدتاً کمی هرگز نتوانستند جای خالی شهدای چون حنیف نژاد، سعید محسن، بدیع زادگان، مشکین فام، باکری مادیق، مبین دوست، بازرگان، و احمد رضا ثریا به لحاظ کیفی پر کنند و این کمبود چنان آشکار و خاص بود که "شهید رضا ثریا" ارتباط تشکیلاتی عمده زیادی را بطور موقت قطع میکند و محمود شامخی را برای یک دوره تربیت و آموزش اعضا به ایران می‌خواند که میدان نیم تلاش این برادران نیز دیری نماند و با شهدای "محمود" و چندی بعد "رضا" علاوه موجود بیشتر شد. عدم وجود نیروهای کیفی زمینه‌ساز بود تا در آن مقطع :

۱ - افراد کم صلاحیت و ناپخته مرا تسبب سازمانی را سرریز "طی کرده و با لایمه و حتی تا مرکزیت نیز رسیدند که نمونه روشن آن "نقی شہرام" است "شهید" رضا "به دلیل شناختی که از "شہرام" داشت او را در مرتبه طبیعی خودش نگهداشته بود ولی پس از شهادت رضا "بسرعت در مرکزیت "سازمان" قرار میگیرد.

۲ - تضادهای درونی "سازمان" تشدید شده و در زیر فشارهای سنگین رژیم و توقعات جامعه و نیروهای انقلابی و همچنین نداشتن قدرت و توان لازم جریانات انحرافی و فرمیستی رشد کرده و با ایجا دجوما رک و تهمت و انزوا.... به قدرت رسیدند و نهایتاً رهبری سازمان از بسج مردم عقب مانده تا جاییکه سرانجام در برابر مردم قرار گرفته و دست به ترور مجید و صمدیه زدند.

خطی که امروز تروریسم آمریکا بی در ایران دنبال میکنند نیز دقیقاً همین خط جوهرکشی خزنده و با طرح فونیکس است. از تحلیلهای درونی جنبش ملی هوا دار جوی نقل شده است که "ما خوب‌ها را ترور می‌کنیم تا بعدها روی کار بیایند و آنگاه مردم با آنها درگیر خواهند شد و در این درگیری مردم جذب ما خواهند شد." ما هم باید متوجه توطئه رجوی باشیم و نارضایتی ناشی از تروریسم و کم کادری را با نارضایتی اصولی مرز بندی نشانیم.

طرح فونیکس و تعدیل سازمان آزادیبخش فلسطین مروری کوتاه روی آثار شهدای حزب جمهوری اسلامی "که بسوی تروریسم به شهادت رسیده‌اند، بروشنی خط فوق را در رابطه با "حزب" می‌بینیم و نیز این توطئه شوم را در برخورد صهیونیسم با سازمان مقاومت فلسطین به خصوص الفتح نیز مشاهده می‌کنیم که چگونه با ترور کادرهای ممتاز "سازمان مقاومت" و ایجا د زمینه‌های لازم سه داشته و دارد که جناح‌های از "سازمان" را به سمت کشورهای مرتجع منطقه و حداقل به سمت فرمیسم و مبارزه مسالمت آمیز سوق داده و آنها را از فلسطین و راه اصیل شهدای "سازمان آزادیبخش" جدا کند که در این رابطه پول نفت عربستان نیز نقش بسزایی دارد.

اینک نیز صهیونیسم با دل بستن به چنین

خزنده آن را پیاپی نماید. در دهه ۷۰ (۱۳۵۰ تا ۱۳۶۰ شمسی) شاه ترور بسیاری از رهبران و کادرهای با ارزش "سازمان آزادیبخش فلسطین" بدست عمال صهیونیسم بودیم.

اتفاقی که در ترور در رابطه با الفتح "بیانگر یک خط مشی حساب شده از طرف صهیونیسم بود. پس از اینکه صهیونیسم دریافت که علیرغم تلاشهای بسیارش انقلاب فلسطین و ساف نشه تنها سرکوب نشده بلکه به عنوان حرکتی اصیل و در حال رشد و گسترش در ابعاد بسیار وسیعی تثبیت شده است، لذا توطئه تازه‌ای طراحی کرد و شیوه‌های جدید در پیش گرفت، شیوه ترور ترور رهبران و کادرهای ذیصلاح و جوهری شاف "در واقع زمینه سازها کمیت یافتن عناصر و جریانی که کیفیت بود. نگاهی به لیستی از شهدای "سازمان الفتح" که بسوی صهیونیسم ترور شده اند بخوبی نشان میدهد که خط طرح فونیکس چگونه دقیق و حساب شده عمل کرده و در واقع طرح فونیکس به عنوان یک رکن و مکمل یک توطئه بسیار پیچیده و در عین حال غیر ملموس و خزنده بوده است.

مسئله اینجاست که با ترور هر کادری و هر رهبری فرد دیگری قاعدتاً جای او را پر خواهد کرد ولی طبیعی است که میان ماه من تا ماه گردون اگر به هر حال فاصله از زمین تا آسمان نباشد ولی تفاوت چندین سال زحمت و تلاش و حرکت و زندان و سختی و تبعید و شکنجه و درد و آگاهی و تجربه و مطالعه و... خواهد بود. یک کادر هم‌جانبه تنها یک فرد نیست. یک قطب، یک رهبریک کادر خودی را، یک نفس منطقی، یک شبه امت و بقیه السیف شهدا و مجروحین و محبوسین بسیاری می‌باشد و چنین کادری در بردارنده تجربیات و آگاهیها و قدرتهای فراوان است. سالها زحمت کشیده شده و خونها ریخته شده و شکنجه‌ها تحمل شده، و حیوانی زجرها و تبعیدها تحمل شده تا حنیف نژادها، محمد منتظری‌ها، بهشتی‌ها، رجائی‌ها، سعید محسن‌ها، بدیع زادگانها، کمال عدوانها، کمال ناصرها، ماجدانوشترها و مدنی‌ها و... ساخته شده اند و طبیعی است که جای خالی دستگیر شده‌ها، صدوقی‌ها، هاشمی نژادها، ناصر مادیق‌ها، مشکین فام‌ها، ابرارها، باهنرها، مطهری‌ها، الحاج حسن‌ها، ابوصبرها، و عمید - المفتاح علی محمودها و... براحتی پر خواهد شد و بقول ما حینظری سالها باید بگذرد تا مادر دهر همچون سعید محسن را بدنی آورد و بزرگترین و بهترین فرصت برای دشمن همین سالهاست امید امیرالایم و صهیونیسم به همین دوره فترت است. دوره‌ای و خلاصی که بین ترور کادرسازی وجود دارد. دوره‌ای که جامعه و انقلاب و سازمان از وجود عناصری منطقی و ذیصلاحیت و با کیفیت و همه جانبه محروم است البته شهادت یک کادر بسوی موجبات کادرسازی را فراهم می‌آورد. چرا که خون شهدا مردم را بسج نموده و ازدل این بسج کادرهای جدید تربیت میشود. منتهی کمی زمان لازم دارد.

طرح فونیکس در سازمان مجاهدین نمونه بارز این مساله جریان "سازمان مجاهدین خلق" یعنی دستگیری و اعدام رهبران



بقیه از ص ۱ بحران رکود غرب

میباشند . اگر بن بست یا رکودی در صنایع نظامی یا اتنی امریکا بوجود آید این رکود به سرتاسر صنایع منتقل گشته و به رکودی فراگیر تبدیل میشود . در ضمن بخش اعظم درآمد ملی و بودجه امریکا صرف صنایع نظامی و فضایی میگردد و لازم به توضیح نیست که صنایع فضایی قابلیت تبدیل به صنایع نظامی را در هر لحظه دارا میباشند .

تلاش میلیتاریستهای امریکایی این بوده که انرژی اتنی را جایگزین نفت کرده و حتی صنایع نفتی امریکا را مختل کرده و به تعطیل ورکود بکشانند . امروزه همه جا صحبت از پایگاهها و ناوگانها و حضور نظامی امریکا در اطراف و اکناف جهان است . در توضیح میلیتاریسم و فاز نظامی امپریالیسم همین بس که بنیاد هدی تیج که ۶۰٪ پیشنهادش از جمله جنگ ستارگان مورد تایید ریگان قرار گرفته معتقد است تنها راه مقابله با انقلابها و نهضت‌های رهایی بخش سرکوب نظامی میباشد .

تا کنون کلیه اندیشمندان امریکا میلیتاریسم امریکا را به منظور دفاع در مقابل ابرقدرت شوروی و پیمان ورشو توجیه میکردند و آنرا ستاد دفاعی جهان آزاد در برابر خطر کمونیسم و بی‌خدایی قلمداد میکردند . ولی مدتی است که میلیتاریسم فلسفه وجودی خود را از دست داده و میلیتاریستها آینده هولناکی را در برابر خود میبینند . لازم به توضیح است که امروزه همه جناحهای غرب اصلیت‌ترین خطر برای نظام موجود غرب را خطر تروریسم و بنیادگرایی اسلامی مینامند و در این رابطه است که کامهای زیادی در جهت نزدیکی امریکا و

امریکا به صدا درآورده است .

رشد استقلال نظامی ایران تهدیدی است برای غرب

بعنوان مثال رشد انقلاب اسلامی را در وجه استقلال نظامی توضیح میدهم تا عسک نگرانیهای امریکا معلوم گردد . قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران ، رژیم شاه را يك رژیم مستشاری مینامیدند ، اما در اثر انقلاب رژیم مستشاری الفاء و ۶۰ هزار مستشار امریکایی و دهها هزار مستشار انگلیسی و اسرائیلی از ایران اخراج شدند . امریکا قرارداد های تحویل سلاح به ایران را معلق نمود و در ابتدا ای انقلاب جنگ گسترده ای را بر ما تحمیل کرد تا به زانو در آییم . ولی تحت رهبری قاطعانه امام نه تنها دفع تجاوز نمودیم و بطور مستقل وبدون کمک خارجی از انقلاب و حمایت ارضی ایران دفاع نمودیم بلکه موفق شدیم بزرگترین نیروی چریکی-زمینی خاورمیانه را نیز ایجاد نماییم و نه تنها استقلال نظامی خود را تامین نمودیم بلکه غرب این استقلال نظامی را برای خود تهدیدی میداند و بنیادگرایی اسلامی را اصلیت‌ترین دشمن خود تلقی مینماید . این رشد و گسترش در شرایطی انجام شد که حد اکثر توطئه ها و فشارها بر علیه انقلاب اعمال میشد .

در حالیکه کارتر گفته بود : " اگر یک گروه چهار نفره چریکی در خاورمیانه باشد غرب آرامش ندارد " . میتوانیم عمق نگرانی غرب را از چند صد هزار چریک آموزش دیده در جبهه دریایی ویا میتوانیم عمق وحشت و اضطراب غرب را از لبنان قهرمان که بدون درآمد نفت و صرفا با الهام از انقلاب اسلامی ایران به

بنظر اهل فن ، بحران اقتصادی امریکایی سالهای اوج گیری و پیروزی انقلاب اسلامی ، گروگا نگیری و آغاز جنگ تحمیلی از نظر شدت و میزان خسارت حاصله ، از بحران عظیم اقتصادی امریکا ما بین دو جنگ جهانی نیز بیشتر بوده است .

رهبری امام و با دست خالی اشغالگران اسرائیلی امریکایی و انگلیسی فرانسوی را بیرون راند متوجه شوم . اینجاست که امریکا میگوید دشمن اصلی ما تروریسم است . از دیگر اثرات انقلاب این است که توانسته مناسبات جهانی را عوض نماید ، بحران رکود ذاتی غرب را برملا سازد و موجب شسبوسد امپریالیسم دشمن اصلی خود را اسلام بداند و نه کمونیسم و بی‌خدایی جهانی .

گفتم که امریکائیان امیدی به آینده میلیتاریسم نداشته و لذا عدم اشتغال آینده برایشان خیلی عینی و ملموس است . لذا برای نجات از بحران ذاتی غرب است که بنیاد هدی تیج پروژه جنگ ستارگان را مطرح میکند که با يك بودجه سه هزار میلیارد دلاری تا مدتی چند صنایع نظامی را به حرکت در آورد و امید به اشتغال در آینده را بیشتر کند .

ریگان سعی دارد با يك تیرسهد ف رانشانه بگیرد ، برای حل بحران ذاتی خود و برای

شوروی برداشته شده است . وقتی اصلیت‌ترین دشمن را تروریسم بدانند دیگر فلسفه وجودی صنایع سنگین نظامی و اتنی از بین میرود و نظام امریکا با این سؤال درد آور مواجه میشود که مگر میتوان چریک را با بمب اتنی از بین برد ؟ تحلیلگران نظامی اعلام کرده اند ، مساعلا وارد جنگ جهانی سوم شده ایم و دشمن اصلی ما يك نهضت وسیع مذهبی است که جا و مکان ثابت و معینی ندارد . (رجوع شود به مقاله ظهور تریجی امام زمان ۰۰۰ در نشریه ۳۸ راه مجاهد) .

وقتی امریکائیان چنین بن بست عمیقی را در نظام آینده خود مشاهده نمایند طبعاً يك بی‌ثباتی ناشی از عدم امید به آینده و بالنتیجه عدم اشتغال گسترده ای در سرتاسر امریکا بوجود می آید که ما آنرا رکود مینامیم . این بسار جوهره امریکا یعنی اصلیت‌ترین و بزرگ امپریالیزم که میلیتاریسم است مورد تهدید واقع شده است و این زنگ خطری را برای تمام غسرب و

سقوط جمهوری اسلامی و مبارزه با شوروی به توطئه کاهش قیمت نفت دست زد تا از عوائد آن امریکا و هم پیمانانش بتوانند بودجه جنگ ستارگان را تامین کنند . (رجوع شود به مقاله بررسی علل کاهش قیمت نفت - کیهان ۵/۱/۶)

بن بستهای امپریالیزم تمدن غرب

گفتم بدنبال انقلابات و بخصوص انقلاب اسلامی همه وجوه تمدن غرب زیر سؤال رفته است حال جهت اثبات این مطلب به تشریح بن بستهای امپریالیسم و کلاً تمدن غرب می پردازم تا بحران غرب برایمان ملموستر گشته

وقتی که غرب اصلیت‌ترین دشمن خود را تروریسم بداند دیگر فلسفه وجودی صنایع سنگین نظامی و اتنی از بین میرود و نظام امریکا با این سؤال درد آور مواجه میشود که مگر میتوان چریک را با بمب اتنی از بین برد ؟

و به یقین بیشتری در خط مشی خود برسیم .

الف - بن بست نظامی

بطور خلاصه میتوان گفت عمده ترین بن بست نظامی امریکا همان جابجایی اصلیت‌ترین دشمن یعنی اسلام و کمونیسم میباشد . چنانچه در سال ۵۲ (۱۹۷۳) بدنبال رشد جنبش چریکی در فلسطین و ایران ، در کنفرانس سنتو که در تهران تشکیل شده بود نماینده امریکا اعلام کرد : " اصلیت‌ترین دشمن چریک است نه شوروی " بن بست نظامی دیگر اینکه کنگره امریکا که کانون برای اندیش مندان و در حکم سحره امپریالیزم میباشد ، اعتراف کرده است که اساساً بسا شیوه های حفاظتی موجود به هیچ وجه نمسی توان در برابر عملیات جهادی که آنرا انتحاری مینامند مقاومت نمود . چنانچه لبنان قهرمان که قدرت تشکیلاتی اسلام را بدون تکیه بر درآمد نفت و بدون سلاح پیچیده به نمایش گذاشت به صورت عقده ای برای امپریالیزم در آمد . تبدیل ارتش مستشاری شاهنشاهی به يك ارتش هماهنگ که به همراه سپاهیان انقلاب مقاومت میکنند به صورت یکی از معضلات دیگر غرب درآمده است .

ب - بن بست سیاسی

ابعاد بن بستهای ایدئولوژیک و متد لوزیک غرب شاید دارای پیچیدگیهایی باشد . اما ابعاد این بن بستها در بعد سیاسی علاوه بر وضوح دارای عینیتی ملموس میباشد به همین دلیل افکار عمومی وتوده های مردم نسبت به شکستهای سیاسی امپریالیسم حساسیت بیشتری دارند . شکست امریکا در جنگ ویتنام را میتوان سر آغاز سقوط امپریالیسم در دوده اخیر دانست چراکه این جنگ علاوه بر هدر دادن میلیاردها دلار تسلیحات و بودجه هیچ نتیجه ای نیز برای امریکا در بر نداشت . اما سقوط شاه که وی را حاکم جزیره ثبات و

آرامش امریکا لقب داده بودند ، عمده ترسین ضربه ای بود که در دهه اخیر به غرب و امریکا وارد شد چراکه شاه با سقوط خود برنامه های دراز مدت امپریالیسم را نیز برای منطقه خاور - میانه با شکست مواجه نمود .

تسخیر لانه جاسوس امریکا بدست دانشجویان پیرو خط امام و شکست حمله نظامی امریکا در طیس که در جریان گروگانگیری جاسوسان امریکایی صورت گرفت و ابهت پوشالین امریکائیان را درهم فروریخت بعنوان ضربه ای سیاسی و روانی برای امپریالیسم محسوب میشود .

در جریان تسخیر لانه جاسوس نه تنها ماهیت

تجاوزگر امریکا برای جهانیان شناخته شد و ماهیت سازمان سیا بعنوان جوهره امپریالیزم افشاء شد ، بلکه اسناد زیادی از رویه جاری سیا بدست انقلابیون افتاد که بعنوان بهترین دانش عد امپریالیستی موجود شناخته میشود . به دلیل افشای ماهیت سازمان سیا بود که این سازمان دیگر قادر به فعالیت علنی نبود و بر همان اساس مدتی بعد لایحه ای از تصویب کنگره امریکا گذشت و به سازمان سیا اجازه تمام الاختیاری داده شد تا در هر زمان و هر مکانی که لازم بود ، بدون اطلاع کنگره و حتی بدون اطلاع دولت امریکا اقدام به عمل کند .

قتل عام مردم ایران در ۱۷ شهریور ، حمایت از رژیمهای ضد انسانی اسرائیل و افریقای جنوبی و ارسال کمکهای تسلیحاتی و مالی به ضد انقلابیون نیکاراکوه ، افشاگر وجهه حقوق بشر و وجهه انسان دوستانه امپریالیسم امریکا بوده اند . چنانچه حمله نظامی به گرانادا نیکاراکوه ولیسی نشاندهنده این مطلب است که امریکا در میان مردم این کشورها پایگاهی ند داشته و به همین علت به عمل نظامی دست میزند .

حیله شرکت‌های چند ملیتی نیز که به همسراه کشورهای اروپایی در محاصره اقتصادی ایران و بلوکه کردن ۸ میلیارد دلار حسابهای ایران شرکت داشته اند افشاء شد .

شکست امریکا از لبنان قهرمان و شکستش در محاصره اقتصادی ایران و هواپیمارانی توسط نیروی هوایی امریکا و همچنین تأیید امریکا از حمله اسرائیل به مقر ساف در تونس و ۰۰۰ همه دال بر انزوای امریکا در افکار عمومی جهان میباشد که خود بزرگترین شکست امپریالیسم محسوب میشود .

ریگان برای خروج از این انزوا و برای مقابله با انقلاب اسلامی ، دست به تعمیم دموکراسی در جهان از جمله فیلیپین و پاکستان و بسط اصطلاح صدور معیارهای امریکایی زده است . حال اگر فساد سیستم اجتماعی امریکا از جمله

ما باید بر امریکا غلبه کنیم و او را در تمام منطقه شکست دهیم « امام خمینی »

پیگیری رمانج معاصر ایران خاطرات و تاملات مصدق

مجرمان نقشه از آن اطلاع داشتند و صبح
هما نروز با جرای آن میادرت کردند با من
مذاکره کرد و چنین قرار شد که ساعت ۱/۵
بعد از ظهر من برای صرف نهار به کاخ زوم
و ساعت ۲/۵ هم وزیر حضور بهم رسانند که
موقع حرکت شاهنشاه تشریفات معمول
آورند ۱۰۰۰ همت موضوع نرا من بوده گر
ساعت ۱/۵ بعد از ظهر معرفتم چون جمعیت
برای از زمین بردن من مقابل درب کاخ جمع
شده بودند ما ز خانه خارج نمیشدم تا جمعیت
را متفرق کنند. موقع تشریف علیا حضرت
نرا حضور داشتند که پیشخدمت پاکتسی
آورد و به من داد و دیدم تلفنجی خانه
خودم نوشته بوده برای یک کار فوری سفر
آمریکا میخواهد با من ملاقات کند که
بنظر شاهنشاه رساندم و از این بمشامد
خواستم این استفاده را بکنم که در حرکت
عجله نفرمائید تا بعد ملاقات من با سفر
سبب خود فرسخ عزیمت فرمائید تا ما را که
ملاحظه فرمودند همتی به آن ندادند ۰۰۰
غیر از ملاقات با هندیان هیچ چیز سبب
نمیشد که من قبل از حرکت شاهنشاه از کاخ
خارج گردم چونکه طبق مذاکراتی که با
آقای وزیر برقرار شده بود میباشد هیئت
دولت نرا کاخ باغند و موقع تشریف فرمایی
مراسمی به عمل آورند. اگر شاهنشاه حرکت
مفرمودند مقابل درب کاخ کسی نمیمانند
تا بتوانند نقشه را اجرا کنند چنانچه
از این مسافرت منصرف میشدند باز تا

گرانی را معارضها می برای نفی جنگ
قرار ناده اند چنانکه شاه و بقایای این
کمبودها را هوسلهای برای ساقط کردن
دولت ملی قرار ناده بودند. امهدواریم
این نبردها از عزم و اراده دکتر مصدق بر سر
استقلال کشور حتی بقیمت گزندگی درس
بگردد و در رابطه با جمهوری اسلامی برخورد
منصفانه ای کنند. مهندس سحابی در مراسم
سالگرد آید ۰۰ سالقانی در شهریور ۱۳۶۵ -
بدین مضمون گفتند: توطئههایی که علیه
جمهوری اسلامی است چندبرابر توطئههایی
است که علیه مصدق بود. با آمدن اینکه
این نبردها عمادت و استقلال را فساد
رئه و وابستگی نکنند.

دیدگاه آید ۰۰۰ کاغذی:
مکتوبات آید ۰۰۰ کاغذی - ج ۱ - ص ۳۳
پس از کودتا - کهان ۳۳ شهریور ۳۲:
(مصدق) برای کشورگاری نکرده نه مسک
خرابی را تعمیر کرده خرابانی را افتتاح
کرده نه خزانه رانجات داد.
مکتوبات آید ۰۰۰ کاغذی - ج ۲ - ص ۲۱۴ -
کهان ۸ فروردین ۳۲:
اگر آمریکا وانگلس و محاصره اقتصادی را
از مملکت ما برنارند و نرا بران بیسکاری
نیاید و لقمه نانی و آبی برای مردم فراهم
گردد و اساس آن تا من گردد با تباری
که منبج اسلام با مرام کمونسم نارد کسی
دنبال این سلسله و مرام نخواهد رفت.
دیدگاه مصدق:

غیر استوختههای مرحوم مصدق که نر سال
۱۳۴۰ بیابان رسیده است تحت عنوان
خاطرات و تاملات مصدق بجای رسیده
است. این کتاب حاوی مطالبی است که
میتواند بعضی از ابهامات تاریخی را پاسخ
دهد و بهمین خاطر اقدام به ترجمه گشتهای
ز این کتاب منما نم. این کتاب به سند
نده و معتبری است جهت رفع مارکهای
نروایی که به مرحوم مصدق زده میشود
تا از این طریق چهره نهضت ملی و رهبری آن
مفروش گردد و از این طریق مانع از الگو شدن
آن در نمل به خودکفایی شوند.
توجه شود که خاطرات فوق نر سالها می
نگاشته شده که برخی از باران مصدق در
کنگره جبهه ملی نه اسمی از کنسر سوم نرفت
برند و نه از شاه انتقاد کردند و نه چندان
به رهبری نر تبعمد مصدق وفادار ماندند و
خود را جهت رسدن به حاکمیت به آمریکا
نزدیک میکردند.

لازمه کسب استقلال و تحمل گرسنگی هاست

در دوران نهضت ملی عدهای رهمه نفوذ
کمونسم راه در فقر اقتصادی کشور میدا نستند
این عده مصدق را بدلیل عدم اصلاحات
اقتصادی و ایجاد نرفه اجتماعی مینمایان
عامل خرابی اقتصاد کشور معرفی میکردند
و با یک قیاس شکلی به این نتیجه میرسیدند
که مصدق عامل نفوذ کمونستها میباشد
این عده با تحلیل فوق نر مبارزه بسا
کمونسم به سازش با کودتا ۲۸ مرداد
رسدند اما اینکه منشا این توطئه
همراه با تحلیل شاه بود. بنظر میرسد
این تحلیل ظاهر نر فب ما از طریق نتهای
مربوزی چون دکتر بقایی نر لباس دوستی
به آید ۰۰۰ کاغذی القا شده بود.
برای روشنتر شدن این توطئه ما شماره ای ب
دیدگاه شاه و بقایی و آید ۰۰۰ کاغذی
منما نم.

دیدگاه شاه:
خاطرات و تاملات ص ۲۷۱ بنقل از کتاب
یا موریت برای وطنم:
۰۰۰ منظور اصلی او (مصدق) آنست که انگلیس
را بیرون کند و کمونستها را به ایران
یکجا ندمیرمان و قیام مردم را آگاه ساخت
که کشورشان با سرعت تمام بیسوی انحلال
سیاسی و اقتصادی میرود
همان نرک - ص ۲۸۴: ۰۰۰ سیاست منفی
مصدق باعث ایجاد اختلال و آشفتگی عظیم
سیاسی و اقتصادی گردید و برای عمال بیگانه
فرصت بسیار ساعدی را برای اجرای مقاصد
که داشتند فراهم ساخت.

دیدگاه بقایی:
بقایی نر دوره ۱۷ جلسه ۲۲ روز پنجشنبه ۹
مرداد ۱۳۳۱: "بزرگترین خطری که مسارا
تهدید میکند فقر و بدبختی و محرومیت است
که بهترین و مساعترین زمینه را برای
تقویت و سواستفاده حزب توده و پشتمبانان
خارجی آن اعم از شمالی و جنوبی فراهم
میکند.

با وجود اینکه عدهای از علما و عناصر جبهه ملی در قائله
۹ اسفند شرکت داشتند مرحوم مصدق هیچ یک از آنها را
عمده نکرد و طرح جوهر توطئه یعنی هندیان و شاه را
افشا میکند.

قائله ۹ اسفند ۱۳۳۱ توطئه هندیان و شاه بود

مرحوم مصدق قائله ۹ اسفند را در صفحات ۱۸۵
و ۱۸۶ و ۲۶۵ و ۲۶۶ خاطرات و تاملات و جنسن
بیان میکند:
برای از زمین بردن همتی من عدهای از نویسندگان
و علما و نسران و بعضی از اعضا جبهه ملی با
هم توجید مساعی کردند و توطئه روز ۹ اسفند
را بهی آوردند و مقصود از توطئه این بود
عدهای رجاله به این عنوان که من
مخواستم شاه را از مملکت خارج کنم نر
کاخ جمع شوند و موقع خروج من از کاخ مرا
از زمین ببرند و چنانچه اینکار صورت
میکرفت معلوم روز ۹ اسفند که به کاخ
آمده بودند به جنازه ام نماز میگذارند
و چون وزیر دفاع ملی بودم به ما مرشا همتا
انرا روی توپ قرار میدادند و با احترامات
کامل به خاک میسپردند و عدهای از غوغا -
گران مقابل درب کاخ را هم که مرتکب
این جنایت شده بودند به مجازات
میرساندند ۰۰۰ ساعت ۸ صبح روز ۹ اسفند
آقای حسن علا و وزیر نر بار به خانه من
آمد و راجع به حرکت شاه که سری بود ولی

جمعیت آنجا بود من از کاخ خارج نمیشدم
برای ملاقات با سفر حرکت کردم و هندیان
به نر کاخ نرسیده بودم که صدای فریاد
جمعیت نر خیابان مرا متوجه نمود ۰۰۰ نر
این فکر بودم که براه انا مه هم و از نر
خارج شوم یا برگردم و از نر نگری به
خانه بروم که نرا من اثنا شخصی که او را
هیچ ندیده بودم از نر وارد شد و از بهلولی
من گشت و در جواب سؤال من که ممکن است
از نر نگری خارج شوم گفت آبی بچشم و انسا
یکی از خدمتگزاران نر بار را که بهلولی
اتومبیل اهل حضرت و جلوی نر عمسارت
استاده بود صدا زد و گفت کلید آن نر
را ببار کلید را آورد و نر بار با زکرد آنوقت
فهمیدم که آن شخص آقای امیرالدقی
موفرا علم حضرت است که مرابه انجا
را همتای کرد و کسی راهم فرستاد
اتومبیل مرا که نر مقابل درب کاخ
اختصاصی بود به انجا آورده و وقتی که
مخواستم سوار شوم عدهای را که از نر
با من میامند دیدم ولی قبل از اینکه
برسد حرکت نمود فقط تا ۳ نفر رسیده
بودند و از انجا هم تا بخانه که بعضی از ۱۵۰
قدم فاصله نداشت رسیدم و راجع به آن افراد
که تحقیقات نمودم گفتند برای ایمن
بقیه در ص ۲۸

لازمه کسب استقلال، تحمل گرسنگی هاست

دکتر مصدق

ریشه‌یابی اجنبالی از مواضع رسالت

انگیزه نگارش:

امام خمینی طی سخنانی که بمناسبت هفتاد و هشتاد و یکم روزنامه رسالت را که به تضعیف دولت می - انجامید ، مورد انتقاد قرار دادند . هر چند مسئولان روزنامه رسالت دریافتند که روی سخن امام با ایشان است و اشتباه خود شان را پسندیدند ، لیکن تا بحال ریشه‌یابی مواضع گذشته را در روزنامه نکرده‌اند . لذا امکان تکرار آن وجود دارد . حال که نیاز به یک بازنگری از جانب مسئولان روزنامه مطرح شده است ، مواضع سؤال برانگیز این روزنامه را در کمیته‌ای که مورد توجه قرار گیرد و ریشه‌یابی شود . در قرآن نیز سه مرحله جهت اصلاح ذکر شده است : الف - توبه یا قبول اشتباه ب : اصلاح و پاکسازی اشتباه . ج : تبیین و ریشه‌یابی آن . آیه ۱۶۰ سوره بقره می فرماید : " اَلَّذِينَ تَابُوا وَاَصْلَحُوا سَيُؤْتُوا فَاُولَٰئِكَ اَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ . . . " لازم به ذکر است که بدنبال صحبت‌های امام از جانب شخصیت‌های مختلف برخوردار - های بارون‌نامه رسالت شد که تقریباً هیچ کدام در جهت ریشه‌یابی و اصلاح اشتباهات نبوده است . امید داریم این مقاله یک گام در سوزانه در این جهت تلقی بشود . در این مقاله فقط به ریشه‌یابی اجنبالی اکتفا می شود و ریشه‌یابی عمیق را در نامه - سرگشاده به جامعه مدرسین در زمستان ۶۲ مطرح کرده ایم و به آن ارجاع می‌دهیم .

تضعیف جنگ

الف: تضعیف دولت
شکی نیست که جنگ اسلام و کفر مسئله اصلی است و حفظ حیثیت اسلام و انقلاب در

جرا با ایداسم دولت در یک جامعه اسلامی مرادف با کمونیسم تلقی شود؟ دولت انقلابی و اسلامی هم می - تواند تا جایی که خوب باشد و هم صنعتکار خوبی . اگر دولت انقلابی و اسلامی نباشد باید به این قضیه انتقاد کرد . این کار باعث می شود که دشمنان اسلام ، جمهوری اسلامی را صحنه درگیری کمونیسم و کاپیتالیسم یا شرق و غرب تصور کنند .

گرو این دفاع مقدس است ، امام نیز با تاء کید بر این مسئله ، بارها از افسار مختلف خواسته اند که جنگ را تضعیف نکنند مسئولان روزنامه به گفته خودشان انتقادی به سیاست جنگی دولت نداشته اند ، اما درگیر شدن و ضایع کردن دولت که - بیشتر نیروی خود را در جهت

تضعیف جنگ بکار برده و بالطبع کمبود ها و نارسائیهای نیز دارد ، خود در جهت تضعیف جنگ است . آیت الله آذری قمی در یکی از مقالات خود ، نزدیک به این مضمون فرمودند : ما جنگ را تضعیف نمیکنیم ، بلکه با مطرح کردن نارسائیها ، چهره انقلاب را از کدورت بی عدالتیها پاک میکنیم و این کار در جهت تقویت جنگ است . اگر ایشان منشأ بی عدالتیها را در دولت میبینند بهتر است با بیان انتقاد سازنده و راه طرحهای مشخصی که الگوی شرق و غرب نباشد در جهت رفع بی عدالتی قدم بردارند . این مسئله منافاتی با تقویت جنگ ندارد . اما انگشت گذاشتن روی ضعفها و مستمسک کردن آن ، چیزی جز ضربه زدن به جنگ و در نتیجه تضعیف جمهوری اسلامی ، نیست . روزنامه رسالت حتی توطئه نظامی کا - هشتاد و هشتاد و یکم نفت را که جهت براندازی نظام جمهوری اسلامی صورت گرفته بود ، و سران امپریالیسم آنرا آشکارا اعلام کرده بودند با خوشحالی تلویحی ، مقدمه مرگ دولت سالاری اعلام کرد . آیا اینطور حمله به دولت و مخدوش کردن چهره آن ، قدمهای رزمندگان اسلام راست نمی کند ؟ جوانان اینارگری که با عشق به امام و اسلام و تثبیت و دفاع از جمهوری اسلامی جان و مال خود را بیدریغ نثار میکنند ، با بزرگ کردن کمبودها و ضعفهای نا کرده ما بیوس شده و نسبت به جنگ ، حقانیت آن و دولت خدمتگزار جنگ ، مورد میشوید . نکته دیگر اینکه ، روزنامه رسالت برای انتخاب نمایندگان میان دوره ای مجلس

شورای اسلامی ، پنج شرط و ملاک اساسی مطرح کرده بود که متأسفانه نشانی از جنگ در آن دیده نمیشد . (۱) چطور جنگ مسئله اصلی است ولی در ملاکهای انتخاب نماینده نمیگنجد ؟ آیا بعنوان اصلیترین مسئله از نماینده مجلس نباید انتظار داشت که نظرو تحلیل خود را راجع به جنگ بگوید یا

اینکه بدانیم چقدر در جنگ فعال بوده ، ب : عمده کردن مسائل غیر جنگ ۱ - بد حجایی و کم حجایی : از دیدگاه روزنامه رسالت ، یکی از مشکلات عمده و مسائل اصلی جامعه ما ، بد حجایی و کم حجایی است که برای مبارزه با آن ، شیوه‌های غیر قانونی و با اصطلاح مردم - سیاسی ارائه میشود . منافعی مبارزه با بد حجایی و فرهنگ آن نیستیم ، منتها باید دید چه عواملی در رشد آن موثر بوده است . در ستون " روش تحلیل سیاسی " آقای بادامچیان اظهار داشتند که تحلیل نداشتن بهراتب بهتر از تحلیل غلط داشتن است . این بینش افرادی که موضع بی تحلیل را بر آیدهای سیاسی که ضعف دارند ، مسلط میکنند . به عبارت دیگر خط رفاه غالب میشود . این خط منبای گزینش هم قرار گرفت و ارزشهایی بوجود آورد که فرد غیر سیاسی و رفاه طلب قابل پذیرش تر بود اینکار ، نوعی مشروعیت دادن به بی تفاوتی و انفعال و عافیت طلبان است . باید توجه کرد که گرایش به رفاه و تجملات در زندگی از خط مشی دنیاپرستان و دوری از تعهد و رسالتهای سیاسی - اعتقادی ناشی میشود که منجر به جامعه ای رفاه طلب با تمام مظاهر فسادش از جمله بد حجایی میگردد . وقتی بد حجایی عمده میشود ، باید توجه داشت که چه خطوطی در رشد آن موثر است و ریشه بی حجایی چیست ؟ در سوره نور آیه ۲۱ میفرماید : " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ تَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ . . . " ای مومنین گامهای خیزنده شیطان را دنبال نکنید . هر کس این گامهای خیزنده شیطان را دنبال کند ، شیطان بر او مسلط میشود ، پس ما نا اوشمارا به فحشاء و منکر امر میکند . آمریکا شیطان بزرگ است و هر کس به شیطان و منطقهایش مبارزه نکند ، طبعاً در خط زندگی می غلطد و وقتی انسان الگویش زندگی شد ، مسائل زندگی و خود آرای هم بیشتر به ذهنش خطور میکند . اگر نوع زندگیمان طوری باشد که با شیطان درگیری مستمر نداشته باشیم ، شیطان بر ما مسلط میشود و بد حجایی از مظاهر تسلط شیطان است . (۲)

۲ - مدارس خصوصی : مسئله مدارس خصوصی اولین بار توسط روزنامه رسالت به سطح مطبوعات

کشانده شد . مسئله کوچکی که باج سازی و جنجال بشکلی یک درگیری بزرگ در آمد دولت به تاخیر امام نظارت بر این مدارس را ضروری میدانست . اما این مدارس خطشان این بود که کاملاً مستقل بشوند و زیر بار این نظارت نروند . کار بد آنجا کشید که امام موضع گیری کردند ولی متأسفانه صحبت‌های امام نیز تحریف شد . یعنی هدف امام حمایت دولت بود ولی تبدیل به حمایت از بخش خصوصی شد و چیه مقاله ها که در تفسیر این سخنان نوشته نشد ! (۱)

۳ - دامن زدن به دو قطبی کا زب بخش دولتی - بخش خصوصی در قانون اساسی جمهوری اسلامی فعالیت در بخش دولتی و بخش خصوصی هر دو مجاز شناخته شده است . در مواضع روزنامه رسالت ، بخش خصوصی همیشه بعنوان نقطه مقابل دولت و معنویان قشری مظلوم که حق آن از جانب دولت غصب شده است ، مطرح میشود . در حالی که اگر ملاک هدف فعالیتهای اقتصادی ، استقلال و خود کفایی کشور باشد ، این سؤال پیش می آید که کجا فعالیت کنیم تا این هدف بهتر تأمین شود نه اینکه چه کسی فعالیت کند . آیا بهتر است سرمایه بخش خصوصی در جهت تولید و استقلال باشد یا تحسار و سودآوری ؟ اگر راه اول را برگزیند یک سرمایه دار ملی است که هم درآمد دارد و هم در جهت استقلال مملکت فعال است و اگر راه دوم را انتخاب کند ، در جهت وابستگی است و با مصالح جامعه اسلامی تضاد پیدا می کند . نه سعادت دنیا دار و نه خیر آخرت را . با اضافه اینکه در چنین صورتی نمی تواند با جنگ بعنوان یک عمل صالح و اصولی برخورد کند ، چرا که به نفت و ارز لطمه می زند و به این خاطر به ضدیت با جنگ تیز کشیده میشود .

مسئله دیگر برداشت روزنامه از مشارکت مردم بود . از نظر مسئولان رسالت ، منظور امام از مردم ، بخش خصوصی بوده است در حالی که از نظر امام ، مردم یک طبقه اقتصادی خاص نیستند بلکه مردم هستند که در خط استقلال و دفاع مقدس فعالیت دارند ، حال چه سرمایه دار باشند چه طبقه کم درآمد . این مسئله در سخنان امام مرز بندی شده و امام مشارکت مردم را خواستند که با تمام قوا در جبهه و پشت جبهه فعالیت کنند . نکته دیگر اینکه وقتی ما به مارکسیسم رسیدیم بهادادن به مسائل دنیایی و مادی انتقاد داریم ، جادارد خودمان اینقدر به مسائل اقتصاد دنیایی و ولویت ندهیم . علیرغم این همه جنجال در مورد مسائل اقتصادی ، نیروی کافی روی خود کفایی گذاشته نشد و دعوا بیشتر حالت تخاصم و قطب بندی داشت . و بالاخره نکته اساسی اینجاست که آیا در اسلام روابط اقتصادی مبنای تحول و انقلاب است یا فطرت عدل . طلب مستضعفین ؟ آیا در تاریخ انبیا ، صدر اسلام اعتماد دولتی نظیر حضرت یوسف و الگوی رسول اکرم (ص) و حضرت طس (ع) نداشتیم ؟ چرا باید اسم دولت در یک جامعه اسلامی مرادف با کمونیسم تلقی بشود در ص ۲۷

لسان نصیحت غیر از لجن کردن و ضایع کردن است امام خمینی

مقاله زیرگام کوچکی است در جهت طرح نیازهای ایدئولوژیک انقلاب، باید آنکه همگام با انقلاب و جنبه‌ها، اندیشمندان اسلامی مانیز تحولی ایجاد کنند و راه ارائه و تدوین مکتب اصیل اسلام اقدامی جدی تصور بگیرد مسائلی که ما را به نگاشتن این موضوع واداشت مشاهدات زیر بوده است:

۱- نیاز رزمندگان به عرفان در صحنه

برادر رزمندگانی می‌گفت: موقع عملیات و حمله وجود خدا را احساس می‌کنم، امدادها و کمک‌های خدایی را می‌بینم. امانیاز دارم که خدا را در همه مواقع احساس کنم. من در مواقع غیر حمله، در سنگر نگهبانی، در تدارکات جبهه، در زندگی روزمره و... نمیتوانم نقش خدا را دریابم و با وجود حسرت‌گرم رزمنده دیگری می‌گوید: در جلسات دعا، موقع نیایش و نماز احساس می‌کنم خدا ناظرو حاضر است، و میتوانم با او سخن گفت. ولی در غیر مواقع دعا و غیر از خلوت راز و نیاز وجود خدا را احساس نمی‌کنم. میخواهم در همه کارها، در جبهه و در شهر نقش خدا را حس کنم.

این نیاز در بین رزمندگان با شدت وضعف زنده شده است که در تمامی وجوه منجمله روش جنگ، سیاست و اقتصاد مستقیماً از خدا و قرآن اخذ شایسته شود. بدلیل همین نیاز اصیل است که برخی رزمندگان از جبهه به حوزه‌های علمی می‌روند تا پاسخی به این مطلوب خود پیدا کنند. پایه کلاسها و مجالس دعا و اخلاق و نیایش پناه می‌برند. اکنون انقلاب ما تشنه این حرکت است که دعاها از حالت مسکن در شرایط بحرانی و استثنائی خارج شده و در متن اجتماع و سیاست بکار آید. بعبارت دیگر سیاست ما از متن دیانت و عبادت بجوشد.

مثلاً "گرچه امروزه امام حسین (ع) و حرکت کربلا به جبهه‌های ما شور و انگیزه میدهد، لیکن تعمیق و تعالی جبهه‌ها و انقلاب ما اکنون در آنست که شیوه‌های امام حسین (ع) را در همه زمینه‌ها تحقق دهیم. تا وقتی می‌گوئیم انقلاب ما حسینی است مصداق واقعی این عنوان باشیم.

وقتی تاریخ انقلاب حسینی را مطالعه میکنیم در لحظه لحظه حرکت حسین (ع) تجلی صفات الهی را مشاهده می‌کنیم. برخورد امام با دشمن، برخورد آنحضرت با یاران و خانواده، برخورد بانیه‌های بیباک، نحوه روابط دینی، شیوه حفاظت و... تماماً با روشهای دشمن مرزبندی داشته و نمایانگر توحید و صفات الهی بود. جبهه‌های جنگ ما اکنون به چنین انسجامی نیاز دارند.

با این وصف بر فلسفه و متفکرین اسلامی است که برای پاسخ گویی به این نیاز مقدس تلاش جدی نمایند. بجای اینکه نیرو وقت صرف این شود که برای معاندین خدا را اثبات کنند، به این فطرت‌های پاک خدا جو و عاشق، توحید واقعی و ربط خدا و انسان را معرفی نمایند ظهور و حضور خدا را نه فقط در امدادها

غیبی و حرکات استثنائی بلکه در لحظه لحظه زندگی و جنگ و جریان امور نشان دهند.

۲- مرزبندی عرفان در صحنه عرفان خارج از صحنه

با توجه به گرایش که در جامعه بسط عرفان و دعا وجود دارد از طرفی هم شاهد نیازها و کمبودهایی در این زمینه هستیم.

عرفان در صحنه

عرفان خارج از صحنه

اغلب عرفانی که تا بحال دیده و شنیده‌ام از نظر اخلاق فردی اهل زهد و عبادت و تزکیه نفس هستند. اما در صحنه اجتماع و سیاست نقش فعالی نداشته و می‌کوشند از جریان دور بمانند. حتی در بین مردم "عارف شدن" گاه مترادف با "گوشه گیر شدن" و "بریدن از جامعه تلقی می‌شود.

در شرایط فعلی هم دیده می‌شود برخی جوانها که بانیاز به شناخت اسلام به سراغ عارفان می‌روند، تدریجاً نسبت به مسائل انقلاب و مردم کم توجه می‌گردند. بجای تشدید فعالیت اجتماعی در خلوت بودن را ترجیح میدهند. از درگیر شدن در کارهای اجرایی پرهیز می‌نمایند. عقیده دارند وقتی به مسائل سیاسی و اجتماعی می‌پردازیم خلوص و حضور

انقلاب ما امروزه به آن عرفان خارج از صحنه محتاج است، و نه مبارزه ما جرایم و غیر مکتبی را میپذیرد. بلکه به شناخت مکتب اسلام که عرفان در صحنه عمل است و مسجد و معبدش محراب نام دارد دنیا زدا رد.

قلب پیدا نکرده و از خدا غافل می‌شوم و وقتی خلوت می‌کنیم و به نیایش مشغول می‌شوم آرامش روحی پیدا کرده و حضور قلب پیدا می‌کنیم.

این عارضه در بین جوانانی که قبلاً در جبهه و صحنه‌های دیگر انقلاب فعال بوده‌اند نیز چشم می‌خورد. خطر این نوع گرایش عرفانی در اینجاست که انفعال و بی تفاوتی نسبت به امور اجتماعی و سیاسی مسلمین را موجب و مشروع جلوه میدهد. بنظر می‌رسد نوع جدیدی از تفکر جدایی سیاست از دین است که برای جوانان نیز جا زده دارد.

در حالی که حضرت علی (ع) که به آب العرفنا معروف است، خود در اوج میدان جنگ و کشاکش شمشیرها نیایش و رابطه با خدا را نیز دارد. حضور خدا را در همه جا می‌بیند و در روشهای عملی اش منظور می‌دارد. بهمین دلیل پیامبر در جنگ خندق گفت ضربت شمشیر علی از عبادت دو جهان برتر است. متأسفانه گفتار عارفی را سراغ داریم که ایمن

عرفان را تحقق داده باشد. بنحوی که با حفظ عرفان و اخلاص به درگیری با ستمگران زمان برخاسته و به تشکل و سازماندهی مردم عدالتخواه برخیزد. از این باب امام خمینی يك امتیاز برجسته دارد. بین عرفان و جهاد و مجاهد و عارف پل زده است و این دوراهمانگونه که باید در هم آمیخته است.

ایشان در اولین سالگرد ۲۲ بهمن جمله‌ای بدین مضمون گفتند که: اول قدم عرفان یقظه است و مردم مادر ۲۲ بهمن یقظه (بیداری)

پیدا کردند. یعنی مردم با مبارزه‌شان علیه سلطنت راه عرفان را پیوندند. بعبارت روشنتر راه عرفان از متن انقلاب می‌گذرد.

این تفکر راهگشای بسیاری سرگردانیهای فکری جامعه است. لیکن متأسفانه در این زمینه کار تفصیلی صورت نگرفته است. هنوز بسیاری نیروهای صادق به این سرگردانی مقدس دچارند که آیا اول باید به جهاد اکبر و مبارزه با شیطان نفس پرداخت یا در جهت جهاد اصغر رفتن به جبهه و صحنه مبارزه تلاش کرد. می‌گویند وقتی به خود سازی و تزکیه دینی می‌پردازیم از مسائل سیاسی و اجتماعی عقب افتاده و از روح زمان غافل می‌مانیم.

هنگامی که به صحنه انقلاب و سیاست گام می‌نهیم از تقوا و اخلاص بسی بهره می‌مانیم

۳- مرزبندی دیدگاههای امام خمینی و آموزشهای رایج

عده‌ای می‌گویند امام خمینی چیزی از کل روحانیت است. طبق قاعده منطقی کل را که داشته باشیم جزء راه حتماً خواهیم داشت اینان روحانیت را هم يك واحد صنفی تلقی می‌کنند. با این صغری و کدی تحت عنوان خط امام دیدگاه روحانیون دیگر را که چه بسا متضاد با افکار و خط مشی ایشان باشد به تشنگان اسلام آموزش می‌دهند.

۱- رابطه عرفان و اقتصاد، عرفان و جنگ

همین استدلال باین نحو هم مطرح می‌شود که امام خمینی يك عارف است و اگر می‌خواهید جایای امام بگذارید به سراغ عرفان باید رفت. اما با طرح این مسئله که عارف است و فرقی ندارد، برداشتهای عرفانی دیگران را بعنوان دیدگاه امام خمینی در بین جوانان نیازمند رایج می‌کنند.

به ندرت دیده شده که نهادی یا ارگانی در جهت شناخت مستقیم افکار امام و شناخت مستقیم جوهر انقلاب برآید. بطوریکه زبان حال این شعر مولوی شده است که هر کسی از ظن خود شد یار من وز درون من نجست اسرار من

طرح موضوع:

شاید عنوان "مرزبندی دو بینش عرفانی" و طرح مسائل فوق برای برخی ثقیل و غیر منطقی جلوه کند و ناخوشایند باشد. مطرح نمایم که بینش عرفانی یکی بیش نیست و عرفان از این جهت

همه عاشقان خدا به عرفان روی می‌آورند ما باید ضمن عشق به بینشی مسلح شده بتوانیم این عشق را در همه زمینه‌ها تحقق داد.

تفاوتی ندارند. اگر فرقی هستند درجات و میزان سیر و سلوک آنهاست. یا اهیانا" اختلاف سلیقه و ذوق فردی است و این مرزبندی‌ها و خط کشی‌ها "من در آوردم" است.

اما سوای این برداشتها و اقعیتی در برابر همه ما وجود دارد که نمیتوان چشم را بر آنها بست. بلکه بایستی در آنها تأمل کرد و با تبیین آنها به برداشتهای متعالی تری دست یافت. منجمله:

۱- رابطه عرفان و اقتصاد، عرفان و جنگ

اغلب عرفانی که می‌شنا سیم گرچه حکومت‌های جابرانه را تأیید نمی‌کنند اما اساساً مسائل حکومتی و اقتصادی و نظامی را امری مستقل از مسائل معنوی و عرفانی و عبادی می‌پندارند. معتقدند حکومت و سیاست و اقتصاد مقوله‌های مادی و دنیوی اند و روشهای خاص خودشان را دارند. عارف را با این مسائل کاری نیست. اگر سؤال شود این عرفان شما چه برنامه‌ریزی اقتصادی و چه شیوه حکومتی ارائه میدهد؟ سؤال رایجی در بین پندارند.

این دسته بیشتر به نیت و انگیزه موافقت توجه دارند که مخالفان موله باشد. اگر در امور دیگر شرکت کنند باز در همین حد دقت دارند. مثلاً هدف از رفتن به جبهه رضای خدا باشد. و یاد عملیات در چار خود خواهی و غرور نشوم... پاسخی می‌کنند يك فعالیت اقتصادی را بلسا بقیه در ص ۲۸-

تکیه به خدا کنید و به نفت و تسلاح تکیه نکنید امام خمینی

۱۷/۷/۶۵ روح ۰۰۱ موسوی خمینی
کیهان ۱۹/۷/۶۵

ریشه یابی انحلال سازمان از دیدگاه
یکی از اعضای مستعفی (محسن آرمین)

ریشه یابی انحلال سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

۱- "انتظار ما این بود که در احوال
انحلال، علل اساسی انحلال سازمان را بر
میشمرند. کدام ساده اندیش سطحی نگری
بسیار میکند که بدلیل مشغله فراوان و
نا مساعد بودن حال مزاجی یک فرد، یک

شاید این یکی از اشارات
فرمان امام بوده که امام
فرمودند قلمها یکنان را
قبضه کنید و این قلمها بکار
نیا فتد. خوب این بجه های
مخلص هم درک کردند که
خطاب امام مربوط به
همینهاست لذا استعفا
دادند.
حجت الاسلام خلغالی

سازمان عقیدتی سیاسی با آن همه سابقه
درخشان منحل گردید.

۲- "بهتر بود یا انحلال سازمان رابسه
سکوت برگذار میکردند و یا اگر قصد بیسر
مصاحبه و اطلاعیه و ... بود همه حقیقت را
میگفتند. یعنی میفرمودند در خسواسته
استعفا از جانب ایشان ابتدا به ساکن نبود.

آیا این عمل اخلاقی است که برای پسرده-
پوشی و جلوگیری از توجه اذهان به علل اصلی
استعفا بدون هیچگونه دلیلی مسئله ۵ سال
پیش و آنهم با تعبیری مانند تصفیه منحرفین
و ... مطرح نمایند؟ ۵ سال پیش تمام سخن
این بود که پس از آسودگی از این خطر سازمان
فعالتر از پیش عمل خواهد کرد. چه اتفاقاتی
در طول این سالها بوقوع پیوست که به انحلال
امروز انجامید؟ آیا جز این است که سازمان
علاوه بر عدم توانایی در خدمت به اسلام و
انقلاب (بر خلاف سالهای ۵۷ الی ۶۱) در
در جهت تضعیف انقلاب و نظام گام برمی
داشت؟ ...

۳- "هنوز از نصایح مشتاقانه نگهتایم
و هنوز از نظرات نسبت به شهید مظلوم
بهشتی نگهتایم."

۴- "هنوز از حضور اعضای رسمی سازمان
در برخی نهادها که برخلاف نص صریح
حضرت امام صورت گرفت و اجتهاد هادرا
مقابل نص نگهتایم."

۵- "هنوز از ادعای مبنی بر دارا بودن
ولایت تامه (آنهم از ناحیه خود) بر امور همه
مسلمین آنهم نه بر مسلمین ایران بلکه مسلمین
سراسر جهان نگهتایم. هنوز ..."

۶- "علیهذا استعفا مابین ما این است که:
۱- مسئله اختلافاتی مابین را در حد همان
مسائل ۵ سال قبل درون سازمان محدود به
چند ده نفر آنهم در محیط بسته نبینند بلکه
یک مسئله اجتماعی گره خورده با اصل انقلاب
تلقی فرمایند.

۲- حل این اختلافات را کماهیست
"اجتماعی اقتصادی" دارد به گذشت زمان
و ضرورتها و حوادث و نهایتاً رهنمودهای
حضرت امام حواله دهند.

۳- "با توجه به اینکه انقلاب در حساسترین
مراحل تاریخی خود قرار گرفته است و هرگونه
انحراف اذهان از مسائلی اساسی انقلاب
قبیه درصاحب

تشکیل نداد اما در داخل دولت و سازمانهایی
دیگر همچنان در مقابل جناح محافظه کار
رژیم مقاومت کردند و دامنه این اختلافات حتی
به مطبوعات و مجلس نیز کشیده شد و تازه ترین
تبلور این اختلافات پرونده ای بود که علیه
بهزاد نبوی در محاکم جمهوری اسلامی اقامه
شد.

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در واقع از
دو سال پیش منحل شده تلقی میشد زیرا
اعضای تندرو آن به جناح میرحسین موسوی
ملحق شدند و اعضای محافظه کارتر در داخل
حزب جمهوری اسلامی و اخیراً در داخل
گروه رسالت به فعالیت پرداختند.

کیهان ۱۵/۷/۶۵

صاحب رسالت با حجت الاسلام راستی و
نظرات ایشان در مورد سازمان

"س: "آیا حضرت امام در طول نمایندگی
حضرت عالی در سازمان از روند جریانها
اطلاع داشتند و راضی بودند؟

آیت ۰۰۱ راستی: بله اطلاع داشتند و در
اثر مشکلاتی که بعضی ها در سازمان بوجود
آورده بودند ولی با اقداماتی که صورت گرفت
بعد آنتوانستند در امور سازمان دخالت کنند
و استعفا دادند. این مسائل را من خدمت
اصم عرض کردم و امام دستوراتی
دادند و من طبق دستورات
امام سازمان را کنترل کردم و دست آنها کوتاه
شد و افرادی که تابع ولایت فقیه به معنای
واقعی و تابع فقه و فقاقت و احکام اسلامی بودند
ماندند.

س: حضرت امام نسبت به این برخورد شمادر
ارتباط با سازمان چه نظری داشتند؟

آیت ۰۰۱ راستی: حضرت امام چنانکه عرض
کردم نسبت به جریانها اشراف داشتند. آن
کسانیکه میخواستند سازمان را به انحراف
بکشانند مکرراً زمینه را فراهم کردند که امام
در حقیقت نمایندگی دیگری قرار دهد یا کسی
را قرار دهد که امور سازمان در حقیقت
رسیدگی شود ولی تلاش آنان نتیجه نداد و
امام باز حواله دادند به من که باید مسائل
سازمان زیر نظر بنده حل شود.

کیهان ۱۹/۷/۶۵

در رابطه با نامه حجت الاسلام راستی، آقای
بهزاد نبوی طی نامه ای از امام درخواست کرد
تا ایشان نظر خود را در مورد مطالب دیگری
غیر از مسئله استعفا و انحلال سازمان که
حجت الاسلام راستی بیان شده است ابراز
دارند.

پاسخ امام به آقای بهزاد نبوی

بسمه تعالی - جناب آقای بهزاد نبوی
اینجانب فقط با استعفا آقای راستی و انحلال
سازمان مذکور موافقت نمودم و با مطالب دیگری
که در استعفا نامه بود به هیچ وجه موافقت
نکردم.

خبر تحلیلی کیهان در مورد علت انحلال

"سازمان فوق پس از تشکیل فعالیتهای
مختلفی داشت تا اینکه اختلاف نظرهای
اصولی پیرامون مسائل اقتصادی و اجتماعی،
این سازمان را در نهایت به دو جناح تقسیم کرد
در پی بروز این اختلافات جناحی که با خط مشی
اجرائی و جاری دولت موافقت و همکاری داشت
- از جمله بهزاد نبوی، محمد سلامتی و مرتضی
الویسی - پس از کسب اجازه از امام از این سازمان
خارج شدند. جناح دیگر تا کنون به فعالیت
تشکیلاتی خود زیر نظر حجت الاسلام راستی
کاشانی ادامه میداد تا سرانجام با استعفا
نامبرده این سازمان بطور کامل منحل شد.

کیهان ۱۴/۷/۶۵

تحلیل بی بی سی در مورد علت انحلال

"رادبولندن - یکی از قدیمی ترین
تشکیلات هوادار جمهوری اسلامی ایران
امروز بدست آیت ۰۰۱ خمینی رسماً منحل
شد. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی
علیرغم حمایت از رژیم اسلامی ایران ظاهراً
روابط خوبی با دولت میرحسین موسوی
نداشته است. سازمان مجاهدین

متن استعفا نامه حجت الاسلام راستی

بسمه تعالی - محضر مقدس رهبر کبیر انقلاب،
بزرگ مرجع اسلام، حضرت آیت ۰۰۰...
العظمی امام خمینی ادام ۰۰۰ ظلله علی رؤس
المسلمین.
با کمال احترام معروض میدارم با اینکه
در اطاعت از امر مکرر حضرت امام نسبت به
نماینده گی در سازمان مجاهدین انقلاب
اسلامی بحمد ۰۰۰ تا کنون انجام وظیفه شده
است و لطف خداوند با توجه به نقطه نظرهای
که ممکن بود از جانب منحرفین ایجاد شود بر
طرف شده است ولی با اشتغالات درسی در
حوزه و اطاعت از دیگر اوامر حضرت مستطاب
عالی فرصت لازم برای ادامه نمایندگی آن
حضرت در سازمان مذکور نیست، استدعای
استعفا دادم. ضمناً چون در پیوسته
نمایندگی حضرت عالی عده ای از اعضای
محترم سازمان به جبهه رفته اند و عده ای عازم
هستند، استدعای انحلال دارند.

از خداوند ممان صحت و طول عمر آن بزرگوار
را مسئلت دادم.
۲۴ محرم الحرام ۱۴۰۷
حسین راستی کاشانی
کیهان ۱۴/۷/۶۵

سینه ها سدا را ن شرکت افرا د جبهه را عضویت در نیروهای
مسلحه حساب میاورد، لذا از حضور برادران نهضت
مجاهدین خلق ایران در جبهه ها جلوگیری بعمل میاورد
در حالیکه شرکت در دفاع مقدس امری واجب بوده و نیازی
به فتوای امام ندارد. سوال ما این است که اگر سپاه
حضور در جبهه را عضویت در نیروهای مسلحه میداند، چگونه
با حضور افراد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در
جبهه ها، نیاهدها و رگانها مخالفتی به عمل نیاهورده
است؟

پاسخ امام

بسمه تعالی - جناب حجت الاسلام آقاسی
راستی دامت افاضاته.
با خصوصیات علمی و عملی و اخلاقی خوبی که
در جناب عالی است، امید است چون گذشته
به تربیت افراد صالحی برای اسلام و جمهوری
اسلامی اشتغال داشته و موفق باشید.
با استعفا جناب عالی و درخواست انحلال
سازمان موافقت مینمایم. از خداوند تعالی
توفیق همگان را برای خدمت به اسلام و مسلمین
خواهانم.

۲۹ محرم الحرام ۱۴۰۷
روح ۰۰۱ موسوی خمینی
کیهان ۱۴/۷/۶۵

انقلاب اسلامی که در کنار سازمان مجاهدین
خلق ریشه در زندانیهای رژیم شاه دارد سعه
بعد از انقلاب ۱۳۵۹ بعنوان سازمانی مستقل
کار خود را رسماً آغاز کرد. در آن زمان مهندس
مهدی بازرگان و اطرافیانها از طرف آیت ۰۰۱
خمینی به عهده داری دولت منصوب شده
بودند و جوانان پر شور و انقلابی که در این
تشکیلات سازمان داده شده بودند آنها را
لیبرال، مصالحه گر و رعبض، موارد غریبگرا
میدانستند.

رادبوی بی بی سی در بخش دیگری از سخنان
خود ضمن پرداختن به اختلافات درونی این
سازمان به خروج جناحی که وی آنها را
میخواند اشاره کرد و گفت:
اعضای این جناح که بهزاد نبوی، یکی از
سرشناسترین آنها بود سازمان سیاسی دیگری



بنابست ساگره انقلاب فلسطین تشکیل ساف انقلاب فلسطین و مراحل آن

انقلاب فلسطین و مراحل آن

انگیزه و هدف :

الف - ۳۰ آذر ۶۵ برابر با ۲۱ دسامبر سالگرد تشکیل سازمان آزادبخش فلسطین میباشد . ۴۰ دیماه برابر با ۲۵ دسامبر نیز سالگرد انقلاب فلسطین است . این دو رویداد از مهمترین رویدادهای تاریخی انقلاب فلسطین میباشد .
لازم است بخاطر پیوند دو انقلاب ایران و فلسطین و اینکه با اتحاد یکدیگر شعار آزادی قدس را تحقق دهند بررسی داشته باشیم از تاریخ انقلاب فلسطین و در کنارش تشکیل ساف .

ب - انتظار ما این است که این جمعبندی ها ذکری باشد برای ساف تا بازنگری داشته باشند به مواضع گذشته خود و مقایسه آن با مواضع فعلیشان و اینکه تاجه میزان به آن جمعبندیها عمل شده و به چه اندازه از آنها عدول نموده اند تا بتوانند انشا . . . با توطئه هایی که قصد دارد ساف را از اصول اعلام شده اثر دور کند مبارزه کنند .
ج - لازم است با ذکری که از مواضع و جمعبندیهای انقلاب فلسطین میشود ساف بتواند مشترکات عمیق ایدئولوژیک - سیاسی خود را با انقلاب ایران در آورده و بدانند که سرنوشت انقلاب ایران و فلسطین به یکدیگر گره خورده است . توطئه هایی که هم اینک در منطقه در جریان است قصد جدایی این دو

امتیازاتی را که با ساف میدهد به این علت است که میخواهد مقابل ایران موضع ضد صهیونیستی داشته باشد . تحویل گرفتن عرفات از سوی صدام بر اثر فشار انقلاب و جنگ است نه اینکه موضع صدام که تا دیروز حمایت از ابونضال بوده است اکنون تغییر کرده و مترقی شده است .

لازم به تذکر است که محورهای مورد بحث مقاله ، مربوط به جمعبندیهای گذشته خونبار و افتخار آفرین الفتح میباشد . ما معتقدیم در شرایط فعلی ، ساف از بسیاری از این جمعبندیها عدول نموده است و در خطی سیر میکند که خط اولیه سازمان نیست . لذا در پایان هر محور اظهار امیدواری شده است که ساف به این جمعبندیها که نمره خون شهداء است بازگشته و به آنان وفادار بماند .

سرود فلسطینی شهید :

برای پی بردن به عمق انقلاب فلسطین و احساس نزدیکی بیشتر با توده های مستعدیده فلسطینی ، شعری را که فلسطینیان برای شهدایشان در موقع تشییع جنازه آنان می خوانند می آوریم و ترجمه میکنیم . امید است پیوند دو انقلاب مظلوم هر چه بیشتر تقویت گردد .

الشعب امن بالحرب ، بدم یسیر علی التراب
توده ها به جنگ ایمان آوردند بدلیل خونی که بر زمین ریخته شد که این خونها خودش دلیل ایمان به جنگ است .
اقمیراک فی دمی و اکتب وصایا من فی ،

لازم به تذکر است که محورهای مورد بحث در مقاله مربوط به جمعبندیهای گذشته خونبار و افتخار آفرین الفتح میباشد . ما معتقدیم در شرایط فعلی ، ساف از بسیاری از این جمعبندیها عدول نموده است و در خطی سیر میکند که خط اولیه سازمان آزادبخش فلسطین نیست . لذا اظهار امیدواری کرده ایم که ساف به این جمعبندیها که نمره خون شهداست بازگردد .

انقلاب را از یکدیگر دارد . ساف باید بداند همه امتیازاتی که ظاهراً امپریالیسم به آنها میدهد ناشی از رشد انقلاب اسلامی است و نه اینکه حق فلسطینی ها به رسمیت شناخته شده باشد . نمونه بارز این توطئه که در ظاهر امتیاز خودنمایی میکند نزدیکی عراق به ساف است . گرچه میدانیم سران الفتح از ماهیت صهیونیستی ضد فلسطینی رژیم عراق آگاهند ولی بدلیل اینکه اکنون ظاهراً تنها کشور عربی است که به ساف امتیاز میدهد کانون توجه فلسطینی ها شده است . صدام

شما جوانان علامت پیروزی ما هستید . انا قد مضیت فاکملوه فتحملوه فتحملوه من شهید که کام تمام شد ، پس نوبت شماست که این راه را تکمیل کنید . پس اینجاست که باید تحمل کنید و مصائبش را هم باید تحمل کنید و باز هم تحمل کنید . این پیام شهید است .

مراحل انقلاب فلسطین :

۱- تیراندازی در تاریکی : اولیه

جمعبندی فلسطینیها از مبارزاتشان " تیر اندازی در تاریکی " نامیده شد . چرا که فلسطینیها معتقد بودند ، با اسرائیل مبارزات زیادی کرده اند در سال ۱۹۴۸ همزمان با استقرار رژیم اشغالگر قدس . با آن مبارزه مسلحانه نمودیم ولی این مبارزات فاقد استراتژی مشخص بود به همین منظور اسم این دوره از مبارزات را " تیراندازی در تاریکی " نهادند . یعنی مبارزه ای که هدفهای مرحله ای نداشت . همه مسلح به سلاح بودند ولی شناخت ، روش و استراتژی نداشتند تا بتوانند برای مبارزه خود با اسرائیل برنامه های مرحله ای در آورند این بود که بعد از ضربه سال ۴۸ و حاکمیت اسرائیل که اکثر کشورها موجودیتر را به رسمیت شناختند ، توده های فلسطینی به خود آمده و از گذشته خود جمعبندی نمودند و گروههایی تشکیل دادند که در رأس آن سازمان الفتح بود که در سال ۱۹۶۵ در رکویت تشکیل شد .

۲- تشکیل سازمان الفتح در سال ۱۹۶۵

هشت سال پس از ضربه ۱۹۴۸ بود که فلسطینیها به این جمعبندی رسیدند که مبارزاتشان باید دارای استراتژی مرحله ای بوده و بایستی هدفدار حرکت کنند و بدانند دوستان و دشمنانشان چه کسانی هستند . نیروهای درونی و بیرونی آنها را بشناسند به همین منظور مراحل مختلفی را برای تشکیل فتح و تدوین استراتژی مرحله ای در نظر گرفتند

مراحل تشکیل فتح :

۱- کادرسازی : کادرسازی از مهمترین

مراحل تشکیل فتح بوده است بدینصورت که قبل از اعلام موجودیت خود در مرحله اول به کادرسازی پرداخت و اینکار از سال ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۵ ادامه پیدا کرد . صدها هسته سازمانی در روزهای اسرائیل ، اردن ، غزه وارد و گاه پناهندگان در سوریه و لبنان و حتی در میان

جوامع فلسطینی کشورهای دیگر نظیر کوبا و حتی اروپا و امریکای جنوبی تشکیل دادند . اعضای فتح بدون اینکه شناخته شوند و رابطه سیاسی آنان افشاء شود موفق میشدند از طریق انتخابات در مقام رهبری اتحادیه ها ، باشگاهها و جوامع فلسطینی قرار گیرند . در همین ایام مخفی کاری مطلق و عدم ارتباط تلفنی و کتبی از اصول اساسی افراد بشمار میرفت و فقط پیامهای شفاهی انتقال داده میشد و با توجه به اینکه اکثر این افراد متخصص بودند میتوانستند کمکهای مالی زیادی به فتح بدهند و از این نظر فتح خودکفا بود .

در همین ایام فتح موفق میشد حدود ۱۳۵ الی ۴۰ دسته و گروه مستقل و خودجوش فلسطینی را متحد کرده و بعد به فتح ملحق کند . بقدری این دوره دوره شکوفایی بود که بیشتر کادریهای الفتح و سازمان مقاومت فلسطین مربوط به این دوره هستند . در سال ۵۲ که اسرائیلیها سه نفر از رهبران فلسطینی را تیر کردند ، روزنامه ای نوشت ، فتح دارای ۲۰۰ کادر ورزیده است که باتوریک یا دونفری یا چند نفر مقاومت ازین نیرو و آنها به کارشان ادامه خواهند داد . در این مدت ۹ سال ، کادریهای زیادی تربیت کردند که مبارزه دیگر وابسته به یک فرد و دو فرد و حتی ابوعمار و ابویاز نبود .

قابل توجه است که در طول ۳۰ سال مبارزات فلسطینیها ، اسرائیل و عراق خطی را که در رابطه با فلسطینیها داشته اند کادر کشی از آنان بوده است که در تعدیل روند ساف هم بسیار مؤثر بوده است .

۲- انفجار سد و اعلام موجودیت الفتح :

در سال ۱۹۶۵ ، در حالیکه جهان عرب آشفته بود اسرائیل طرحی استراتژیک در دست اجرا داشت . طبق این طرح ، سدی بر روی رود اردن بسته و مسیر آب را تغییر داده بودند . در صورت تکمیل این پروژه اراضی وسیعی از سرزمینهای اشغالی زیرکشت می رفتند در حالیکه زندگی اعراب ساکن روستاها حاشیه ساحلی رود اردن با مشکلات بسیاری مواجه میشد . سران عرب کنفرنسی تشکیل دادند تا به این مسئله رسیدگی شود ولی در پایان کنفرنسی کاری جز بیانیه صادر کردن انجام ندادند . در زمانیکه سران توده های عرب به بن بست رسیده بودند سازمان فتح موجودیت خود را با انفجار این سد بوسیله ۴۰۰ کیلو مواد منفجره اعلام نمود . این عمل اعراب را از یاسی که بر آنها حاکم شده بود در آورد و فعال و خلاقشان کرد . اعلام موجودیت سازمان فتح بایک عمل نظامی

فریاد مردم در روز قدس از قلب مؤمن بود و این فریادی که از قلب مومن است بر همه چیز غلبه میکند . امام خمینی

در واقع اعلام استراتژی مسلحانه، برای مبارزه با اسرائیل بود.

۳- تثبیت و گشودن جبهه‌ها: پس از

عملیات انفجار سرد، سازمان فتح در ژوئن ۱۹۶۷ فعالانه در جنگ ۶ روزه اعراب و اسرائیل شرکت کرد. در سال ۱۹۷۵ سازمان در غرب رود اردن جبهه‌های جدیدی گشود. نبردهای گرامه که نشان‌دهنده تکیه فتح به توده‌های فلسطینی و نبرد چریکی با ارتش اسرائیل بود از مشهورترین نبردهای تاریخ فلسطین می‌باشد. پس از اخراج از اردن نیز، فتح جبهه‌های جدیدی در لبنان برای خود باز نمود.

ویژگی‌های مبارزه مسلحانه فلسطینیها:

استراتژی مسلحانه ای که فلسطینیها برای خود برگزیدند دارای ویژگیهای زیر بود:

۱- مسلحانه استراتژیک، درازمدت و

خلقی بودن مبارزه: پس از جمع‌بندی سال ۴۸

و اعلام مبارزه مسلحانه از طرف فتح، عسدهای معتقد بودند مبارزه آنها به شکست منتهی می‌گردد. چراکه لازمه مبارزه مسلحانه شرایط مساعد است مانند ویتنام که سوزمینی جنگی است و شرایط مبارزه مسلحانه را دارد. اما سازمان در برابر این شبهات مقاومت کرد و ثابت کرد که اصالت با انسان است نه شرایط و در یک منطقه غیر جنگلی مانند فلسطین و کوه‌های سوریه و لبنان هم میتوان مبارزه مسلحانه کرد.

از ویژگیهای دیگر جمع‌بندی آنان استراتژیک بودن مبارزه بود که معتقد بودند مبارزه باید دارای هدفهای مرحله ای باشد. ویژگی دیگر درازمدت بودن مبارزه بود، عسده امید داشتند با پیرو روبرو هستند، صهیونیسم که حامی اسرائیل است و ارتجاع عرب در تمامی کشورهای عرب از سلاطین تا جمهورسهاش، این بود که به جمع‌بندی مبارزه درازمدت و خاکی رسیدند و اینکه تنها در یک مبارزه درازمدت است که میتواند به توده‌های مستضعف مردم تکیه کنند. امیدوارم که سازمان آزادبخش فلسطین امروز هم به همین اصول وفادار بماند.

۲- خودکفایی مالی: جمع‌بندی دیگر

فتح، خودکفایی مالی بود. جنبش فلسطینی در طی ۹ سال که مبارزه مخفی میکرد کاملاً از نظر مالی به اعنای خود متکی بود و هیچگونه وابستگی به افراد غیر سازمانی و غیرتشکیلاتی نداشتند.

نحوه درآمد مالی - سازمان فتح برای کسب درآمد هیچگاه دست به سرقت بانک و مصادره اموال نمیزد، اگر چه از نظرایدئولوژی این مسئله را برای خود حل کرده بودند که حمله به منافع امپریالیستی و مصادره آن مباح است ولی هیچگاه دست به این عمل نزدند. در عید فطر سال ۱۳۵۰ در مسجد هدایت مرحوم طالقانی برای کمک به فلسطینیها پول جمع‌آوری کردند و آنرا از طریق سازمان مجاهدین به الفتح رساندند و وقتی این پول

به مسئول فتح در بیروت داده شد او گفته بود، بسیار خوشحالیم، این پول از آنجایی که فلوس فلوس آن از طریق توده‌های متعهد به انقلاب فلسطین جمع‌آوری شده هر چند میزانش خیلی کم است ولی برای ما ارزشمند تر است از دلارهای نفتی سران عرب. آنها در کنار کمکهای مالی خود توقعات بیجایی از ما دارند.

هر چند آن برادری که این پول را گرفت به شهادت رسیده است، ولی امیدوارم که ساف امروز به جمع‌بندی شهدایشان وفادار باشند و به دلارهای نفتی وابسته نشوند.

۳- عدم وابستگی: ویژگی دیگر جنبش

فتح، عدم وابستگی به کشورهای عرب و سایر کشورهای خارجی دیگر بود. در زمانیکه رهبران فتح در قاهره دانشجو بودند و تازه تشکلی در میان خود بوجود آورده بودند سه نقطه نظر مشترک داشتند و براساس آن برنامه

از تضاد های مرکب این است که مثلاً در جامعه امریکا، تضاد کارسرمایه وجود دارد و سایر جامعه آلمان نیز بدینگونه است ولی جوامعی مانند فلسطین از تضاد های مرکب برخوردار است. تضاد های جنبش فلسطین عبارتند از: عامل اسرائیل و صهیونیسم، امپریالیسم حامی صهیونیسم، رژیمهای مرتجع عربی و تضاد های داخلی و ایدئولوژیک بین گروهی.

طرح استراتژی در یک جامعه با تضاد های مرکب به مراتب سخت‌تر از طرح استراتژی در یک جامعه با تضاد های ساده می‌باشد.

قبل از روی کار آمدن ابوعمار رهبری ساف به عهده احمد شقیری بود. اعتقادات احمد شقیری مانند جمال عبدالناصر بود. ناصر معتقد بود که اسرائیل را باید در کاخهای عرب سرتنگ کرد و لبه تیز حمله را باید متوجه کاخهای ملک سعود، ملک حسین، ملک حسنین و

حسین، درگیری لفظی با غامد حسین و بر نهانیت افراطی بعضی از گروههای فلسطینی به آنجا کشید که خواهان حکومت کمونیستی در اردن شدند. مجموع این مسائل و جزو رگسترده و روز افزون فلسطینیها در اردن وحشت‌ناک حسین را از تضعیف قدرت خود برانگیخت. لذا بعد از ربودن ۴ هواپیمای و انفجار آن در بنایان الزرقا توسط فلسطینیها، ملک حسین بسج شده و ۲۰ هزار تن از برادران فلسطینی را قتل عام کرد. فلسطینیها بعد از این جنگ متوجه شدند که چپروی کرده اند و از فرمول اصلی خود عدول نموده اند. عرفاً بعداً به دنبال ملک حسین رفت و به خط اصلی بازگشتند. می‌بینیم که فلسطینیها به کشورهای مختلف عرب میروند و در آن کشورها دفترها دارند و ملاقاتهایی نیز با سلاطین عرب ترتیب میدهند. اینها نه اینکه ماهیت ارتجاع عرب را ندانند بلکه یکی از رهبران اصلی مقاومت فلسطین در سال ۴۹ به برادران مجاهد گفته بود که بین ۱۳ کشور عرب فقط یکی از آنها (الجزایر) تا حدی قابل اطمینان است، معنی کاملاً ماهیت کشورهای عرب را میدانند. ولی تنها راه فلسطینیها این است که مبارزه علمی صهیونیسم اسرائیل را تشدید کنند و در اثر تشدید این مبارزات است که میتوانستند تنها در میان ربا کشورهای مرتجع عربی حل نمایند. البته مسئله تضاد های مرکب و روابط فلسطینیها و روابط فلسطینان نمیشود. امیدوارم ساف به این جمع بندیها وفادار باشد و از آنها عدول نکند. مگر تعجب تضاد مرکب بدینصورت است که آرمان واقعی توده‌های عرب ایجاد می‌کند که دولتهای مرتجع عرب ابعای مخالفت با صهیونیسم را داشته باشند. به دلیل همین ابعاست که باید مبارزان فلسطینی را بر علیه اسرائیل حمایت کنند. تشدید مبارزه بر علیه اسرائیل توده‌های عرب را بسج نموده و سران عربی که نخواهند از مبارزان حمایت کنند مورد حمله مردم قرار خواهند گرفت و کم کم مبارزه مردم عرب علیه حکومتها و ارتجاع عثمان شکل میگردد. معنی هنگام مبارزه با صهیونیسم، با ارتجاع عرب نیز مبارزه میشود. همین مسئله در مورد تضاد گروهی داخلی جنبش، مقاومت تعزصادق دارد هر گروهی که در مبارزه علیه اسرائیل شرکت نکند از زمین خواهد رفت. در صورت شرکت در عمل صالح آزادی قدس تضاد های سیاسی ایدئولوژیک این گروهها حل میشود.

تحویلی گرفتن عرفات از سوی صدام بر اشراف را انقلاب اسلامی و جنگ است نه اینکه موضع صدام که تا دیروز حمایت از ابونضال بوده است اکنون تغییر کرده و مترقی شده است.

ملک ادریس کرد و تا این کاخها سقوط نکنند عرب قاره مبارزه با اسرائیل نخواهند بود. بعد از سال ۶۷ که ناصر از اسرائیل شکست خورد رهبری سازمان مقاومت نیز تغییر کرد و عرفات روی کار آمد. عرفات به تضاد های مرکب توجه بسیار داشت و می‌گفت اسرائیلها میریالیسم را ارتجاع عرب همگی دشمنان اصلی ما هستند و لسی در بین چند دشمن اصلی یکی عمده است و بقیه اصلی هستند. آنکه دشمن عمده است دشمنی است که اگر با آن مبارزه نکنیم تمامی خلقها را فرا خواهد گرفت و به این نتیجه رسیدند که تضاد عمده فلسطین صهیونیسم و حامی امپریالیستهای بخصوص آمریکا است و تضاد اصلی ما ارتجاع عرب می‌باشد. لازمه مبارزه با تضاد اصلی (ارتجاع عرب) درگیری با تضاد عمده یعنی اسرائیل غاصب است و بدون درگیری با تضاد عمده قاره حل تضاد اصلی نیستند. اینگونه برخورد با تضادها فرمول مقدسی شد که بعد از سال ۶۷

فعالیت خود را تنظیم میکردند. الف- عدم انتظار از رژیمهای عرب: بدلیل وابسته و ارتجاعی بودن افکار سران عرب و بدلیل وابستگیهای نظامی و سیاسی و اقتصادی آنها به غرب.

ب- عدم اعتماد به احزاب سیاسی: دانشجویان به این دلیل با احزاب موجود مخالفت میکردند زیرا معتقد بودند احزاب موجود قابلیت پاسخگویی به مسائل حاد سیاسی و نظامی منطقه خاورمیانه را ندارند.

ج- تکیه به نیروهای فلسطینی: تکیه صرف و خاص به نیروهای فلسطینی بدین منظور اتخاذ شده بود که تجربیات گذشته نشان میداد هر نوع کمکی که دیگران در اختیار فلسطینیها قرار میدادند در جهت تأمین منافع استراتژیک و تاکتیکی خودشان است و کلاً از میان اعراب کسی حاضر نبود بخاطر فلسطینیها خود را به مهلکه اندازد.

الفتح کاملاً متکی به اصالت دادن به اراده بحق مردم بودند و لذا از این طریق سعی داشتند از تضاد های خارجی نیز استفاده کنند. با وجود اینکه در جنبش فلسطین تلاطمها و بیست و بلندی زیادی وجود داشت ولی آنها به هیچ وجه وابسته نشدند و استقلال خود را حفظ کردند. عده‌ای از فلسطینیها خط مشی خود را با کشورهای نظیر مصر و سوریه یکی کرده و میکنند. این احزاب و گروههای فلسطینی از استقلال فکری و اصالت دادن به توده‌های فلسطینی دور بوده و در واقع حافظ منافع کشورهای وابسته در میان فلسطینیها هستند امیدوارم با الهام از خون شهدا و با توجه به باز بودن راه بازگشت تعهد خود را نسبت به خون شهدا ادا نمایند.

۴- برخورد با تضاد مرکب: منظور

بنظر میرسد رهبران ساف از شروع کشنده و تها و زگر جنگ آگاهند ولی معتقدند جنگ ایران با عراق تضعیف جبهه عربی علیه اسرائیل است. با دیدیه رهبران ساف متذکر شد که اولاً "عراق تا به حال جبهه‌ای بر علیه اسرائیل نبوده بلکه همیشه مواضع مرتجعانه‌ای بر علیه انقلاب فلسطین داشته است.

از طرف سازمانهای فلسطینی رعایت معیشت در سبتا میبر ۱۳۵۰ فلسطینیها از این فرمول عدول نمودند و در اردن جبهه‌های سیاسی کردند. منجمه عدم با بندی به قوا نمین اردن، تحریک غیر اردنیها بر علیه حکومت عسده

مذاکره با اعتبار مقاومت و ویژگی دیگر مبارزات فلسطینیها فعالیت سیاسی در کنار عمل نظامی بود. نظر بنما نگاران فتح این بود که با شروع جنبش مسلحانه بقیه درص ۲۳

خط سرخ انقلاب از گریلا به قدس است



**ماهنامه
استراتژیک**

از آنجا شیکه اخبار و اطلاعات صحیح (کما می - هما نظور که هستند) تحلیلها را با رور میثما بدیر آن شدم جمعه ای زا خبا رهم ما را در بخشی از نشریه که به این کار اختصاص داده ایم درج نمائیم. اهداف مورد نظر ما از این کار عبارتند از:

- ۱- کمک به روری تحلیلهای سیاسی نیروهای مکتبی.
- ۲- دادن بینش استراتژیک از رویدادهای ایران، منطقه، جهان.
- ۳- کمک به پیدا کردن دید استراتژیک از مراحل رشد خلق و افول امپریالیسم.

ضمناً راه مجاهدان این اخبار بر بخورد فعال میکنند.



انتقادی که از طرف برخی مسئولین نسبت به شیوه های دیپلماتیک اخیر عرفات وجود دارد این می باشد که وی بین حفظ نظام ساف و پیوند با نهضت ها، وجه اول را اصل قرار داده. در صورت انتقاد به شیوه های عرفات میبایست ریشه انحراف وی را در درون خودمان هم از بین ببریم.

گیری عوشر شد. از جمله بعد از کودتای ۲۸ مرداد بانک مرکزی تصویب کرده که سود سرمایه های خارجی را بصورت دلار به آنها بدهد تا از کشور خارج کنند.

پس از پیروزی انقلاب یکی از برادران خدمت گزار طرحی داده بود که سود سرمایه گذاری - هائی در کشور تضمین و مشروع شمرده شود که ۸۰٪ مواد اولیه آنها از داخل تامین گردد. بنظر ما نباید از مارک سرمایه داری خوردن ترسید و بایستی با شجاعت بسوی خود کفائی و جهت دادن اقتصاد کشور به سوی داخل و تولید ملی تلاش کرد که این یک حرکت ضد - امپریالیستی است.

امپریالیسم به این موضوع اهمیت چندانی نمیدهد که ابزار قدرت تولید در خدمت کدام طبقه باشد، بلکه آنها به این فکر میکنند که جهت تولید به کدام سمت است. به سمت رفع وابستگی بی نیازی از شرق و غرب و یا در جهت وابستگی هرملتی که بخواهد در مقابل توطئه های سیاسی و اقتصادی امپریالیسم بایستد و جرات این ایستادن را داشته باشد و به استقلال سیاسی و اقتصادی بیاندیشد از نظر امپریالیسم نهضت آفرین و خطرناک بوده مستوجب انزوا و سرکوب است.

**حفظ نظام
در صدور
ارزشهای انقلاب
است**

چندی پیش امام گفتند "حفظ نظام از اهم واجبات است" به دنبال آن، برداشتهایی مطرح گردیده از جمله:

مطرح میشود که دیگر نیازی به صدور انقلاب نداریم چرا که انقلاب با فکرو فرهنگ خود ما در شده است و حال باید به حفظ نظام پرداخت. قبلاً نیز مطرح میشد که هر گاه بین صدور انقلاب و رفع نیازهای جمهوری اسلامی تضاد ایجاد شود به دلیل اینکه جمهوری اسلامی نقشام القرا را در اردرفع نیازهای جمهوری در اولویت است حتی اگر به قیمت فدا کردن رابطه با نهضت های

از دیدش باشد.

راه مجاهد: بنظر میرسد اولاً انتقادی که از طرف برخی مسئولین نسبت به شیوه های دیپلماتیک اخیر عرفات وجود دارد این میباشد که وی بین حفظ نظام ساف و پیوند با نهضت ها از جمله انقلاب اسلامی ایران، وجه اول را اصل قرار داده، حتی اگر به قیمت از دست رفتن انقلاب ایران باشد. در صورت انتقاد به شیوه های عرفات میبایست ریشه انحراف وی را در درون خودمان هم از بین ببریم.

ثانیاً امام در صدور حفظ نظامی هستند که جوهره آن بیداری ملت ها و پیوند با مستضعفین است که لازمه اش اجرائی شیوه های اسلامی در ابعاد داخلی و خارجی است. لازم به ذکر است که یکی از شیوه های اسلامی که از سنت های اولیه انقلاب اسلامی است پیوند با نهضت های آزادی بخش جهان است و با حفظ اینگونه شیوه ها است که میتوان گفت انقلاب خود بخود ما در میشود. بعبارت دیگر حفظ شیوه های اسلامی است که متضمن صدور انقلاب است.

خط امام در کلام آیت الله منتظری

اطلاعات ۶۵/۶/۳۰

آیت الله منتظری طی سخنانی مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید حوزه علمیه قم:

صحبت امام نباید وسیله ای برای اهانت و کوبیدن باشد. حضرت امام مدظله به مناسبت های مختلفی به عنوان تقویت دولت و با غیر آن رهنمودها و تذکرات لازم و بسیار مفیدی را ارائه میدهند که کاملاً مقتضی و بموقع میباشد، ولی متأسفانه بعضی ها به علت نخبگی خود فرمایشات ایشان را وسیله کوبیدن و اهانت به افراد و یا محتاجی های روحانی قرار میدهند و اختلافات دیگری را بوجود می آورند.

صحبت امام برای جلوگیری از کوبیدن در اختلاف نظر است. هدف امام هم این بوده که نباید اختلافات نظرها به تنازع و کشمکش و کوبیدن یکدیگر منجر شود، بنابراین افراد توجه داشته باشند که از فرمایشات بجا و به موقع حضرت امام سوء استفاده نشود.

اطلاعات ۶۵/۸/۲

آیت الله منتظری در دیدار با هیئت عفو امام:

آزادی افرادی که برای انقلاب و نظام ضروری ندارد مشمول عفو امام قرار گیرند.

هیئت عفو کما فی السابق با همان تشکل و روش گذشته به کار خود با همسان دقت نظر و ضوابطی که حضرت امام تأکید فرموده اند، ادامه دهند و سعی کنند همانگونه که نظر مبارک امام است افرادی که آزادی آنان ضروری برای انقلاب و نظام ندارد، مشمول عفو معظمه قرار گیرند.

اخبار ایدئولوژیک و ولایت فقیه

راه مجاهد:

۱- در دوره حکومت مرحوم صدق هم دست بازار بخش خصوصی باز بود و بازاریان در نهضت ملی شرکت داشتند و هم دموکراسی در اعلا درجه از سوی صدق رعایت میشد. بصورتی که در هیچ دوره ای از تاریخ ایران مخالفین یکسک حکومت آنها را آزادی عمل نداشتند. روزنامه های وابسته به دربار و انگلیس هر چه میخواهند علیه دولت ملی می نوشتند، نمایندگان مخالف هر چه میخواهند میگفتند و کس هم متعرضشان نبود و تشاد و راهی بود که از شکجه خبری نبود. ولی بازم آمریکا و انگلیس علیه او کودتاکردند و به سرکوب نهضت ملی پرداختند.

۲- بنظر میرسد در شرایط فوق نشان دهنده خط مشی و سیاست خارجی امپریالیسم نیست. آنها قبل از هر چیز به جهت سرمایه گذاری و خط مشی حاکم بر یک کشور توجه میکنند.

یکی از استادان اقتصاد میگوید: "مهم جهت سرمایه گذاری است یعنی اینکه سودش کجا خرج شود".

برای آنها مهم اینست که جهت سرمایه گذاری در ایران باشد یا خارج. در زمان مرحوم صدق در ایران و مرحوم ناصر در مصر سرمایه گذاری در جهت داخل و رشد اقتصاد ملی بود. ولی بعد از کودتای ۲۸ مرداد در ایران و حاکمیت انور سادات در مصر این جهت

چندی پیش "بوش" معاون رئیس جمهور آمریکا اظهار داشت که به دوش شرط ممکن است سیاست نیکارگونه عوض شود و میانشاره های نظامی و سیاسی خود را از روی این کشور برداریم.

اول اینکه به اقتصاد آزاد پایبند باشند یعنی دست بخش خصوصی را باز نگذارند.

دوم اینکه دموکراسی را رعایت کنند. یعنی ساندینست ها به مخالفین اجازه فعالیت و اظهار نظر بدهند.

عده ای از برادران به این جمله بوش استناد کرده و میگویند با این قدرتی که سرمایه داری در ایران پیدا کرده که بطور طبیعی فضای بازار سیاسی از نوع خودش را هم بدنال خواهد داشت و آمریکا نیازی به دخالت نظامی و درگیر شدن با ایران نمی بیند. آنها منتظر نوتنام هستند تا مملکت بطور کامل در اختیارشان قرار گیرد.

ما باید با جدیت و بدون شعار و حرف به سمت جدایی از وابستگی به نفت و تک محصولی برویم منتظری آیت الله



اخبار ولایت قیه

وایدولوژیک

با بدکارشود ما بین سخن حاکی از خلائی نرآین
مواردمباید. امهدواریم فقها و روشنفکران
ونبروهای خط امام نرزمینه استخراج
شوههای حکومتی از قرآن‌ها بین خلا را برکنند
آنها... منتظری اخیراً تفسیر خطبه‌های
نهج لبلاغه را ببا بیان رسانده اند که در
زمینه ارائه شوه‌های عملی نمیتوانند
راهنمای مسئولین قرار گیرند. با امسند
اینکه ایشان تفسیر قرآن را نمزشروع کنند

مسئولین خط امام و نیاز به

اسلام راهمهای عمل

اخیراً در بین مسئولین خط امام زمزمه‌های
بگوش می‌رسد که حاکی از نیا زاصلی است
مثلاً چنین عنوان میشود که ما نرزمینه
مدیریتها خیلی کمبود داریم ما بنها میگویند
عدهای توصیه‌های کلی میکنند و از کتب
موجود نرآین زمینه راهنمای عمل استخراج
نمیشود ولی کتب غربی و شرقی و شوه‌های
ریز برای حل مسائل نرآین بطنه با مدیریتها
و سازماندهی و... ارائه ناده اند که
بدلیل خلا شوه‌های اسلامی در سطوح
مختلف نظام شوه‌های غربی رایج میشود
این مسئله حاکی از نیاز مقدسی است
که محتاج به راهنمای عمل نر زمینه
مدیریتها و سیاست ما قتما ده جنگه...
مبادعه ولی بدلیل خلائی که نر کتب فقهی
نر اینموارد وجود نارد به منابع غیر
اسلامی مراجعه میکنند.
با توجه به اینکه فقه موجوده سیاسی و
حکومتی نمباید ما میدواریم فقها به این
نیاز خط اماما مهابا توجه کرده و با تکیه بر
قرآن و سنت و رهنمودهای امام و آیه‌ها...
منتظری تحولی نرفقه اهبانما نند.

از طریق آلوده نمیتوان به عرفان و سرچشمه زلال وحی رسید

برخی از عرفا معتقدند که منطق ارسطو مینا
و معیار نیست بلکه وسیله‌ای برای وصول به
مقدسات. این عده معتقدند که منطق یونانی
ارسطو صرفاً "طریقت داشته و نه مینا است و به
عبارتی وسیله است نه هدف، و در توضیح
طریقت منطق مثال می‌زنند که منطق ارسطو
مثل نردبان است نسبت به پشت بام. همانظور
که وقتی از نردبان بالامی‌رویم و به پشت بام
می‌رسیم دیگر احتیاجی به نردبان نداریم.
برای وصول به هدف هم وقتی از طریق منطق
استفاده کردیم دیگر احتیاجی به آن نیست و
موضوعیت ندارد.

راه مجاهد:

اولاً منطق ارسطویک وسیله نیست بلکه
یک متدولوژی و یک روش شناخت است و بقول
خبرگان منطق، هم صورت است و هم سیرت.
ثانیاً "منطق اصالت ما هیت ارسطو را
نمیتوان از فلسفه اصالت ما هیت جدا کرد که
ذیلاً به توضیح آن می‌پردازیم.
منطقیون در رابطه با برهان ارسطویی
چنین می‌گویند که وقتی می‌خواهیم صغری و کبری
و نتیجه را تنظیم کنیم و قیاس تشکیل بدهیم،
صغری جزئی و کبری کلی است. ولی گاهی هم
میشود که هم صغری کلی است و هم کبری. در این
حالت برای تشخیص کبری از صغری باید دید
کدامیک کلی تر است در نتیجه احتیاج به ملاک
داریم. ملاک کلی فراگیری مصادیق است. ملاک
کلی تر بودن فراگیری بیشتر مصادیق میباشد.
بعبارت دیگر هر کدام مصادیق بیشتری را دربر
گیرد کلی تر می‌شود. ملاحظه میکنیم که ملاک فراگیری
همان فلسفه اصالت ما هیت ارسطویی است یعنی
فلسفه اصالت ما هیت مینای منطق اصالت
ما هیت ارسطوست.

با توضیحات فوق دیدیم که مینای منطق
ارسطو، فلسفه ارسطوست از آنجا که این فلسفه
توسط علمای موحداً مطلق اعلام شده است لذا

اولاً: دین ما دین تبعیت از احسن است
و چیزی که مصالح علیه اسلام ایجاب میکند،
همان دین است و منافاتی با هم ندارند.
ثانیاً: "اگر اعمال مذموم و بقولاً نشان
(زشت و نامردانه) عراق را محکوم میکنیم،
چرا خود ما آنرا بعد از مدتی عمل میکنیم و مشروع
بدانیم، استفاده از سمب شیمیایی درگیری و
قتل دشمن نیست، بلکه روی یک نسل اثر
میگذارد، در حالیکه ما با نسل آینده و افراد
خانواده و پشت چپه عراق در جنگ نیستیم.

مقابله بمثل از نظر حجت الاسلام آذری قمی

رسالت

۶۵/۷/۶

سرمقاله "رهبری و جنگ و صلح
بقلم حجت الاسلام احمد آذری قمی:
... مسئله دیگری را که مرحوم علامه
حلی اشاره میفرمایند اینست که: اگر دشمن
باغی و ستمگر با جنگ ممکن نشد، نشستن او
واجب است ولی در اول از طریق سوزاندن
و استفاده از متجنیق و غرق کردن نباید آنها
را کشت مگر آنکه اهل عدل مضطر شوند و نیاز
پیدا کنند که استفاده از این وسائل (مثل
موشکهای امروزی) جایز میگردد. البته
شرط استفاده را در این میدانند که اهل ستم
و بغی هم به این نوع کارها مبادرت کنند (۱۰)

راه مجاهد:
اولاً موضع دفاع آقای آذری قمی از جنگ
و برخورد استدلالی ایشان با منطقیهای ضد
جنگ قابل تقدیر است.

ثانیاً "مرحوم علامه میفرمایند ۵ در اول
از طریق سوزاندن و استفاده از متجنیق و
غرق کردن نباید دشمن را کشت. بنظر
میرسد این گفته به این خاطر است که
مراستی از دشمن قابل هدایت است و با
کشتن فرمانده عده زیادی از سربازان
دشمن ممکن است تسلیم شوند و عده‌ای ممکن
است از موضع ترس تسلیم عده‌ای ممکن
است... در اسلام اصل با هدایت است
است نه کشتار بیشتر، و باید به طریقی
متوسل شد که این منظور حاصل آید.

ثالثاً "استفاده از سلاحهای دوربرد
امکان برخورد نزدیک را با دشمن از ما
میگیرد، چه بسا با برخورد تنگ تنگ نیروهای
صادقین از آنها به واقعیت سپاه حق
پس برده و از محاربه دست بردارند. بنظر
میرسد مرحوم علامه با در نظر گرفتن این
نکته استفاده از سلاح دوربرد را در وهله
اول جایز نمیدانند.

رابعاً "ایشان میفرمایند اگر اهل عدل
مضطر شوند می‌توان از سلاح دوربرد علیه
دشمن استفاده کرد و این اصلاً در خصوص
موشک که آقای آذری سال زده اند مورد
تذکره است. چرا که ایشان می‌نویسند اگر ما
مضطر بشویم می‌توانیم علیه دشمن سلاح
رایج بگیریم نه در مورد زن و بچه ۱۸ بیستاه
که با ما در حال جنگ نیستند.

مقابله بمثل از نظر بین عقل و منطق

رسالت

۶۵/۷/۶

مقاله حجت الاسلام آذری قمی تحت
عنوان "رهبری و جنگ و صلح"
".... رژیم یعنی عراق با رها و بارها
بطور نا جوان مردانه و غیر انسانی از سمبهای
شیمیایی استفاده کرده و برخلاف تمام مقررات
بین المللی، بسیاری از جوانان عزیز و زرمزنده
ما را مجروح کرده و نا بینا نموده و سوزانده است
و بسیاری از مباح بین المللی هم، با تمام
اصرارشان با سکوت این عمل زشت و نامردانه
عراق را تائید نموده اند، ولی ایران اسلامی
هنوز حتی یک مرتبه هم جازیه ارتکاب چنین
عملی نشده است، با اینکه توان و قدرت انجام
آنرا داشته است و دین و عقل و منطق و مردم
انسان دوست هم آنرا برای ایران اسلامی روا
و جایز میدانند پس چه بسا از حقوقی که ملت
ما داشته است و به ما مایه خاطر مصالح
عالمیه انسانی از آن صرف نظر کرده است."

راه مجاهد:

حجت الاسلام آذری قمی گفتند که عقل و منطق
و مردم انسان دوست این کار را جایز میدانند
ولی ما مبرای رعایت مصالح علیه اسلام از آن
خودداری می‌کنند، در این رابطه دو نکته بنظر
میرسد:

هم‌فکر

با اسم رب حرکت کنید و با اسم رب انحرافات را مستقیم کنید



اخبار ایدئولوژیک ولایت فقیه

تحول مدیریت حوزه های علمیه

در مجله حوزه شماره ۱۶ شهرسور ۶۵ مقاله ای تحت عنوان "مدیریت در حوزه های علمیه" تدوین شده است. در این مقاله لزوم تغییر مدیریت در سازمان روحانیت مورد بحث و بررسی قرار گرفته که قسمتهایی از آنرا می آوریم:

"حقیقت این است که اگر حوزه بخواهد در همین نیمه را بایستد و شعاع هدایت و بیداری گری خویش را گسترده و منسجم هماهنگ و حساب شده تر نکند و با همان سیستمی به کارش ادامه دهد که صدها سال قبل داده است توان تحمل بار مسئولیت عظیم خویش را نخواهد داشت و از حرکت باز خواهد ایستاد و ایستادن در وضعیت حاضر خود سقوط است... ضروری ترین حرکت و تحولی که باید در آن رخ دهد شکل گرفتن مدیریت است مبتنی بر اصول اسلامی و ارزشهای فرهنگی و روش های علمی پیشرفته جهانی، بدور از شائبه تنگ نظری، کوتاه بینی، گروه گرایی، خود محوری و طبقه سالاری باشد... (ص ۵۵)

... با توجه به پیچیدگی روابط انسانی و سیستمهای اجتماعی عصر حاضر و نیاز به پیشرفتهای حیرت انگیز دانش بشری و گام نهادن سیستمهای کامپیوتری در زندگی بشر بدون داشتن مدیریت علمی و سیستمی دست یابی به موفقیتهای اساسی امکان پذیر نیست... (ص ۵۶)

... در هر حال ما اکنون در برابر خویش سه گونه مدیریت را به عنوان واقعیتی خارجی می توانیم ترسیم کنیم: ۱- مدیریت خودکامه، مستبد، خشن، خود سالار، ۲- مدیریت مرموز، استبداد مخفی، خود سالاری و جریان سالاری و گروه سالاری پوشیده شده. ۳- مدیریت شایسته در زیر عنوانهای زیبا، ۴- مدیریت شایسته صالح، انسانی و بحق شوری و عادلانه... (ص ۶۴)

... در مدیریت حوزه باید چهار رکن اصیل دارای تأثیر باشد:

- ۱- ولی فقیه - یا شورای رهبری
- ۲- فقها و مجتهدان حوزه
- ۳- مدرسان متعهد و آگاه و پرینش
- ۴- طلاب و فضایی جوان و خوشفکر و پسر تلاش و حرکت آفرین (ص ۶۵)

راه مجاهد، مطرح کردن لزوم تغییر سیستم مدیریت حوزه های علمیه نیاز اصلیه است که قابل تقدیر است لیکن تحقیق و بررسی در این زمینه و رسیدن به یک سیستم مدیریت اسلامی کاری است که نیاز به عمق ایدئولوژیک دارد.

در این زمینه می توان بین "مدیریت که در قرآن آمده با "مدیریت" که واژه رایج است مرز بندی نمود. مدیریت با نیازهای اصیل افراد سوکار دارد در حالیکه مدیریت با نیازهای ظاهری و صنفی، مدیرکسی است که قضیه ای را دنبال و پیگیری کرده و رشعیایی می کند و پایان و عاقبت آن را هم در نظر میگیرد ولی مدیر کارش اناره ابواب جمعی و یا افراد تحت فرمان اوست بعنوان مثال تخصیص دادن درآمد نفت به ادارات مختلف مملکت در شرایط عادی یک نوع مدیریت است ولی سازماندهی استعدادها و امکانات و بسیج مردم را در شرایط بی نفتی و بی پولی را مدیریت گویند.

مدیریت در حوزه ها اینست که با همین نظام آموزشی و کتابهای موجود حوزه ها را اداره کرد ولی مدیریت آن است که انقلاب فرهنگی مورد نظر آیت الله منتظری را تحقق داد.

انقلاب اسلامی و نظم امپریالیستی

رادیویی بی سی در هفته جنگ علی تحلیل از روند جنگ ایران و عراق اعلام کرد: "قد همه همسایگان این است که جنگ گسترش پیدا نکند و هیچیک از آنان و ابر قدرتها مایل نیستند کسی در این جنگ پیروز شود. در صورت پیروزی غیرمنتظره ایران، دول متحد غرب نخواهند توانست ویا نخواهند خواست کاری انجام دهند، تاکنون هیچ درگیری و جنگی نتوانسته این چنین نشان دهند ضعف جامعه بین المللی و آسیب پذیری نظم بین المللی باشد."

راه مجاهد:

علت اینکه این جنگ نتوانسته نظم بین المللی را برهم بزند بخاطر این بوده که در این جنگ همه قانونمندیهای نظام کلاسیک جهان شکسته شده است. مثلا از نظر سرب، شیوه های جنگی، جنگ چریکی و مقابله با تسلیحات پیچیده و کلاسیک ابرقدرتها، ادامه کار آنها در غرب را به زیر سؤال برده است. جنگ ویتنام گرچه تأثیر مختصری در امریکا بجای گذاشت ولی نظم بین المللی را برهم نزد و در نهایت به ابرقدرت شوروی نزدیک شد در حالیکه جنگ اسلام و کفر بعزت جوهرت خود موفق شده تغییرات بنیادی در مناسبات عالم بوجود آورد بعنوان مثال:

الف- بنیادگرایی اسلامی دشمن اصلی؛

امریکا و غرب به جای شوروی دشمن اصلی را بنیادگرایی اسلامی میدانند که مناسبات درونی امریکاراهم تغییر میدهد و یا به اعتراف سران اسرائیل و کشورهای عرب، انستقلاپ اسلامی دشمن مشترک ارتجاع غرب و صهیونیسم و امپریالیسم شده است.

ب- تغییر متد لوزی امپریالیسم؛ یک استاد امریکایی اعتراف کرده که غرب برای

شناخت انقلاب اسلامی باید متد لوزی خود را تغییر دهد. بعبارت دیگر انقلاب اسلامی دارای ملاکهایی است که غرب را از شناخت روند انقلاب عاجز کرده است و آنها قادر نیستند ضربه هایی را که از ناحیه انقلاب میخورند تبیین نموده و پیش بینی کنند. لذا میبینیم که اخیرا به مطالعه اسلام روی آورده اند.

رشد انقلاب و تحول در میانجیگری

اخیراً نقطه عطفی در روند میانجیگری در جنگ ایران و عراق روی داده است و آن اینکه تحلیلگران غرب اعتراف کردند که سوریه حکم و میانجی مناسبی برای صلح خاور میانه و صلح ایران و عراق و امنیت خلیج است. این امر از یک طرف رشد انقلاب اسلامی ایران را میرساند و از طرف دیگر نشانگر ناامیدی امپریالیسم از کارایی سایر جناحهای منطقه نظیر اردن، عربستان، کویت و پاکستان و... در منطقه می باشد. سازش ناپذیری امام و انقلاب اسلامی

چند خط مشی در مورد ترور این زیاده

۱- ترور این زیاده، شیوه ای غیر اسلامی است... العظمی منتظری برخوردار حضرت مسلم با این زیاد در کوفه، قیامی جهت تحقق شیوه های اسلامی میدانند ایشان

آیت الله العظمی منتظری معتقدند که چند حضرت مسلم به لحاظ نظامی می توان ترور این زیاده را داشت این کار را نکرد چرا که برای حضرت اصل تحقق شیوه های اسلامی بوده و نه صرفاً "به حاکمیت رسیدن".

معتقدند هر چند حضرت مسلم به لحاظ نظامی می توان ترور این زیاده را داشت، این کار را نکرد چرا که برای حضرت اصل تحقق شیوه های اسلامی بوده و نه صرفاً "به حاکمیت رسیدن".

آیت... منتظری این شیوه را به عنوان رهنمودی جهت مسئولین اطلاعاتی و متصدیان امور زندانها ارائه دادند. بدین ترتیب که در صورت اعتقاد و یقین به نهضت حسینی و شیوه های امام حسین (ع) و یا رانشان برای حفظ نظام و حکومت نباید به هر شیوه ای متوسل شد. برخی حفظ نظام اسلامی را در ترور این زیاده می بینند ولی ایشان حفظ نظام را در رعایت شیوه های اسلامی.

۲- ترور این زیاده حرکتی زودرس برخی معتقدند که دست زدن به ترور این زیاده در آن شرایط زمانی و مکانی حرکتی زودرس و نابخشوده بوده و به این دلیل حضرت مسلم اقدام به چنین عملی نکرد.

امپریالیسم را وادار کرده که نقش میانجیگری را برعهده جریانی بگذارد که وجهه انقلابی و مترقی داشته باشد حتی اگر این جناح مورد اعتماد شوروی باشد. پیروزیهایی که ایران در این جنگ کسب کرده آنقدر منافع امپریالیسم را به خطر انداخته است که مجبور شده از یک جناح مترقی مورد اعتماد شرق و هم جبهه با انقلاب اسلامی برای میانجیگری استفاده کند.

قبلاً در منطقه افراد و شخصیتهای ارتجاعی مانند شاه نقش میانجیگری را ایفا می کردند در جریان اوک شاه رش سفیدی میکرد. هم چنین در حل قضیه فلسطین او بود که اولین بار طرح سرزمین کوچک فلسطینی را مطرح نمود شاه بین پاکستان و افغانستان هم یکبار میانجیگری نمود سادات هم در این اواخر میانجیگری او را پذیرفته بود. در اثر انقلاب اسلامی پتانسیل انقلابی در منطقه بحدی بالا رفته که امریکا مجبور شده از کشورهای مترقی بعنوان میانجی استفاده نکند البته این بحث جداگانه است که چقدر این کشورهای مترقی در این قضیه تعدیل میشوند. این روند، از موارد رشد اسلام و ظهور تدریجی آیات قرآن و امام زمان "عج" است. با این احوال امام در پیام حج گفتند ما زیر بار حکمت تحمیلی نمیرویم. این تحول نیز جوابی است به آنها که میگویند انقلاب تا کتون چه رشدی داشته است.

در مورد ترور این زیاده شیوه حضرت مسلم چند نظر وجود دارد که در شرایط فعلی هر کدام به یک خط مشی تبدیل میشود.

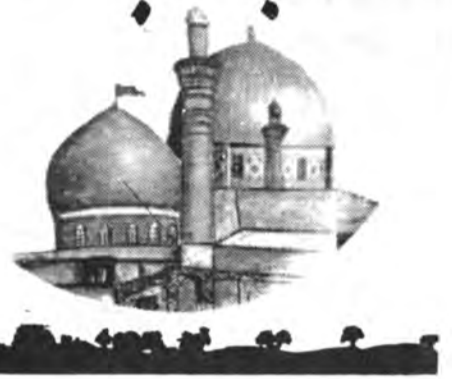
۳- ترور این زیاده دوماً رک تروریسم خطیبی گفته است اگر حضرت مسلم اقدام به ترور این زیاده میکرد مگر تروریسم میخورد، همانگونه که الان به جمهوری اسلامی چنین مارکی زده میشود حضرت بخاطر مصون ماندن از این موضوع بود که این زیاده را نکشت.

راه مجاهد: بنظر میرسد تحلیل اخیر تحلیلی عافیت طلبانه از برخورد حضرت مسلم باشد، چرا که در آن، مبنای حرکت "مارک نخوردن" است و نه عمل به

"تکلیف الهی" قرآن میفرماید: "واقعدولهم کل مرصد... وبنشینید برای ایشان به هر کمینگاهی (سوره توبه، آیه پنج) بنا بر این کمین و غافلگیر نمودن دشمن در یک جنگ اعلام شده، اشکالی ندارد منتضی جنگ حضرت مسلم با این زیاده این مرحله نرسیده بود و تکلیف الهی این شیوه برخورد را ایجاب میکرد. در غیر این صورت با تحلیل فوق، هر مبارزه مسلحانه ای مگر تروریسم خورده و هرگونه اقدام انقلابی و ترور نیروهای دشمن محکوم است. و به این نتیجه منتهی میشود که جمهوری اسلامی نیز در نیاد دست به حرکتهای انقلابی نزنند چرا که از جانب امپریالیسم مارک تروریسم میخورد. آیا ملت فلسطین با اسرائیل یک جنگ اعلام شده ندارد؟ اگر یک جاسوس اسرائیلی ترور شود مارک تروریسم به انقلاب فلسطین میخورد؟



اخبار جنگ اسلام و کفر



جلوگیری از تشدید انگیزه آنها است
نمائیم (۱)

وشکی های عملیات مهران

پس از تصرف شهر مهران توسط عراق، انتظار می رفت که برای بازپس گیری این شهر، عملیاتی توسط رزمندگان اسلام صورت گیرد. ولی آنچه که در این سیر حرکت خالب توجه می نمود، جلوگیری از عملیاتهای شتابزده و عکس العملی بود که معمولاً به شکست منجر می شود. بعد از چند هفته نیروهای اسلام با استفاده از شناساییهای دقیق، اقدام به تاراج کردن مینها و تخریب آذوقه سازی این شهر شد. ویژگیهای بارز عملیات فوق را بدین ترتیب می توان ذکر نمود.

الف - طراحی خوب عملیات

همه آنکی محورهای عملیاتی، شناسایی و تعیین اوضاع دشمن و سرعت عمل نیروها باعث شد که سرعتر از آنچه که پیش بینی میشد، اهداف تعیین شده بدست رزمندگان اسلام بیافتد و این در شرایطی بود که حتی زود تر از اینکه همه نیروها وارد عمل بشوند مواضع دشمن فتح گردید.

ب - حداقل تلفات انسانی مادی عملیات

باتوجه به وسعت و اهمیت عملیات انتظار می رفت که تلفات زیادی داشته باشیم، ولی به برکت شناسایی های دقیق و سرعت عمل نیروها این تلفات به حداقل رسید.

ج - اسیر شدن عناصر رزید بعثی

در طی این عملیات تلاش شد که حتی العقده و ربه جای گشتن نفرات دشمن، آنها به اسارت گرفته شوند. زنده بدست آوردن نفرات دشمن نشان دهنده تسلط رزمندگان مادی بر این عملیات بود. با توجه به اینکه برای اولین بار بود که بسیاری از اسرا کادرهای رزید بعثی بودند.

د - مقاومت نیروهای عراقی

جالب توجه اینکه این موفقیت در شرایطی بدست آمد که نیروهای عراقی پس از متلاشی شدن سازماندهیشان، با انگیزه و مقابل مقاومت می کرده و آسان تسلیم نمیشدند. جادار در حرکتها بیان به این انگیزهها توجه بیشتری کنیم و شیوههایی برای

(۱) - رجوع شود به مقاله "چرا مردم عراق قیام نمی کنند" و "استراتژی امید و استراتژی یأس در انقلاب عراق" راه مجاهد شعارهای ۳۸ و ۳۹

گامی در جهت فتح قلوب مستضعفین عراق

عملیات فتح ۱ ویژگیهایی را در بر داشت که آن را از دیگر عملیاتی رزمی متمایز می کند. جمع بندی این عملیات بدین لحاظ اهمیت دارد که با این نقاط قوت و ویژگیهای بارز آن، اینگونه عملیاتیات اوم پیدا کند. در این نوشتار سعی می کنیم که این ویژگیها را در بخش "استراتژیک و تاکتیک رزمی" بیان کنیم.

الف - ویژگیهای استراتژیک فتح ۱

۱- پیوند بانیهوهای درون عراق

از زمان شروع جنگ تحمیلی دیدگاهی نسبت به حرکت مردم عراق مایوس بود و در روند جنگ، نقشی را برای مردم عراق قائل نبود. در عملیات فتح ۱ می بینیم که رزمندگان کرد عراقی در شناسایی منطقه عملیاتی و انجام حرکت کمک موثری را انجام می دهند و بر این نظریه که مردم عراق اهل قیام و مبارزه نیستند، خط بطلان می کشند. البته ناگفته نماند که عملیات کربلای ۲ و اختیاری عمل نیروهای عراقی در محورهای مستقل، خود شروعی برای این حرکت عمیق و مکتبی بود.

۲- پیوند با مبارزین کرد و برخورد تعالی

بخش بانیهوهای ملی - مذهبی

وجود یکسری بینش های غلط باعث گردید که در رابطه با مسائل داخلی و همچنین در رابطه با مسائل عراق، از برخورد اصولی با جریانهای ملی - مذهبی، جلوگیری شود. هنگامیکه صحبت از نیروهای ملی میشود، جریانی سببها "جبهه ملی زمان فعلی و ملی امنیتی و بختیارو..." را تداعی می کنند و از الگوهای صادق و مبارز ملی مانند جمال

عبد الناصر، سوگارتو، لومومبا، آئنده، مصدق، مهاتما گاندی و... نامی برد نمی شود. این نارسایی تفکری، باعث گردید که مادر طی این جنگ از پیوند بانیهوهای ملی مذهبی عراق غافل شوم. در حالیکه این طیف ها و وزنه سنگینی در مبارزه با حکومت بعث بشمار میروند و ما می توانیم با برخورد صحیح آنها را بسوی یک خط مشی اصولی سوق دهیم و آنها را در مبارزه علیه استکبار فعال کنیم. برخاسته اعتقاد داشته و دارند که در آینده اختلاف شیعه و سنی، کرد و فارس، عرب و عجم مانع از طی شدن سیر اصولی انقلاب عراق خواهد شد، ولی این عملیات ثابت کرد که می توان کلیه نیروهای رزمنده را در یک جبهه واحد بسیج نمود و اگر عملیاتی بدین گونه انجام دهیم، میتوانیم کلیه نیروهای ملی - مذهبی را در جهت اهداف انقلاب فعال کنیم.

۳- همکاری گروههای مبارز

از آنجایی که بسیاری از گروهها در داخل راه خیانت به انقلاب را پیشه خود کرده اند، یک بدبینی عمیق در رابطه با فعالیتات تشکیلاتی بوجود آمده که دستهای مرموز باند گرامین بد بینی را در امن می زنند و شعار باند به جای تشکیلات را سرلوحه خط مشی خود قرار داده اند. یکی از ویژگی های جامعه عراق مقبولیت مبارزه تشکیلاتی در میان مردم می باشد و اگر بخواهیم تحولی در جامعه مستضعف عراق پیدا آوریم، بایستی به این تشکیلات های مبارز توجه کنیم و ممالکهای صحیح آنها را در مبارزه علیه صدام و حیزب بعث هدایت نمائیم.

عملیات فتح ۱ می تواند راهگشایی برای پیوند با گروههای مبارز عراق باشد. در حالیکه سازمان کشورهای غیر متعهد را با آن همه سران ارتجاعی موجود در آن به وحدت علیه توطئه های استکبار فراموش خوانیم، آیا نمی توان به تشکیلات های مبارزی که کم و بیش در راه مبارزه با استکبار مایه گذاشته اند اعتماد نمود؟

۴- جلوگیری از تجزیه عراق

در چشم انداز بعد از پیروزی جنگ خطری که عراق را تهدید می کند، تجزیه خاک بدست قدرتهای بزرگ می باشد. ما اگر بتوانیم در یک سیر رزمی اعتماد گروههای مبارز و مکتبی عراق را جلب کنیم و آنها را حول محور مبارزه علیه توطئه های امپریالیستی متحد کنیم وحدت ملی و تمامیت ارضی عراق را تضمین کرده ایم. عملیات فتح ۱ با توجه به اینکه جناحهای مبارزی از مردم عراق در آن فعال بودند و در صورتیکه تد اوم پیدا کند می تواند با بوجود آوردن جو اعتماد بین انقلاب و نیروهای مبارز عراق، وحدت ملی

و ضد امپریالیستی آنها را تضمین کند.

۵- فعال کردن گرد هاد رزمی رزین

منابع نقتی

تاکنون بدلیل نبودن خط مشی صحیح جنبشهای کردستان کاری به جریان نفت نداشته اند و با وجود ضربات زیادی که می توانسته اند بر دامنه جریان نفت عراق وارد کنند از انجام چنین حرکتی خودداری می کردند. بخصوص که ملامطی بارزانی نیز خط مشی درگیری با کمپانیهای نفتی را دنبال نمی کرد. عملیات فتح ۱ شروعی برای فعال کردن این جریانها در جهت ضرب زدن به شبکه های نفتی امپریالیسم می باشد.

۶- تاثیر تحولات نفتی اخیر بر روند جنگ

تکیه به صادرات نفتی موجب می شود که یک نوع محافظه کاری سیاسی در عمل بوجود بیاید که از قاطعیت انقلابی در تد اوم خط مشی انقلاب اسلامی می کاهد. پائین آمدن قیمت نفت و کاهش صد و رفت باعث گردید که این امر برای بسیاری مشخص شود که می توان بدون نفت بود و روی استکبار جهانی ایستاد و لازم نیست برای حفظ جمهوری اسلامی به قدرتهای مختلف باج بدیم. در عملیات فتح ۱ ما بدون توجه به منافع کشورهای نفتی و بیع تأسیسات نفتی کرکوک را مورد هجوم قرار دادیم که واکنش بسیاری را بد نسیال داشت. ایران در عملیات کرکوک نشان داد که راه خود کفایی خود چندان به جاد و ترانزیت ترکیه محتاج نیست و از عکس العمل ناتوت ترکیه وحشتی ندارد.

ب - ویژگیهای تاکتیکی و رزمی فتح ۱

۱- تحول در شیوه تهاجم

اساساً در سیر جنگی بعد از فتح خرمشهر

در حالیکه ما زمان کشورهای غیر متعهد را با آن همه سران ارتجاعی موجود در آن به وحدت علیه تشکیلاتهای استکباری فراموش خوانیم، آیا نمی توان به تشکیلاتهای مبارزی که کم و بیش در راه مبارزه با استکبار مایه گذاشته اند اعتماد نمود؟

حرکت های تهاجمی مبنای پیش روی و استقرار مواضع فتح شد. شیوه جدیدی که در حرکت فتح ۱ اتخاذ شد، ضرب زدن بدون استقرار بود که از تلفات جنبی آن جلوگیری نمود. اینبار عملیات گسترده بصورت نفوذی و در عمق خاک عراق تحقق پیدا کرد. و این امر ثابت نمود که بانیهوهای موجود قادر به خط و عملیات های مشابه بد روخبر را بصورت نفوذی گسترده اجرا کنیم.

۲- ذاتی بودن نیروهای عمل کننده

باتوجه به اینکه نیروهای کرد آشنایی کامل به منطقه عملیاتی داشته اند و از سوی

جنگ یک تکلیف شرعی است که مردم ادا می کنند امام خمینی



اخبار جنگ اسلام و کفر



رزمندگان اسلام به چگونگی منطقه آشنا شده بودند، می توان گفت نیروهای عمل کننده ذاتی منطقه بودند. این ویژگی کمک بزرگی در جهت سرعت عمل و کیفیت عملیات نمود، چراکه عدم آشنایی به منطقه عملیاتی عمدتاً در سیر جنگ ضربات زیادی به مسازده است.

۳- استتار عملیات

صد مینجاه کیلومتر نفوذ بدون اینکه ارتش عراق فرصت مقابله با حرکت را پیدا کند، دلیل خوبی بر استتار عملیات فتح است. این استتار به برکت شناسایی خوب نیروها از موقعیت راههای مخفی و دارای پوشش کافی، تحقق پیدا کرد.

۴- غافلگیری دشمن

یکی دیگر از ویژگی های عملیات فتح ۱ غافلگیری نیروهای بعثی بود. البته این غافلگیری به برکت نیروهای زنده، سرعت عمل، شناسایی دقیق و استتار خوب رزمندگان تحقق پیدا کرد. از طرفی دشمن نتوانسته بود بواسطه ستون پنجم از عملیات آگاهی پیدا کند. پیشگیری های امنیتی قبل از عملیات و انتخاب دقیق افرادی که در جریان عمل قرار دارند، نتواند نقش مهمی را در این رابطه ایفا نماید. در ضمن لو رفتن عملیات میتواند نشانه دهند این مطلب باشد که در حرکت های نظامی و عملیاتی می توانیم به نیروهای رزمندگان درون عراق اعتماد داشته باشیم.

در پایان باید اشاره کرد که بایستی تکیه گاههای خود را در انقلاب عراق را بیشتر از همیشه پیدا کنیم و با آنها در صحنه عمل روند رو به رشد انقلاب عراق را دنبال نمائیم. بدیهی است که یکی از وجوه پیشبرد جنگ شرکت رزمندگان خودمان در جبهه ها می باشد ولی بایستی از وجه دیگر پیشبرد جنگ که فعالیت و قیام مردم عراق است غافل شویم و الا مجبور خواهیم شد که با عوامل دیگری برای حل مسأله جنگ تکیه کنیم.



دفع صدام فاسد به آمریکایی افند

نیگوبند صدام بهتر از یک کودتای آمریکایی است.

ما این جنگ را نه جنگ بین دو دولت و عراق می دانیم و نه جنگ بین دو ملت ایران و عراق بلکه سعی داریم آنرا به یک جنگ رهائی بخش کامل تبدیل کنیم. یک جنگ رهائی بخش ایجاب می کند که سقوط صدام با قیام مردم در عراق همراه باشد و با استراتژی قسطنطنیه همراه باشد تا این استراتژی صرفاً عمالت شعار پیدا نکند، و تحقق عملی پیدا کند اینرا بدانیم که فتح قلوب مقدمه فتح قدس است. لازم است به پیام امام بعد از فتح المبین توجه شود.

در بنظر می رسد این جریان معتقد است که جنگ دراز مدت ثبات نفت را بخطر می اندازد که در نتیجه به ثبات نظام غرب خواهد خورد. در این حالت بجای اینکه یک برنامه دراز مدت متکی بر بسیج مردم و اقتصاد خود کفا را پی ریزی کند، از موضع اضطرار سعی دارد جنگ را هر چه زودتر به پایان برساند و بجای اینکه جنگ مسئله اصلی باشد مشکل اصلی شده و تاب فشارهای نفت می گردد.

عده ای از مسئولین جمهوری اسلامی معتقدند که جنگ باید هر چه زودتر با سقوط صدام به پایان برسد حتی اگر این پیروزی به روی کار آمدن یک رژیم آمریکایی و یا بی تفاوت منجر شود.

راه مجاهد:

در این رابطه نکات زیر بنظر می رسد:
الف) این جریان هدف از جنگ را صرفاً اتمام جنگ و پیروزی در آن می دانند در حالی که عمق جنگ اسلام و کفر بیداری فطرت انسانها را در بر دارد.

ب) از آنجا که این جنگ بدلیل صدور انقلاب و ارزشهای انسانی و اسلامی به مسأله تبدیل شده با سقوط صدام امریکایی و پیروزی کار آمدن یک رژیم آمریکایی و یا رژیم ظاهراً بی تفاوت مانعی توانیم امیدوار باشیم که در مقابل شتاب انقلاب رژیم آیند عراق سکوت کند و جنگ دیگر کلاً بر ما تحمیل نکند مگر آنکه تعدیلی در اصول و ارزشهای انقلاب شده باشد.

ج) در این مورد مردم عراق چه خواهند گفت آیا در حفظ صدام کوشا نخواهند شد و

نظراتی پیرامون هماهنگی ارتش و سپاه

قویتر است و هم از نظر جرمه های خوب است لذا بهتر است ارتش در سپاه ادغام شود.

۴- ادغام سپاه در ارتش

جندی پیش صدامی آمریکایی تحلیلی به این مضمون می گفت: ارتش بخاطر سابقه و نظم بالایی که دارد می تواند بعنوان یک تشکیلات سراسری در ایران بماند، تشکیلاتی که بسیاری از سران آن از بین رفته اند ولی آموزش آن هنوز دست نخورده است و اختلاف نظرهای آن به شکلی نیست که از هم بپاشد. صدامی آمریکایی را ادامه تحلیل فوق چنین میگوید: بعد از فوت (امام) خمینی قسمت عمده سپاه جذب ارتش گشته و تندروها از آن جدا نمی شوند.

۵- ارتش با تجربه، سپاه تندرو

عده ای معتقدند که ارتش به لحاظ سابقه و سیستم منظم آن و... میتواند بعنوان یک پیرایه تجربه، شیوه های صحیح و ویران پشانه ارائه دهد و سپاه به علت نوبی و کمبود آموزش کلاسیک صرفاً قدرت اجرایی خوبی هستند. لذا هماهنگی این دو در صحنه عمل مفید واقع میشود.

۶- سپاه در جبهه ها، ارتش در مرزهای سیستان و بلوچستان و در مبارزات قاجاقچیان

۷- سپاه در مبارزات آمریکا، ارتش در مبارزات شوروی

عده ای معتقدند که جمهوری اسلامی

تا آنجا که ما شنیده ایم، پیرامون هماهنگی این دو نیروی مسلح هفت دیدگاه وجود دارد که به شرح زیر می آوریم و امیدواریم مورد استفاد مطراخان خط مشی جنگ قرار گیرد.

۱- حمله و دفاع

عده ای معتقدند از سپاه به لحاظ بافت انقلابی و انگیزه های مکتبی بهتر است در حملات استفاده شود و ارتش به لحاظ بافت غیر انقلابی، در موضع دفاع باید اقدام قرار گیرد.

۲- جنگ کلاسیک و جنگ مردمی

عده ای معتقدند چون بافت ارتش کلاسیک با سلاحهای سنگین، به درآمد نفت متکی است، لذا با تشدید جنگ و حملات مستمر عراق به خاک و سیری و قطع درآمد نفت، ارتش توان ادامه جنگ دراز مدت را نخواهد داشت. ولی سپاه به علت استراتژی موج انسانی و سلاحه سبک و کمک های مردمی، توانایی جنگ دراز مدت را دارد.

این عده فرمان امام در مورد تشکیل نیروهای سه گانه سپاه را در همین رابطه تحلیل می کنند. در صورتیکه اگر نیک بنگریم منافع دراز مدت ارتش در پیام امام نهفته است.

۳- ادغام ارتش در سپاه

عده ای معتقدند که چراغ و نیروی مسلح داشته باشیم، سپاه هم به لحاظ آموزش رزمی

عملیات بی امان و محدود

کیهان ۶۵/۶/۲۹

آقای هاشمی رفسنجانی در دیدار با مرییان لشکر ۱۱۰:

همه چیز برای ادامه یک جنگ وسیع و طولانی آماده است.

همین عملیات کوچک در مجموع کاریک عملیات بزرگ را می کند.

اصل تعقیب دشمن و مهلت ندادن به او از اصول نظامی است و ثمرات زیادی دارد.

شما فرصت تجهیز و حتی تحلیل کردن ربه دشمن ندهید.

آموزش را توسعه دهید و آنرا عمق دهید. ما به آینده امید زیادی داریم.

عملیات بی امان خواست بسیجی و شهید است

قسمتی از سخنان یکی از فرماندهان لشکر حضرت محمد رسول الله (ص)

بعد از عملیات بدر و خیبر عده ای معتقد بودند که دیگر ما نمی توانیم جنگ را ادامه بدهیم و با عملیات والفجر ۱ که نقطه عطفی در حرکت بی امان در جنگ بود نشان دادیم که ما توان ادامه جنگ را داریم.

ما در عملیات والفجر ۲ به مدت چهار ماه شناسایی کردیم و جبهه ها از روند رود

۷۵ کیلومتر عبور کردند. و امکانات زیادی را در زیر نخل ها مخفی کردند.

باید در جبهه ها عملیات بی امانی انجام بدهیم و نمی خواهیم به مانند قبل یک عملیات بکنیم بیرون یک عملیات دیگر وجود

بسیجیها در جبهه این اجازه را به ما می دهد اگر حمله را تعطیل کنیم فرصتی است برای دشمن که دوباره بازسازی کند

خود را، باید عملیاتها زیاد تر بین در پی باشد این خواسته همه بسیجیها و شهیدا

است.

موافق نیستیم در جنگی که بماتحلیل شده و حالت خارجی وجود داشته باشد

مهندس موسوی



اخبار جنگ اسلام و کفر



بقیه جنگ ارتش و سپاه

برای پیروزی بردشمنان خود، آمریکا و شوروی، هم به ارتش و هم به سپاه احتیاج دارد. ارتش بلحاظ بافت ضد روسی در مبارزه با شوروی و سپاه بلحاظ بافت ضد آمریکایی در مبارزه با آمریکا.

راه مجاهد:

هر کدام از جریانات فوق جوهره‌ای برای ارتش و سپاه قابل هستند که بر حسب آن رابطه یا هماهنگی بین آن دو را مطرح می‌کنند. بنظر من رسد که ویژگی سپاه و ارتش استقلال طلبی، عدالتخواهی و ضد ظلمی آنها باشد و بر این مبنای خط مشی آزاد می‌گذرد. باید رابطه بین این دو نیرو را هماهنگ و تنظیم نمود و در این سیر می‌بایست این دو نیرو با یکدیگر با صبر و انقلابی، برخورد تنگاتنگ و دراز مدت داشته باشند.

امام برای تحقق این امر سعی کردند با فعال کردن جنگ، اسلام و کفر میدانی فراهم کنند تا هر کدام متناسب با جوهریت خود روآمده و مواضع مکتبی و طبیعی خود را پیدا کنند و در تحقق این موضوع با هم مشاهده شده در عملیاتهای مختلف واحد های سپاه و ارتش تحت فرماندهی یکدیگر عمل کرده‌اند.

ویژگی های جنگ از دیدگاه

سرهنگ صیاد شیرازی

کوشه‌هایی از سخنان جناب سرهنگ صیاد شیرازی نماینده امام در شوروی عالی دفاع قبل از خطبه های نماز جمعه مورخ ۶۵/۷/۴:

پیروزی در ذهن ما چه مفهومی دارد؟

" پیروزی در ذهن ما استقامت در راه حق است، پایداری در خط ولایت است و مقاومت در مقابل شداغه بنا بر این هر لحظه و هر روز ما پیروزی است، اگر این کیفیت را حفظ کنیم "

پیروزی و نصرت مادست خداست

" پیروزی نهایی چه موقع است؟ آیا کسی مخالف است یا این مطلب که بگوییم پیروزی و نصرت مادست خداست و زمانش هم دست خداست. پس نیایم این را در بین خودمان شایع کنیم و اینجور تعبیر و تفسیر کنیم که حتما تا پایان سال ۶۵ همه چیز تمام میشود... آن رزمنده که در میدان جنگ می‌جنگد... آن کسی که سلاح در دستش است و مصمم به جنگ است، حتی بعضی مواقع شده از ما می‌پرسد که اگر

امشب حمله است نمی‌شود فردا شب هم باشد یعنی پیروزی را نزدیک می‌بیند ولی می‌خواهد قوی بجنگد، می‌خواهد مهیا بجنگد، می‌خواهد آماده باشد.

لزومی ندارد که تا قلب بغداد لشکر کشی کنیم

شکل پیروزی ما در این جنگی که به نمر خواهد رسید و به نفع اسلام خواهد بود یا چهره نظامی منجلی نخواهد شد. لزومی ندارد که ما تا قلب بغداد لشکر کشی کنیم

زیبا ترین چهره پیروزی، شکوفایی انقلاب اسلامی در عراق

آن عظمت و شکوه مندی خود را که در انقلاب اسلامی پیروزی ما بر طاغوت نشان داد، انشاء الله با آزاد شدن ملت عراق، با شکوفایی انقلاب اسلامی در مملکت عراق می‌بینیم و زیبا ترین چهره پیروزی است و نماز شکر گذاری را کاروانهای کربلا در کربلا حسین خواهند خواند.

خط مشی رفع فتنه در جهان

" یادمان نرود که این پیروزی - نهایی ما نیست. امروز فرهنگ انقلاب



اسلامی بر ما حاکم شده و معرفت ما زیاد شده. ما جنگمان را برای ریشه کن کردن فتنه‌ها آغاز کردیم، رسمیت بخشیدیم و جنگ بین حق و باطل هنوز وجود دارد... خط مشی ما را در این نبرد آیه "وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ" تعیین میکند. (تکبیر مردم)

عوامل تسریع پیروزی

- ۱- چه عواملی باعث میشود پیروزی ما زودتر انجام شود؟
- ۲- برای خدا همچنان کار کنیم. یادمان نرود که خداوند میفرماید "الذین جاهدو فینا لنهدينهم سلبا".
- ۳- اتحاد و وحدت ما را با همان معنایی که شده حفظ کنیم.
- ۴- تمرکز و امکانات رزمی خودمان را به پیروی از آیه شریفه واعدو لهم... چه از نظر نیروی انسانی و چه از نظر سازه و برگ و امکانات که در جبهه لازم است. بکار ببریم؛ به این فکر نکنیم که گفته می‌خواهیم طلع کنیم و مواد پیشنهادی را هم داده، او دارد حیل می‌کند ما میدانیم موضعش ضعیف است ولی ما ضعیف نمی‌شویم. بنا بر این بایستی جبهه تقویت شود."

اصلاح خط مشی جنگ یا مهم کردن رزمندگان به غرور

عدای معتقدند که جنگ سه وجه دارد "وجه سیاسی، نظامی و تقدیری". این سه وجه تقدیری را نسبت به وجه سیاسی و نظامی اولویت دادند و آنرا صرفاً "ذکر خدا" و "دعا"، انگیزه‌خداشنی داشتن و "عدم غرور و تکبر" در عملیات می‌دانند.

راه مجاهد:

اگر وجه تقدیری را صرفاً دعا یا غرور و تکبر بدانیم باعث می‌شود در هر جبهه‌ای عامل آنرا عدم خلوص و انگیزه رزمندگان که نیروی عمل کننده در جبهه هستند بدانیم که در این صورت علل اصلی غریبه که ممکن است ناشی از مسائل مختلفی اعم از طراحی نارسای عملیات، برنامه ریزی خارج از توان جبهه رزمندگان و مثلاً تک گسترده مجسای تک محدود باشد در نظر گرفته نشده و سه جمع بندی واقعی از عملیات نرسیم در این برداشت این سه وجه در جنگ بطور مستقل و مجزا از یکدیگر مورد بررسی قرار گرفته است مجرد دیدن وجه تقدیری

از دو وجه دیگر باعث می‌شود پیروزی‌های جنگ را منتسب به امداد های غیبی نموده و شکست های عملیات را ناشی از غرور و تکبر و عدم خلوص در نیت رزمندگان بدانیم. این بینش ما را نسبت به جمع بندی پیروزیها و شکست های عملیات ساده اندیش کرده و باعث می‌شود که نتوانیم به جمع بندی صحیح از روند جنگ برسیم.

ذکر خدا صرفاً در لفظ نیست بلکه باید ریز ریز شیوه ها و عملکردها تأثیر داشته باشد پس بدینصورت که طراحی صحیح عملیات، شیوه های عملیات، در نظر گرفتن توان و نیاز رزمندگان در جبهه ها، رعایت شیوه های اسلامی در طی عملیات، رعایت بقای رزمندگان و نیتان بدام شیوه سیاسی دشمن و... خود ذکر خدا و رعایت تقوا و خلوص نیت است بعنوان مثال برای دفع تجاوز ما سه مرحله نظامی را طی کردیم اول جنگ و گریز، بعد درگیری محسوب و سپس تک گسترده و هنگامی که وارد خاک عراق شدیم می‌بایست این سه مرحله بار دیگر از سر گرفته شود و ورود ما به خاک عراق با آرایش تک گسترده اشتباه و خسارت از قانونمندی جنگ بود.

آیا می‌توانیم جمع بندی غلط را به غرور و تک یا یک رزمندگان نسبت داد؟ در این حالت بایستی در روش نگارشان به پدید هسا و جنگ تجدید نظر کنیم.

برای توضیح بیشتر و جوع شود به کتاب سه تکبیر تا قدر و سر مقاله سه خط مشی در جنگ (راه شماره ۱۶)

اخبار درون عراق

خطاب آیت... منتظری به رزمندگان تهنیت بد رمشخص می‌کند که ایشان به کسانی مسئله کاد سازی را یاد آوری میکنند که خود در صحنه رزم فعال هستند. ایشان مطرح کردند که نیاز انقلاب عراق صرفاً کار نظامی نمی باشد.

نیروها باید به لحاظ سیاسی واید تولوزیک کارکنند که بتوانند تضاد های درونی عراق را درک کرده تا در هر شرایطی قادر رشوند راه حل اصولی ارائه دهند. چرا که الان به خوبی مشاهده میکنیم که بعد از سقوط شاه چه مسائلی بر سر راه انقلاب پیش آمده خط فونیکس که عبارت است از رهبر کشی، سعی دارد که با کشتن کاد رها، انقلاب را فلج نماید. لذا بایستی به آنچنان کاد سازی پرداخت که این توطئه دشمن نیز نتواند کارگر شود.

ب- رهایی بخش کردن جنگ

آیت... منتظری معتقدند جنگ باید به یک جنگ رهایی بخش تبدیل گردد، جنگی بین ملت عراق و رژیم بعثی آن، نه جنگی بین دولت ایران و عراق یا دولت و بنسای بر این جنگ زمانی شکل جوهری تهیه شود خواهد گرفت که ملت عراق علیه رژیم بعثی قیام نمایند.

اعتقاد آیت... منتظری به مطلب فوق راستوان در رهنمود های شان دید. هر بار که

آیت منتظری و انقلاب عراق

آیت... منتظری در ملاقاتی که با تهنیت بد رزمندگان عراقی بعد از کربلا داشتند، مطالبی گفتند که بلحاظ اهمیت موضوع برآیند که تحت سه عنوان:

- الف: کاد سازی در حین انقلاب
- ب: رهایی بخش کردن جنگ
- ج: حفظ اتحاد و مبارزه با خط و خط گشی

الف - کاد سازی در حین انقلاب

ایشان در سخنان گذشته شان خطاب به مبارزین عراقی گفتند که از محافظه کاری به منظور خیره کردن کاد رهای سیاسی پرهیز کنید. شاید این سؤال پیش آید که، تناسب آن صحبت ها با رهنمود های اخیر که بر کاد سازی قبل انقلاب تأکید کرده اند چیست؟ چگونه می‌توان هم در جبهه ها جنگید و هم به امر کاد سازی مبادرت ورزید؟ و آیا اصولاً کاد سازی به معنای ذخیره کردن افراد در پشت جبهه و خارج از صحنه عمل می‌باشد؟

جنگ امروز برای همه ما اهمیتش بیشتر از فروع دین است امام خمینی

اخبار جنگ اسلام و کفر



در بدای با مجاهدین مسلمان عراقی باشد، ایشان چند مورد از شیوه‌های رشد مردم و قیام علیه رژیم بعثی صدام را بیان میکند. بطور مثال این بار، تبدیل مراسم هفت و چهلم شهید به تظاهرات علیه صدام و بعث را ذکر کردند.

انشا ۱۰۰۱ - با عمل به رهنمودهای دلسوزانه آیت ۱۰۰۱ منتظری، به تدوین نطفه‌های قیام خفیه در درون عراق شکل خواهد گرفت.

ج - حفظ اتحاد و مبارزه با خطر و خطر کشی از نقاط روشن و مشخص رهنمودهای امید امت و امام، سعه صدر در برخورد با جریان‌ها و گروه‌های مختلف می باشد. چنانکه ایشان همیشه مسئولین جمهوری اسلامی نیز متذکر شده‌اند که از نظرات نیروهای مختلف در مسائل ملکنی، استفاده نکند.

ایشان عظمت انقلاب اسلامی که، چتر هدایتی برای همه دارد، را «اصیقا» درک می کنند و از طرفی توطئه‌های پیچیده دشمن را، لذا سعی دارند برای ادامه راه انقلاب همه نیروها را به میدان بکشند.

این دید وسیع و سعه صدر ایشان نسبت به مسائل عراق نیز کاملاً مشاهده می شود. ایشان معتقدند تنگ نظری در مبارزه را باید کنار گذاشت و هر گروهی که در مبارزه علیه صدام فعال است بکار گرفته شود.

تقاطع امید و عملیات کره‌لای ۲

۱- توان رزمندگی و کسب پیروزی

برادران مجاهد عراقی در عملیات کره‌لای ۲ به این باور رسیدند که می‌توانند بخوبی عملیات انجام بدهند و پیروز هم بشوند و روحیه بالاتری نسبت به گذشته پیدا کردند. نیروهای ایرانی در طی عملیات والفجر ۲ و تصرف حاج عمران در همین محور عمل کردند و با دادن تعداد زیادی شهید و مجروح نتوانستند این ۲ تپه را دست خود نگه‌دارند. ولی برادران عراقی با دادن حدود ۲۰ شهید نتوانستند این ۲ تپه را به تصرف درآورند. این شهید اکثرًا از کادر - های فعال انقلاب عراق بودند.

۲- تحول در اسرای عراقی

تعدادی از برادران اسیر عراقی در عملیات کره‌لای ۲ حضور داشته‌اند و به نحو بسیار خوبی نیز جنگیده‌اند که چند تن آنان بدست ارتش عراق مجدداً اسیر گشته‌اند.

۳- رشد یابندگی ارتشیان عراق

یکی از برادران عراقی در طی عملیات، برادرتی خود را در زمین اسیرانی دیده

است که بدست نیروهای خودی به پشت خط منتقل می شده‌اند. وی دست برادر خود را گرفته و او را به جنگ علیه نیروهای بعثی تشویق کرده‌است. سپس هر دو با هم علیه ارتش بعثی وارد عملیات شده‌اند.

۴- تحول خانواده‌های رزمندگان عراقی

یکی از نقاط امید در عملیات کره‌لای ۲ این بود که خانواده‌های عراقی نشان دادند دست کمی از مردم ایران و خانواده‌های شهیدای ایرانی ندارند. ارتد و از ایثارگری بالایی برخوردارند. این مسئله خود کم بینی بسیاری از نیروهای عراقی را نسبت به مردم ایران برطرف کرد. بعنوان مثال مادر یکی از شهیدای عراقی برای اطلاع از شهادت پسرش با مجروح شدن فرزند خود کسب اطلاع میکرد. مسئولی که میخواست خبر شهادت را به این مادر بدهد، ابتدا سعی میکرد که شرایطی را برای وی آماده کند و در این رابطه بهیچ‌ارزش بودن زندگی دنیا و ارزش شهادت اشاره میکرد. مادر شهید هم در جواب گفته بود که این حرف‌ها را برای خود نگفد. فقط جواب مریده که اگر فرزند مجروح شده، به دیدارش بروم و اگر شهید شده که الحمدلله

۵- تبدیل یاس به امید

برادری میگفت: این عملیات یاس از پیروزی در عراق را در دل بسیاری از مردم عراق تبدیل به امید کرد که می‌توان در عراق پیروزی رسید. وی میگفت خود من قصد داشتم در ایران بمانم ولی بعد از این عملیات حتماً به عراق بازخواهم گشت.

راه مجاهد:

عملیات کره‌لای ۲ بخوبی نشان داد که برای به پیروزی رسیدن در عراق و دست‌یابی به انقلابی مردمی و اسلامی در آن کشور، می‌بایست انقلاب اسلامی به عنوان یک شرط عمل کرده و نیروهای عراقی، میناسبت خود را در عمل حفظ کنند. در این عملیات هم، رزمندگان ما تنها شرایط مناسب را در رجهه - های جنگ برای برادران عراقی فراهم کردند تا خود آنان مبنای حرکت شده‌های آزادی عراق دست به عمل بزنند. میناسبت برادران مجاهد عراقی در این عملیات قدمی است در جهت رهایی بخش شدن جنگ و از طرف دیگر نیز به حکومت بعثی صدام را در دل آنان شکست. امید و ابرام اینگونه عملیاتها بخصوص در درون عراق گسترش یابد.

نظراتی پیرامون عملیات کره‌لای ۲

۱- یکی از برادران عراقی میگفت که عملیات کره‌لای ۲ در توان مجاهدین عراقی نبود. چرا که مجبور شدند تمامی نیروهای کیفی خود را در آن بکارگیرند. در حالیکه نیروهای ایرانی هم می‌توانستند به تنهایی عمل کنند. آنچنانکه قبلاً انجام داده بودند. لذا بهتر بود نیروی رزمندگان عراقی در گروه‌های کوچک برای عملیات ایذایی و نفوذی در داخل خاک عراق فعال میشد. که این ویژگی ممتاز را اکثر برادران ایرانی نداشته‌اند.

۲- همان برادر را اضافه میکرد: متأسفانه جمعیتی غلطی در بین بعضی از برادران ایرانی وجود دارد که میگویند در رجهه‌ها

مجاهدین عراقی را فعال کنیم، که اگر قرار است کشته‌ای باشد، هر دو طرف عراقی باشند و ایرانی‌ها کمتر شهید بدهند.

۳- وی افزود راد یواسرائیل بعد از عملیات کره‌لای ۲، طی تحلیلی میگفت: تأثیرات کره‌لای ۲ تا سال‌ها در خاور میانه باقی خواهد ماند.

جمع‌بندی صدام از رفتن شاه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در طی نشستی، جمع‌بندی خود را در مورد شاه بصورت زیر بیان داشت:

- ۱- شاه با رهبران انقلاب برخورد قاطعی نکرد و با او کوتاه آمد. تبعید او اشتباه بود و باید او را از زمین می برد.
- ۲- با مردم در ولا و ولا رفتار نکرد، در صورتیکه می‌بایست با آنها قاطع تر برخورد نموده و آنها را رومی کرد.
- ۳- خروج شاه اشتباه بود، می‌بایست از شهری به شهر دیگر مقاومت می کرد.

پلیس سیاسی در عراق و ساده اندیشی مبارزین

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، مردم برای جلوگیری از انقلاب مشابهی در عراق، در مرحله اول در فضای بازنشاسی از انقلاب ایران به شناسایی نیروهای مخالف پرداخت. در مرحله دوم در سالگرد تأسیس حزب بعث به پاکسازی وسیع این نیروها دست زد. گفته میشد که در یک روز حدود ۱۵ هزار نفر را دستگیر کرد. بطوریکه تقریباً تمام کادرهای شهید صدر دستگیر شدند. این حرکت آنقدر سریع بود که تا ۳ روز ایشان از آن مطلع نشدند. کادرهای نزدیک آیت ۱۰۰۱ صدر بهیچ‌پیشهاد مخفی شدن نکردند ولی صدام، این شخصیت بزرگ را دستگیر و شکنجه و شهید کرد.

راه مجاهد:

برای ریشه‌یابی این ضربه رجوع شود به قسمت دوم مقاله استراتژی یاس و استراتژی امید در این شماره.



حرف‌آفرینی در عراق

دکتر شیمن پز تخریب روحیه ارتشیان

شیمن پز بعد از دیدار با مبارک و مغربه امریکا در محله مطبوعات راجع به مبارک گفت مبارک با ما ستود رجو این خبرنگاران که سؤال کردند چرا ما را اعتراض نمی‌کنند جواب داد، مبارک به ما گفته است در ما مورث خود در جنگ ایران عراق شکست می‌خورد. و در همانجا راجع به ملک حسین گفت او هر آن حاضر به ملاقات با رهبران اسرائیل است و لسی به خاطر جنگ ایران و عراق اینکار را نمی‌کند او پیش از هر روزه می‌گوشی به عراق سفر کرد و پیش از همه از بنیاد گرای وحشت دارد.

راه مجاهد:

صحبت‌های سران مرتجع عرب نشانگر انگیزه ضد اسرائیلی در مردم عراق است که اگر ما هیتاسرا نیلی سران این کشورها را برایشان روشن شود آنگاه هم خط بیبودن صدام و اسرائیل نیز برایشان مشخص خواهد شد و خواهند فهمید که هیتاسرا نیلیان صدام تنها کشورهای ویت ۱ اسرائیل هستند و ادعای

۴- شاه می‌بایست به هنگام خروج از ایران تأسیسات اقتصادی و صنعتی را از زمین می برد تا بعد از راه دست انقلابیون نیافتد و مشکلات آنها زیاد شود.

راه مجاهد:

تحلیل فوق وحدت صدام باشاه و دلسوزی وی را برای او نشان می دهد.

تحلیل فوق نشان می دهد که صدام از سرانقلاب اسلامی و شیوه‌های شاه در برابر آن جمع‌بندی کرده و بر مبنای آن به سرکشی انقلاب در عراق پرداخته است. در این رابطه انقلابیون عراق به چند نکته باید توجه کنند:

- ۱- در سر بر حرکت خود از انقلاب اسلامی جمع‌بندی کرده و بدون قیاس شکلی، عمل متناسب خود در عراق را در نظر بگیرند.
- ۲- در نظر داشته باشند که باطل به تبعیت از حق حرکت می کند و صدام نیز از انقلاب اسلامی جمع‌بندی زده‌ها توجیه به سر برد آن دست به عمل می زند. عدم توجه به این نکته ضربه سنگینی بر رهبرانقلاب عراق وارد آورده‌است. آنچنانکه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شاهد سرکشی مبارزین در عراق بودیم.

اخبار جنگ اسلام و کفر



مبارزه با اسرائیل فریبش نیست و این در حالی است که ایران درگیر جنگ با عراق، از نبرد با اسرائیل عقب نماند و در حملات جنوب لبنان علیه اسرائیل شرکت نموده است.

چنانچه رادیو اسرائیل از قول نشریه اکونومیست، بر تاریخ ۶۵/۷/۱۲ گفت: سران حکومت اسلام تصور می کنند که اگر در آنسوی عراق نیز جای پای برای خود بسازد کنند چنان هیجانی در منطقه ایجاد خواهد.

پیروزی واقعی، قیام مردم عراق است

برادر صیاد شیرازی در نماز جمعه ۶۵/۷/۴ سخنانی بدین مضمون بیان کردند: مسئله عراق مسئله نظامی نیست آنچه باعث خوشحالی ما میشود قیام خود مردم عراق است.

راه سعادت: توجه مسئولین جنگ به رشد و قیام مردم عراق بطور حتم تاثیر بسزایی در شیوه های عملیات بگونه ای که زمینه ای برای قیام مردم عراق باشد خواهد گذاشت.

انشاء الله در آینده نزدیک شاهد گسترش چنین نظراتی در میان و عملکرد دیگر مسئولین جمهوری اسلامی و تبلیغات رسانه های گروهی باشیم.



آزاد سازی فاو و مهران... قطع رفتن صدام و حزب بعث... انقطاع

در ایام محرم یکی از برادران روحانی در تبیین رابطه پیروزیهای مقطعی و رازمندی در جنگ سخنانی بدین مضمون گفتند: اینکه مطرح شده امسال سال پیروزیست اینگونه است اما جنگ تمام نمیشود پیروزی تنها نابودی صدام و حزب بعث نیست همین عملیات کربلای اضره به اسکله گداز نیز پیروزیست.

مثل زبح گوسفند، در زبح گوسفند یک قطعه ارم یک انقطاع، قطع معنی بریدن چهار رگ اصلی گوسفند که باعث حلال شدن گوشت آن میشود. اما انقطاع معنی جدا شدن بطور کلی از بدن



شعار انقلاب - شعار رجوی

حد اکثر برخورد آرا و عقاید در آن باشد.

صلح و سازش در جنگ، سرکوب و اختناق است

احزاب و جریانات ضد جنگ عمدتاً یا سرکوبگر و شکنجه گرند یا در برابر سرکوب و شکنجه سکوت میکنند.

جریان رجوی در حال حاضر با ایجاد پایگاه منصوری در عراق به شیوه های غیر اصولی و اعمال شکنجه دست زده و قدرت تحمل کوچکترین مخالفتی را ندارند، در ایران نیز سه تن از اسد اراک کشته را با شکنجه به شهادت رساندند.

اینها چون هدف اصلیشان رسیدن به حاکمیت و کسب قدرت است لذا تحمل جریانات مخالف خود را نداشته و به اختناق متوسل میشوند.

اکنون رجوی با شعار صلحش به صدام جنگ افروز و شکنجه گریناهنده شده است. در واقع در جواب شعار فوق باید گفت "صلح و اختناق - جنگ و آزادی" ادامه جنگ به منظور رهایی قدس عین آزادی است و صلح و سازش در جنگ چیزی جز سرکوب و اختناق نیست.

سادات و مبارک در مصر با اسرائیل صلح و سازش کردند و میبینیم که هم اکنون اصلی ترین کار مبارک سرکوب نیروهاست.

خط تشکیلات رجوی نیز این است که با این شعار ما را به سازش کشانند و نیروهای انقلابی و خانواده های شهدا را به مقابله با نظام جمهوری اسلامی واداشته و جنگ داخلی راه بیندازند.

البته عده ای هستند که از یکطرف خواهان ادامه جنگ هستند ولی از طرف دیگر به آزادیها معتقد نیستند. هدف اینها ادامه جنگ، آزادی قدس نیست بلکه هدف اصلی آنها تنها حفظ قدرت، صرفاً سقوط صدام، پیروزی نظامی و باز شدن شیرهای نفت است در حالیکه شعار رجوی صلح و آزادی - جنگ و اختناق است شعار انقلاب رهایی قدس - ادامه جنگ و آزادی است.

دشمنان انقلاب اسلامی، بخصوص تشکیلات رجوی با شعار "صلح و آزادی - جنگ و اختناق" جنگ را عامل وحریه ای جهت سرکوب و اختناق از طرف نظام جمهوری اسلامی میدانند. لذا تمام دشمنان خارجی انقلاب و عاقبت طلبان داخلی سعی دارند از طریق سازش و صلحی تحمیلی این جنگ را به پایان برسانند.

قدس باوران آزاد خواهند شد

ما علت جنگ تحمیلی را خط مشی آزادی قدس و کلاً صدور انقلاب میدانیم اگر رهایی قدس در سر لوجه انقلاب اسلامی نبود به هیچ وجه این جنگ ۶ ساله به ما تحمیل نمیشد. از طرفی میبینیم کسانی که قدس باور بوده و واقعاً به خط مشی رهایی قدس از یوغ صهیونیسم و امپریالیسم معتقدند در داخل هم به آزادیهای مصرح در قانون اساسی احترام میگذارند و به دلیل عظمت خط مشی آزادی قدس و سختی راه، سعی دارند تمامی نیروهای ممکن را بسیج نمایند که سعه صدور قدرت تحمیل دیگران، لازمه تحقق این هدف است.

بعنوان مثال: رهبر انقلاب و آیت الله منتظری ضمن اعتقاد عمیق به آزادی قدس و مطرح نمودن این شعار در سطح مردم، به آزادیهای قانونی نیز معتقدند و برای مردم حق تشخیص و صلاحیت قائلند. آیت الله منتظری معتقدند مردم رشد فکری و سیاسی کرده و دیگر عوام نیستند، به همت و بیگیری ایشان بود که بحث گذاران دیشده در روزنامه کیهان باز شد. ایشان از یکطرف معتقد به فرد در مورد مسائل زندانها و مخالفت با شکنجه به منظور اعتراف بوده اند و در جهت بهبود زندانها تلاش زیادی نمودند.

شهید شاهرزایی نماینده امام در مؤسسه کیهان عمیقاً قدس باور بوده و معتقد به ادامه جنگ دفاعی بود و از طرف دیگر شبانه روز در جهت جامعه تلاش میکرد که

عرفا و عرفان در صحنه جنگ

قسمتی از سخنان آیت الله حاج آقا رضا بهاء الدین از عرای ایران در مجله حوزه شماره ۱۲ "استقلال و آزادی کشور در زمینه نظامی، فرهنگی و وجه در زمینه اقتصادی وابسته به پیروزی در این جنگ است."

سه طرح برای حکومت آینده عراق

چندی پیش رادیوهای بیگانه از قول نشریه جون آفریک گفتند ایران سوریه و آمریکا و اسرائیل برای حکومت آینده عراق طرحی ریختند. طرح اول صدامه عنوان نجات ملت عراق استعفا بدهد و مرتضی را هم (مردم حزب بعث) رقی کار بسازد و اصلاحاتی در دولت انجام دهد و به راستی تمویض بعضی از وزرا از ایران تقاضای صلح کند.

طرح دوم کودتای نظامی علیه صدام انجام گیرد و سپهر دولت انقلابی تشکیل از گروههای سیاسی قدرتمند در عراق تشکیل شود.

طرح سوم: رشتا، ایران، عراق پیروز شود و حکومتی توسط حجاج اسلام حکم و هاشمی تشکیل شود.

جنگ ایران و عراق و تفاهم شرق و غرب

رادیو آمریکا در تاریخ ۶۵/۶/۲۸ از قسول توماسرک تانکر و هشرک نظامی آمریکا گفت در باره اینکه میگویند ایران از اسرائیل اسلحه میگیرد باید گفت اگر ایران پیروز شود نه نفع آمریکا و نه نفع اسرائیل و نه نفع کشورهای عرب منطقه است.

در همین بار مشورتی گفتند در ملاقاتی که با شوارت ناتز در واشینگتن مسئله پایان جنگ و عدم فروش اسلحه بطور جدی مطرح شد.

رادیو اسرائیل در تاریخ ۶۵/۷/۵ از قسول شوارت ناتز گفت حتی کشورهای که به ایران و عراق اسلحه می فروشند خواهان اتمام جنگند. این سخنان نشان میدهد:

- اولاً: انقلاب اسلامی در منطقه رشد کرده و اساساً امپریالیزم بخاطر افتاده است بطوریکه حتی فروشندگان اسلحه حاضرین از منافعی اقتصادی خود چشمپوشی کنند.
- ثانیاً: رادیوهای کسانی است که میگویند امپریالیزم خواهان ادامه جنگ برای فروش اسلحه است و ادامه جنگ به هر صورت به نفع امپریالیسم باشد.
- مطلعی اظهار نظر میکرد که: حمله ما به مراکز مثل نیروگاههای تولید برق که استفاده عوامی دارد درست نیست زیرا: - یا مردم عراق به جمهوری اسلامی بدین میشوند که باعث قوی شدن دشمن میشود.
- یا بعزت کم شدن رفاه ناراضی آنها علیه رژیم بعث بالا میرود که این ناراضی هم بدلیل ماهیت رفاهی آن امر مطلوبی برای ما نیست.



اخبار جنگ اسلام و کفر



سقوط بعث عراق و حکمیت تحمیلی

کیهان

نقل از رادیو بی بی سی
حافظ اسد در مصاحبه‌ای با خبرنگار اردنی گفته است: تلاشهای دیپلماتیک سوریه مانع از گسترش دامنه جنگ ایران و عراق شده است. تلاشهای میانجیگران سوری از جمله عبدالحلیم خدام معلون رئیس جمهور سوریه و فاروق الشرع وزیر خارجه آن کشور باعث شده است که حمله بزرگی که در هفته‌های گذشته انتظار میرفت از طرف ایران صورت گیرد، متوقف شده است.
حافظ اسد همچنین گفته، "سوریه هیچگونه کمکی به ایران نمیکند... تاهرگونگی موفقیت آینده ایران در میدان جنگ به حساب همکاری این کشور با سوریه گذاشته نشود. سریعترین راه برای پایان دادن جنگ ایران و عراق وحدت بین سوریه و عراق است."
راه مجاهد:

این مواضع سوریه حاکی از این است که: اولاً: هرچه ایران اسلامی بر مواضع اصولی خود در جنگ پافشاری کرده و جبهه هارا فعال می‌کند، باعث رشد و تقویت بنیادگرایی در منطقه و برهم زدن ثبات ارتجاع منطقه و کشورهای میانه رو میگردد. نتیجتاً حتی در استان و حامیان انقلاب اسلامی را که عمیقاً اعتقادی به رشد نهضت‌های منطقه ندارند، در حمایت از ایران دچار تزلزل می‌کند.

ثانیاً: برای کشوری چون سوریه ناسیونالیسم عرب اهمیت زیادی دارد.
ثالثاً: ادامه جنگ موضع حزب اللسه را در جنوب لبنان در درگیری با اسرائیل تقویت کرده و از جانب سوریه هم فراگیری آن در لبنان و عکس العمل اسرائیل علیه سوریه و سازمان امل می‌رود.

رابعاً: در طرح پیشنهادی سوریه یعنی "اتحاد سوریه با عراق بعنوان تنه‌ساراه پایان جنگ"، اصل بر این است که از طریق راه حل‌های سیاسی و دیپلماتیک بنحوی صدام کنار گذاشته شود که نظام حزب بعث دست نخورده باقی بماند. حال آنکه انقلاب اسلامی معتقد به سقوط حزب بعث عراق است نه فقط شخص صدام و این امر تنها از طریق رشد انقلاب عراق و وصل رزمندگان در جبهه هامیسر است. انقلاب اسلامی خواهان سقوط حزب بعث تجاوزز-گر عراق است، کما اینکه پس از پایان جنگ دوم جهانی شکست هیتلر، سقوط حزب نازی یک خواست منطقی بود. آیا منطقی است که یک حزبی ملت عراق را فریب دهد و به یک انقلابی تجاوز کند، صدها هزار

شهید باقی گذاشته و میلیونها نفر زخمی و آواره و میلیاردها دلار تأسیسات خراب شده بجای بگذارد و بعد هم صدام رئیس آن حزب باقی بماند ولی فقط رئیس جمهور نباشد؟ آیا این امضای تجاوز نیست؟

ایران نباید در این جنگ پیروز شود؟

کیهان نیمه اول مهر

ژنرال اسنون شاهاک رئیس اطلاعات نظامی اسرائیل: "بهترین راه حل برای اسرائیل این است که جنگ ایران و عراق بدون فاتح پایان یابد... پیروزی ایران تهدیدی برای کلیه کشورهای عربی منطقه است."
راه مجاهد:

اصولاً خط مشی اسرائیل این است که اعراب را علیه ایران متحد نماید و همچنین جنگ ایران و عراق را به کلیه اعراب تعمیم دهد. خط کسینجردامن زدن اختلافات شیعه و سنی است. هرگونه تلاشی در این جهت چه در داخل ایران و چه در خارج اسرائیل آمریکا می‌باشد. بنظر می‌آید عمده کردن دشمنی با عربستان هم در این خط باشد، هرچند تا خود آگاه باشد.
کیهان ۶۵/۷/۸

عبدالله بشاره دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس با شبکه تلویزیونی ان بی سی آمریکا مصاحبه می‌کرد. وی احتمال سقوط رژیمهای اردن و لبنان در صورت شکست عراق را پیشانی و اغتشاش توصیف نمود و نسبت به تعمیم آن بنیام منطقه ابراز نگرانی کرد. وی گفت: "ما به اینجا (نیویورک) آمده ایم تا به جهان بگوئیم ایران نباید در این جنگ پیروز شود... ایران توازن سوق الجیشی در منطقه را بهم زده است."

استمرار جنگ و عقب نشینی غرب

نشریه امریکا بی کرستین سا بنزما نمتورنر نیمه اول مهر ما خبری بدین مضمون داشت قیمت نفت را رزمندگان ایرانی تعیین میکنند اگر ایرانها بتوانند با یک عملیات بزرگ بصره را تصرف کنند، قیمت نفت به بالاتر از ۳۰ دلار خواهد رسید.

با بدکوره‌های صنعتی هرچه ایران پیشروی کرد فشار بیشتری از طریق کاهش روابط اقتصادی وارد آوردند و در صورت کاهش عملیات، روابط اقتصادی بیشتری را برقرار کنند.

راه مجاهد:

اخیراً تحلیل را دیوما و مطالبوعات غربی روی تا کنون عملیات دور مسزند در حالیکه قبلاً تحلیلها حول آتش بس و اتمام جنگ قرار داشت. این تحول نشان نهدند باس غرب از تعدیل مواضع مسئولین ما در استراتژی جنگ می‌باشد. غرب میخواهد با تحلیلها مختلف ما را وادار به انجام عملیات گسترده و خارج از توانمان نماید تا در صورت ضربه خوردن ورشد مسائل در مسئولین روی تعدیل مواضع ما در رابطه با استراتژی جنگ، بهرنامه ریزی کنند و سپس از موضع ضعف ما را بیای میز مذاکره بکشاند.



صدور انقلاب اسلامی و صدور ارتجاع اسرائیلی

به زبان فارسی روی آن "قدس از راه کربلا" نوشته شده است.

راه مجاهد: اکنون که مقاومت جنوب لبنان آرامش رژیم صهیونیستی را برهم زده و غالب تحلیلگران سیاسی دنیا پیوند انقلاب اسلامی ایران و فلسطین و لبنان را بساور کرده‌اند رژیم صهیونیستی در مقابل صدور انقلاب ایران و نقش سیج کننده شعار آزادی قدس به عکس العمل افتاده و با دستپاچگی سعی دارد هم پیمانان خود را در اتحادیه بین المللی ضد تئوریسم علیه انقلاب اسلامی ایران و مستضعفین منطقه بسیج نماید و آنقدر از این پیوند احزاب و سازمانها که حاضر است همه امکانات خود را بکار ببندد تا به هر قیمتی شده جلوی این سیر انقلابی و بنیان برافکن را سد نماید.

رادیو اسرائیل ۳۰ شهریور
ضرورت دارد يك اتحاد بين المللی ضد تئوریسم بوجود آید.

رادیو اسرائیل در ادامه گفت خودش مایل است کلیه اطلاعات و تجربیات گرانبهای خود را در اختیار جهان بگذارد همچنین بودجه و امور مالی و مسائل سیاسی و دیپلماتیک آن را هم عهده دار گردد.

رادیو اسرائیل اضافه کرد لبنان تنها کشوری است که ایران توانسته انقلاب خود را به آنجا صادر کند و افزود جمهوری اسلامی از گروههای شیعه جنوب لبنان حمایت میکند چون در جنوب لبنان سربازان از همان نوع دستمالهایی به سر بسته بودند که پاسداران در جنگ ایران علیه عراق به سر می‌بندند و



خوش هوایی دارد...

اسب رهوار مرا زین کن
مقدم جبهه است
اینک آنجا تک سواران
اسب هاشان کف به لب آورده می‌رانند
تا مسیر شهرهای نور
کودکی آنجا به پیکر بسته نارنجک
پیرمردی پشت سر با کوله باری
نوشه اش ایمان
و جوانی کرده بر قامت ردای عشق
جمله می‌نازند تا شهر شهادت سخت

اسب رهوار مرا زین کن
باید از «من» سوی «ما» کوچید
شهر، دم کرده است
و در اینجا من دلم تنگ است
و در اینجا من غریبم، سخت
یار من آنجا کنار سنگرش استاده چو نان سرو
جای من آنجاست، در کنار توپ و نارنجک

و کنار ساکت شبها، که ناگه
جمله یاران با غریوتندر آسایشان-
به سوی خصم می‌شوند

خوش هوایی دارد اینک جبهه های ما
جای من خالیست
اسب رهوار مرا زین کن



این پیام خون هریار شهید با صلح به کربلا نخواهیم رسید

نهضت ملی و سبح مخالفین علیه استعمار انگلیس

دکتر عسکری الدین امرعلانی، برای یکی از برادران خاطره‌ای را از زمان تصدی وزارت اقتصاد در کاخ پنهان صدق نقل کرده است که در زیر می‌آوریم:

«احمد صدق در کاخ پنهان علاء کفیل وزارت راه شده بود و وقتی صدق نخست وزیر شد در این سمت باقی بود. وقتی که قرار بود در رابطه با مسئله نفت به اهواز سفر کنم احمد به من تلفن کرد و گفت: بابا با گفته شما باید با ترن سلطنتی بروید، گفتیم اولاً سفر با ترن سلطنتی، درگیری با شاه است.»

ثانیاً - ما حامی مردم هستیم و این تشریفات را دوست نداریم بنا بر این من جنسین نخواهم کرد. حاضرم به حساب وزارت اقتصاد، یک بلیط درجه سوم بگیرم.

قضیه ارجاع شد به خود دکتر صدق، که ایشان به من گفتند فکر کردید به خاطر شما گفتیم ترن سلطنتی برایتان بما ورنه؟ من خواستم اولین نماینده دولت ملی که به اهواز می‌رود، خارجم انگلیس باشد، شما هم اینرا به شاه بگویید.»

راه مجاهد:

دکتر صدق بقدری به عظمت کاری در مبارزه با امپراطوری انگلیس، یقین داشت که از کلبه نبروهای داخلی در این راه استفاده مکرر مقصود از فرستادن نماینده‌اش با ترن سلطنتی، این بود که اولاً شاه را در مبارزه با انگلیس جذب کند زیرا ترن سلطنتی در حکم نماینده شاه بود و کسی غیر از خانواده سلطنتی اجازه استفاده از آنرا نداشت. ثانیاً - نماینده دولت را ترن سلطنتی با تمام اجزای تقویت کفایت

در ساختن کردن سلطنت نمیزد ما مام خمینی از کلبه نبروهای داخلی استفاده مکرر کرد. هر شرایط فعلی انقلاب نمیزد عظمت جنگ با کمپ دیوید بقدری است که امام گفتند: هر مخالفین جنگ هم واجب است به جبهه بروند. البته در همین شرایط گمانی هستند که خود را خط امامی میدانند و به دلایل واهی، حتی به موافقین جنگ هم اجازه شرکت در جبهه را نمیدهند. امدواریم قبل از اینکه در مورد این تذکره نظریه‌ها از

بهن برود.

بهن برود.

اخبار داخلی



که به کمکهای خارجی متکی بود به بسیج مردم تکیه کردند که موجب قطع کمکهای خارجی هم شد و در شرایط فعلی روی "قیام ضعیف در مردم عراق" تاکید کرده‌اند.

ج - این جریان معتقد است در وارد آوردن فشار سیاسی به محور صدامی امریکایی منطقه چون مسئولین به حرفمان توجهی نمیکنند خودمان با باز کردن یک جبهه مردمی چنین کاری میکنیم.

ایجاد جبهه مردمی جهت بسیج و تحول مسئولین

راه مجاهد: در مورد "ج" باید گفت اگر عمل صالح باشد بسیج مردم را بالا برده و به آن عمق می‌بخشد و در شرایط فعلی این بسیج از حرکت جبهه‌ها جدا نیست و ایجاد جبهه مردمی طوری که جنگ از اطلیت بیفتد امری است در برابر بسیج واقعی مردم

مشکل ایران، مشکل عدم بسیج نیست بلکه تعمیق بسیجی است که برای آزادی قدس و سقوط صدام بوجود آمده است.

راه مجاهد: در مورد الف "باید گفت: خط مشی آزادی قدس امری است بدیهی و روشن و سخیت شیوه‌های فاشیستی صدام با صهیونیسم (تجاوزگری، استفاده از بمب شیمیایی و...) موجب ملموس تر شدن شعار سقوط صدام گشته است.

راه مجاهد: در مورد الف "باید گفت: خط مشی آزادی قدس امری است بدیهی و روشن و سخیت شیوه‌های فاشیستی صدام با صهیونیسم (تجاوزگری، استفاده از بمب شیمیایی و...) موجب ملموس تر شدن شعار سقوط صدام گشته است.

راه مجاهد: در مورد الف "باید گفت: خط مشی آزادی قدس امری است بدیهی و روشن و سخیت شیوه‌های فاشیستی صدام با صهیونیسم (تجاوزگری، استفاده از بمب شیمیایی و...) موجب ملموس تر شدن شعار سقوط صدام گشته است.

راه مجاهد: در مورد الف "باید گفت: خط مشی آزادی قدس امری است بدیهی و روشن و سخیت شیوه‌های فاشیستی صدام با صهیونیسم (تجاوزگری، استفاده از بمب شیمیایی و...) موجب ملموس تر شدن شعار سقوط صدام گشته است.

راه مجاهد: در مورد الف "باید گفت: خط مشی آزادی قدس امری است بدیهی و روشن و سخیت شیوه‌های فاشیستی صدام با صهیونیسم (تجاوزگری، استفاده از بمب شیمیایی و...) موجب ملموس تر شدن شعار سقوط صدام گشته است.

راه مجاهد: در مورد الف "باید گفت: خط مشی آزادی قدس امری است بدیهی و روشن و سخیت شیوه‌های فاشیستی صدام با صهیونیسم (تجاوزگری، استفاده از بمب شیمیایی و...) موجب ملموس تر شدن شعار سقوط صدام گشته است.

راه مجاهد: در مورد الف "باید گفت: خط مشی آزادی قدس امری است بدیهی و روشن و سخیت شیوه‌های فاشیستی صدام با صهیونیسم (تجاوزگری، استفاده از بمب شیمیایی و...) موجب ملموس تر شدن شعار سقوط صدام گشته است.

راه مجاهد: در مورد الف "باید گفت: خط مشی آزادی قدس امری است بدیهی و روشن و سخیت شیوه‌های فاشیستی صدام با صهیونیسم (تجاوزگری، استفاده از بمب شیمیایی و...) موجب ملموس تر شدن شعار سقوط صدام گشته است.

راه مجاهد: در مورد الف "باید گفت: خط مشی آزادی قدس امری است بدیهی و روشن و سخیت شیوه‌های فاشیستی صدام با صهیونیسم (تجاوزگری، استفاده از بمب شیمیایی و...) موجب ملموس تر شدن شعار سقوط صدام گشته است.

راه مجاهد: در مورد الف "باید گفت: خط مشی آزادی قدس امری است بدیهی و روشن و سخیت شیوه‌های فاشیستی صدام با صهیونیسم (تجاوزگری، استفاده از بمب شیمیایی و...) موجب ملموس تر شدن شعار سقوط صدام گشته است.

راه مجاهد: در مورد الف "باید گفت: خط مشی آزادی قدس امری است بدیهی و روشن و سخیت شیوه‌های فاشیستی صدام با صهیونیسم (تجاوزگری، استفاده از بمب شیمیایی و...) موجب ملموس تر شدن شعار سقوط صدام گشته است.

راه مجاهد: در مورد الف "باید گفت: خط مشی آزادی قدس امری است بدیهی و روشن و سخیت شیوه‌های فاشیستی صدام با صهیونیسم (تجاوزگری، استفاده از بمب شیمیایی و...) موجب ملموس تر شدن شعار سقوط صدام گشته است.

راه مجاهد: در مورد الف "باید گفت: خط مشی آزادی قدس امری است بدیهی و روشن و سخیت شیوه‌های فاشیستی صدام با صهیونیسم (تجاوزگری، استفاده از بمب شیمیایی و...) موجب ملموس تر شدن شعار سقوط صدام گشته است.

راه مجاهد: در مورد الف "باید گفت: خط مشی آزادی قدس امری است بدیهی و روشن و سخیت شیوه‌های فاشیستی صدام با صهیونیسم (تجاوزگری، استفاده از بمب شیمیایی و...) موجب ملموس تر شدن شعار سقوط صدام گشته است.

راه مجاهد: در مورد الف "باید گفت: خط مشی آزادی قدس امری است بدیهی و روشن و سخیت شیوه‌های فاشیستی صدام با صهیونیسم (تجاوزگری، استفاده از بمب شیمیایی و...) موجب ملموس تر شدن شعار سقوط صدام گشته است.

راه مجاهد: در مورد الف "باید گفت: خط مشی آزادی قدس امری است بدیهی و روشن و سخیت شیوه‌های فاشیستی صدام با صهیونیسم (تجاوزگری، استفاده از بمب شیمیایی و...) موجب ملموس تر شدن شعار سقوط صدام گشته است.

راه مجاهد: در مورد الف "باید گفت: خط مشی آزادی قدس امری است بدیهی و روشن و سخیت شیوه‌های فاشیستی صدام با صهیونیسم (تجاوزگری، استفاده از بمب شیمیایی و...) موجب ملموس تر شدن شعار سقوط صدام گشته است.

مسائل انقلاب و هفت نقطه نظر استراتژیک

در طیف خط امام جریانی است با اعتقادات زیر:

اولویت سقوط صدام به آزادی قدس

الف - این جریان معتقد است شعار سقوط صدام از آزادی قدس ملموس تر و فراگیرتر است و هدف سقوط هر چه سریعتر صدام میباشد. بصره راهم به عنوان هدف مطرح میکنیم تا کویت را از عراق جدا کنیم. در شرایط فعلی شعار آزادی قدس کارماز و عملی نیست و سقوط صدام اصل است.

راه مجاهد: در مورد الف "باید گفت: خط مشی آزادی قدس امری است بدیهی و روشن و سخیت شیوه‌های فاشیستی صدام با صهیونیسم (تجاوزگری، استفاده از بمب شیمیایی و...) موجب ملموس تر شدن شعار سقوط صدام گشته است.

خطرات رجوع منطقه ملموس تراز صدام است

ب - این جریان از سخنان امام چنین برداشت میکنند که در حالیکه جنگ مسئله اصلی است ولی باید اید ارجاع منطقه به رهبری عربستان و کویت نیز برخوردار کرده و به محورهای امریکایی صدامی فشار سیاسی وارد نمائیم چراکه عامل ثبات صدام کمکهای ارجاع منطقه است. این جریان معتقد است امریکادارای دویابگانه است: ارجاع منطقه و کشورهای اروپایی که از این دوا رتجاع ملموس ترین خطرات

راه مجاهد: در مورد "ب" باید گفت این جریان ثبات صدام را وابسته به کمکهای خارجی میدانند حال آنکه ثبات صدام را باید در داخل عراق جستجو کرد که روی سه محور میباشد: اول چپ‌نمایی صدام، دوم اسلام‌نمایی او و سکوت بعضی از مراجع سوم توهم نسبت به برخی از شیوه‌های غیر اسلامی در جمهوری اسلامی نظیر مقابله به مثل مکانیکی و مسائل زندانها و برخورد با گروهها و احزاب میباشد.

راه مجاهد: در مورد "ب" باید گفت این جریان ثبات صدام را وابسته به کمکهای خارجی میدانند حال آنکه ثبات صدام را باید در داخل عراق جستجو کرد که روی سه محور میباشد: اول چپ‌نمایی صدام، دوم اسلام‌نمایی او و سکوت بعضی از مراجع سوم توهم نسبت به برخی از شیوه‌های غیر اسلامی در جمهوری اسلامی نظیر مقابله به مثل مکانیکی و مسائل زندانها و برخورد با گروهها و احزاب میباشد.

راه مجاهد: در مورد "ب" باید گفت این جریان ثبات صدام را وابسته به کمکهای خارجی میدانند حال آنکه ثبات صدام را باید در داخل عراق جستجو کرد که روی سه محور میباشد: اول چپ‌نمایی صدام، دوم اسلام‌نمایی او و سکوت بعضی از مراجع سوم توهم نسبت به برخی از شیوه‌های غیر اسلامی در جمهوری اسلامی نظیر مقابله به مثل مکانیکی و مسائل زندانها و برخورد با گروهها و احزاب میباشد.

راه مجاهد: در مورد "ب" باید گفت این جریان ثبات صدام را وابسته به کمکهای خارجی میدانند حال آنکه ثبات صدام را باید در داخل عراق جستجو کرد که روی سه محور میباشد: اول چپ‌نمایی صدام، دوم اسلام‌نمایی او و سکوت بعضی از مراجع سوم توهم نسبت به برخی از شیوه‌های غیر اسلامی در جمهوری اسلامی نظیر مقابله به مثل مکانیکی و مسائل زندانها و برخورد با گروهها و احزاب میباشد.

راه مجاهد: در مورد "ب" باید گفت این جریان ثبات صدام را وابسته به کمکهای خارجی میدانند حال آنکه ثبات صدام را باید در داخل عراق جستجو کرد که روی سه محور میباشد: اول چپ‌نمایی صدام، دوم اسلام‌نمایی او و سکوت بعضی از مراجع سوم توهم نسبت به برخی از شیوه‌های غیر اسلامی در جمهوری اسلامی نظیر مقابله به مثل مکانیکی و مسائل زندانها و برخورد با گروهها و احزاب میباشد.

است ثانیاً " بنظر میرسد منظور امام از مقابله به مثل، تشدید عملیات جبهه‌هاست چراکه مقابله به مثل با دشمن یعنی باید انجام شونده افراد عادی و غیر نظامی.

کادرسازی بعد از سقوط صدام

و - این جریان معتقد است در مورد کادرسازی دودیدگاه وجود دارد: اینکه مرحله ای پیش روییم وطنی مبارزه با صدام کادرسازی کنیم، دوم آنکه پس از سقوط صدام به کادرسازی بپردازیم که بنظر این جریان روش دوم صحیح است.

راه مجاهد: در مورد "و" باید گفت آیتا... منتظری در دیدار با مجاهدین عراقی به این مضمون گفتند که در طی سقوط صدام اقدام به کادرسازی کنید تا بعد از سقوط صدام با کمبود کادر مواجه نشوید. و کادرسازی در طی جنگ را مطرح کرده اند.

قطع نفت، تاکتیک بالابردن قیمت

ز - این جریان معتقد است قطع نفت شعاع خوبی است که میتواند قیمت را بالا ببرد.

راه مجاهد: در مورد "ز" باید گفت در اساس قطع نفت برای آزادی قدس و سقوط صهیونیسم است که از نتایج آن خودکفایی و بالابردن قیمت هم میباشد. قطع نفت به منظور بالابردن قیمت آن صرفاً "نفت رایگ کالای اقتصادی بشمار می‌آورد و در سیاست

هه امام صادق رهگشای تحول بنیادی در نظام

۶۵/۷/۸

حجت الاسلام رضوی:

... البته باید توجه داشت که روبرو ما نه تحولی و بنیادی از حیث قدرت و اختیارات دولت خارج است زیرا همه هسته‌های نظام باید در این امر شریک باشند، مخصوصاً این مجلس محترم است که باید کمربند برای چنین مهمی ببندد بنا بر این دولت در نوبت خودش بزرگترین کار و بهترین برنامها را در این برنامه جدید شروع کرده است و اگر سخنی گفته میشود در ارتباط با دیگران است نه دولت.

کار اساسی وقتی شروع خواهد شد که دست هزار روجها رسد له شاهان با سنت فقه حضرت امام صادق (ع) از هم شناخته شود و پس از آن روشن خواهد شد که مشکل این کشور را رشد سوداگری و سپردن امور بدست سوداگران حل نخواهد شد بلکه با مهارتها و ساختن سدها و الویت ادب و کثرت و رزی مشکل قابل حل است.

زبان اختلاف زبان شیطان است «امام خمینی»

اقدامات انجام شده در زمینه خود کفایی گوشت

پرورش ماهی

پانصد هزار بچه ماهی در دریاچه پشت سد مینابرها شده و ۱/۶ میلیون بچه ماهی کپور ۵۰۰ میلیون بچه ماهی سفید و ۵/۲ میلیون بچه ماهی خاویار در دریاچه هامون در سیستان و بلوچستان و رودخانه سفید رودها شده است. ۴۰٪ افزایش نسبت به سال قبل.

۶۵/۶/۱

بمنظور تأمین ذخائر و توسعه آبزیان منابع آبی کشور از آغاز سال جاری تاکنون بالغ بر ۵۸ میلیون انواع بچه ماهی در منابع داخلی و دریاچه خزر رهانده است و این رقم تا پایان اسال به بیش از ۶۵ میلیون بچه ماهی افزایش مییابد.

۶۵/۶/۲

صبح دیروز ۱۰۰ هزار قطعه بچه ماهی از انواع کپور جهت بازاری در دریاچه پشت سد ارس به آذربایجان شرقی حمل شد. تا پایان سال جاری بیش از ۵۰۰ هزار می شود.

۶۵/۶/۱۷

بمنظور تأمین بخشی از پروتئین مورد نیاز، برای نخستین بار در استان سمنان پروروز صید ماهی درسد خاکشی شهرزاد سمنان آغاز شد. در اولین تور (۳ هزار قطعه انواع ماهی آمور کپور و صید شد و وزن ۳۰۰-۸۰۰ گرم) بلافاصله کارها ساز بیش از ۲۳ هزار بچه ماهی آغاز شد. ارتفاع این سد ۱۵ متر و گنجایش آن ۴۰۰ هزار متر مکعب (۲۷ میلیون ریال خرج شده است). با برنامه های در دست اقدام با افزایش ارتفاع ترقیه سد تا ۵۰ هزار عدد ماهی معادل ۵۰ تن افزایش خواهد یافت. با احداث این سد علاوه بر زیرکشت قرار گرفتن زمینهای لم بزرگ منطقه، از هر زرفتن آب قنات و چشمه سارهای منطقه جلوگیری بعمل آمده است.

۶۵/۶/۱۸

پرورش دام

بزرگترین واحد تولیدی خورا اندام کشور در تربت حیدریه راه اندازی شد. علاوه بر صرفه جویی از خروج ارز، سالانه ۳۰۰ میلیون ریال عاید کشاورزان خراسان میشود و ۲۵٪ نیاز علفی دام استان خراسان را تأمین مینماید. این واحد با تسهیلات وامی ۴۵۰ میلیون ریال از بانک ملت ایجاد شده است.

۶۵/۶/۳

از اوایل سال جاری تاکنون ۱۵ پروک گاوداری با ظرفیت ۵۰۰ رأس گاو شیری برای متقاضیان در استان باختران صادر کرده است.

۶۵/۶/۲

در کارخانجات شیرو کشور خط تولید پنیر ایجاد میشود و ورود شیر خشک به کشور جهت تولید پنیر جایگزین واردات پنیر میشود.

۶۵/۵/۸

در مورد کشت و پرورش شرکتهای تعاونی تولید کنندگان در بخشهای کشاورزی دامداری دامپروری و مرغاری در استان فارس ۳ شرکت تشکیل گردیده است.

۶۵/۶/۲۷

پیشروی خود کفایی

اقدامات انجام شده در عرض یک ماه

رشد و توسعه کشت و زری

برداشت گندم در استان خوزستان ۱۴۰ هزار تن گندم بوده است که نسبت به برداشت سال گذشته ۲۵۰۰۰ تن افزایش داشته است. سطح زیر کشت از ۹۸۵ هزار هکتار به ۲۶۰۱۲ هکتار رسیده است.

۶۵/۶/۱

۲۱۰۰۰ تن گندم بذری از کشاورزان استان باختران خریداری شده است. گندم بذری کشتزارهای دیم و کاربرد شیوههای پنجگانه در شخم برای حفظ رطوبت خاک و موجب افزایش تولید در سطح کشتزارها به ۱/۵ تا ۲ برابر شده است.

۶۵/۶/۱

تاکنون بالغ بر ۲۱۰۰۰ تن گندم و ۳ تن نخود از کشاورزان استان باختران خریداری شده است.

۶۵/۶/۲

در ماه گذشته با اجرای ۱۷ پروژه آبرسانی ۱۴/۳۵ هکتار از کشتزارهای باختران زیر کشت برده شد.

۶۵/۶/۳

از آغاز سال جاری تاکنون بیش از ۱۷۰۰۰۰ تن گندم مازاد بر مصرف خریداری شده که در طول تاریخ کشور بی سابقه است.

۶۵/۶/۱۷

۴ هزار هکتار از اراضی خوزستان زیر کشت ذرت گرفته و میزان محصول کشت در سال زراعی جاری به ۳ هزار تن میرسد. بیش از ۳۰۰ تن محصول مازاد بر مصرف استان همدان به عربستان، امارات متحده، هندوستان و آلمان صادر شده است.

۶۵/۶/۴

با اجرای طرح افزایش تولید ذرت در استان خراسان بالاترین تناژ علفی ۷۰ تن در هکتار و بالاترین تناژ دانه ای ذرت به ۱۰ تن در هکتار بالغ شده. میزان کشت ذرت طی سال گذشته در استان ۱۶۵۰ هکتار اعلام شده است.

۶۵/۶/۲۷

در اجرای طرح تکثیر بذر مرغوب سیب زمینی استان ندرت مروضی اسان ۳۵ هکتار از اراضی مزده نمونه طوری را زیر کشت این محصول برده است. با تولید یک هزار تن بذر این محصول از خروج دو میلیون مارک جلوگیری بعمل خواهد آمد. بخش کشاورزی استان اقدام به تولید انواع بذرسالم و عاری از ویروس سیب زمینی از نوع زودرس و بدروس کرده است.

کارخانه نقد ۵۰۰ هزار تنی شرکت کشت و صنعت مغان ۴ روز زود تر از سال قبل آماده بهره برداری شد. حدود ۲۶۰۰ هکتار از اراضی این شرکت به کشت محصول چندر اختتام یافته که حدود ۸۵۰۰۰ تن چندر برداشت و محصول کارخانه داد. این کارخانه ظرفیت ۱۰۰۰ هکتار سطح کشت چندر را دارد.

۶۵/۶/۱۷

کشت آفتا بگرد ان در سال جاری در اراضی دشت دانه اسان کالپوش شاهرود به ۸۰۴۳ هکتار رسیده که در مقایسه با سال قبل ۳۷٪ افزایش داشته است.

۶۵/۶/۳

از سال آینده به بیش از ۲ میلیون نهال جای جهان جایگزین بونه های مسن باغات تجای شمال کشور که عمر اقتصادیشان بسر رسیده میشود سهم کردن جایگزین در سود کارخانجات تجای در دست اجراست.

۶۵/۶/۱

حل مشکل آب

با احداث ۲۰۰ هزار کیلومتر کانال انتقال آب طی پنج سال آینده، طبق ملی پوشش از چهار به منظور جلوگیری از تلفات آب زراعی در نهار سنتی و جویهای مزارع در سراسر کشور به اجرا در خواهد آمد. (پوشش دادن توسط بتون و سیمان) با نفت کشاورزی از منابع قرض الحسنه در مجموع ۶ میلیارد ریال وام در اختیار کشاورزان قرار خواهد داد. با اجرای کامل طرح ۲۴ میلیارد متر مکعب معادل حجم شانزده سد مخزنی آب صرفه جویی خواهد شد.

۶۵/۶/۱

پرورش ابریشم

میزان فعالیت صنایع ابریشم گیلان از آغاز سال جاری تاکنون بیش از ۱۷۰۰۰ کیلوگرم نخ ابریشم تکلا و ۱۱۰۰۰ کیلوگرم نخ ابریشم تابیده است.

شیفت دوم با ۸۰ نفر فعالیت خود را آغاز کرده که میزان تولید این واحد صنعتی تا پایان اسال تا ۶۵۰۰۰ کیلوگرم میرسد.

در حال حاضر ۸۱۰۰ پیله مورد نیاز از منطقه تأمین میشود. اسال بیش از ۸۹۰۰۰ کیلوگرم از فرآورده های تولیدی به کشورهای عربی حوزه خلیج صادر خواهد شد. از سوی وزارت صنایع ۸۹۶۰۰۰ دلار اعتبار تعیین شده که انفاذ آن از ماه آینده خرید ماشین آلات این خط جدید آغاز میشود. باراه اختتام کامل آن سالیان ۶۰۰۰۰۰ متر پارچه ابریشمی در صنایع ابریشم گیلان تولید خواهد شد.

۶۵/۶/۲۰

زمینه کار

به علت تشابه اخصار اکواوژیکس تولیدات مرتعی خراسان متنوع است و در این راستا صدها گیاه طبسی در صورت بهره برداری نهائی قابل صدور به کشورهای خارج است. برخی از این محصولات شامل باویجه، کتیرا، آنفوزه و غیره به علت پوشش گیاهی در مراتع ایجاد اشتغال برای کویسر نشینان و دسترویشگاههای طبیبی آن ارزشی به مراتب بالاتر از زعفران دارد.

۶۵/۶/۱۷

اخبار فوق از روزنامه رسالت استخراج شده است.



اخبار منطقه

نظرات یک پژوهشگر آمریکانیت به حمله بزرگ نقش سوریه در صلح خاور میانه و تعادل خلیج

نقل از صدای آمریکا ۱۵/۷/۲۸
توماس مک نائثر، پژوهشگر نظامی آمریکا و نویسنده کتاب «جنگ افسران و نفت» استراتژی آمریکا در خلیج فارس» تحلیلی در مورد جنگ ایران و عراق در آیدو آمریکا مطرح نموده است که محورهای مهم آن را در زیر می آوریم:

اسکان حمله بزرگ

وی مطرح کرده است که این بار حمله بزرگ از طرف ایران جدی است و چند دلیل برای آن ذکر کرده است

- ۱- پیروزیهای فاد و مهران با سرعت و برحمتی زیاد.
- ۲- ستی نیروهای عراق در دفاع.
- ۳- کاهش درآمد نفتی هردو کشور از طریق سیاستهای عربستان.
- ۴- اضطراب روهانیت که منجر به افزایش توانایی در صحنه نبرد میشود.

عراق با همه مستثنیهای که نشان میدهد هنوز هم میتواند در برابر حملههایی که ایران میکند ایستادگی کند. از سوی دیگر اگر ایران با همه تدارکاتی که دیده برآستی بتواند راهش را بگشاید و به اراضی شمال بصره دست یابد حتی بصره را نیز تصرف کند نخواهد توانست از آن نیز فزونی بر گرفته و با حتی به تصرف اراضی ادا میدهد زیرا تشکیلات لجبستیکی و پشتیبانی آن همواره ضعیفترین بخش نیروهای ایران بوده است و هنوز هم ما به چندانی ندارد که بتواند هرگونه پیشروی بیشتر را تضمین کند و چون ظاهراً خمینی جز به سقوط صدام نمیاندیشد بن بست جنگ همچنان ادا خواهد داشت. بیشتر روحانیت حاکم در تهران به رغم شعارهایی که بیشتر از ناامیدی ما به دارد تا شورجنگ و پیروزی بیشتر اوقات افراد مصلحت گرایبی هستند و میفهمند که هزینههای هنگفت جنگ بر سر اقتصاد مملکت چه آورده است و بسیاری از آنان در این فکرند که آیا میتوان هنوز هم به جنگ ادامه داد و در عین حال از تزلزل بیشتر و سقوط اقتصاد ایران حتی تا پانزدهم آینده جلوگیری کرد؟

راه مجاهد:
تحلیلگران غرب ایران را تشویق به حمله بزرگ میکنند و از آن طرف نیز غرب را اهدواری میکنند که این حمله بدلیل اینکه

از موضع اضطراب مسئولین سرچشمه میگردند نهایت با یکست مواجه خواهد شد و اگر ایران شکست بخورد بدلیل فشارهای اقتصادی زیادهای که روی ایران است و هزینه هنگفتی که این عملیات دارد و تلفات انسانی زیادهای ایران را قادر نخواهد ساخت تا مدتهای زیادهای دست به حمله جدید بزند پس از شکست احتمالی ایران است که میتوان روی مذاکره و صلح حساب کرد و هر دو طرفین در جنگ پیروز نخواهد شد و این خواستهها بر قدرتهاست.

اثرات پیروزی ایران در منطقه و خلیج

توماس مک نائثر اضافه می کند:
۱- اگر این پیروزی بدلیل حرکت ایران بسوی غرب و گرفتن تکه ای از خاک عراق باشد بر میزان تهدید نظامی بر علیه کشورهای خلیج فارس افزوده میشود اما ایران آنچنان کاره آبی ترا نمورد نمیتواند داشته باشد چرا که نیروهای ایران هنوز دستشان به جنگ با عراق بسته است.
۲- خطر واقعی ما اثرات سیاسی چنین رویدادی است. حزب ۰۰۰ لبنان به تحکیم موقعیت خود در جنوب کشور خواهد پرداخت. بعضی از کشورهای خلیج فارس به تغییر موضع خود در قبال ایران اقدام خواهند نمود.

نقش سوریه در جنگ

الف - مانع گیری در جنگ: نقش سوریه اهمیت بسیار خواهد داشت سوریه مهمترین کشور عربی است که با ایران رابطه دارد و در صورت پیروزی ایران این رابطه برای عربستان نیز اهمیت پیدا میکند. اگر سوریه در جنگ مانع نگری کند چه بسا بود همه باشد اما منافع سوریه بیشتر در محدوده جهان عرب مطرح است.

ب - انزوای مصر و دست گرفتن رهبری اعراب بطرح سوریه انزوی مصر و بدست گرفتن کنترل صلح است. اگر سوریه بتواند تعادل در خلیج فارس بوجود آورد و منافع کشورهای خلیج فارس تا من شود گمان نمیکنم به سیاست آمریکا لطمه بزند.

راه مجاهد:
بر طبق رهنمودهای امام ما اگر عملیات بیایمان و محدودیاد ما به بد هیچگاه جبههها به بن بست نرسیده و در هر حالتی به ضرر ابر قدرتها و وابستگان تمام میشود. چرا که آنها تحمل رشد و گسترش جنگ سرد می یا چریکی و جبهه های چریک پرور را ندارند. آنها بن بست جبههها را هم تحمل نخواهند کرد و از نفس مقاومت در برابر آنها جانشان ناراحت هستند.

نقش آمریکا و شوروی در پایداری عراق

توماس مک نائثر اضافه می کند: آمریکا و شوروی منافع مشترک در جنگ دارند و ما یلند عراق را پایداری کننده سراما به عظیمی در عراق گذاشته و با وجود تلافی نسبی

برای بهبود روابط با ایران از عراق دست برنمی دارد. نفوذ آمریکا زمان دست و پا چوری به سوریه امدت ندارد.

وضع آینده جنگ

الف - بن بست جنگ: اگر بتوان تضمین کرد که بن بست جنگ همچنان ادا ما به بسد این وضع به نفع همه کشورهای منطقه است و تنها قربانیان آن ایران و عراق هستند.

ب - ادا معجزه یا ما انا ما به نفع هیچکس نیست چون معلوم نیست کی از کنترل خارج میشود. ایران از چین و شوروی (از طریق سوریه و کره شمالی و ۰۰۰) اسلحه میگیرد. آمریکا همه درها را بسته است. بعضی موارد موفق نبوده است. تا میسر جنگ افزای ایران از طریق اسرائیل اهمیت ندارد چرا که اگر ایران پیروز شود نه بسود آمریکا و اسرائیل و نه ارتجاع عرب است هرگونه تغییر احتمالی در انتهای شمالی خلیج فارس در دراز مدت برای منافع جهان غرب بطور کلی خطرناک خواهد بود. اگر اکنون در شرایط کنونی ما ایران در شرایط سلطنتی قرار دارد پس از پایان جنگ و با زساز

اسرائیل اعراب را بر علیه انقلاب اسلامی بسیج میکند

راد پسا اسرائیل در ۲۰/۷/۶۵ گفت:

این جنگ چنان چند دستگی بین اعراب بوجود آورد که نظیر آن تاکنون دیده نشده است. سپس کشورهای رابسته دستموافق ایران و موافق عراق و کشورهای مغفیانهایکی از ایند وزد و بند دارند تقسیم کرد و افزود:

آز چیه همه کشورهای عربی و حتی همپیمانان رژیم تهران را از ایران دوری سازد و روابط آسان را در برابر ملاستشوال بزرگ قرار میدهد هدف جمهوری اسلامی منی برسد و انقلاب است که نگرانی همه کشورهای اعراب را برانگیزد است.

راه مجاهد: رهده انقلاب اسلامی در منطقه سبب رشد جریان عدالت طلب و ضد ظلم علیه اسرائیل شده و وحدت اعراب بحول مبارزه با اسرائیل قویتر گشته بطوریکه اسرائیل با فروش سلاحهای بهر فرقه بهرستان مخالف شکر کرد. در حالیکه اسرائیل بیش از هر رژیم آزادی قدر و در انقلاب و وحدت دارد قصد دارد عامل تفرقه اعراب را بسد و انقلاب بداند در صورتیکه اسرائیل همیشه مانع وجود اعراب بوده و هست و حال می خواهد این نیروی وحدت طلب اعراب را علیه ایران بسیج کند و منطق به کشورهای مرتجع عرب می دهد که با جمهوری اسلامی بجنگند.

نظامی ایران چه خواهد شد؟ اثرات سنگ حمله بزرگ و موفقیت آمیز ایران در صورتیکه تحقق پذیرد خیلی بیشتر از آن خواهد بود که نسناری گمان می کنند.

سرا راه مجاهد:

امپریالیسم در شرایط کنونی با سه مشکل مواجه است صلح خاور میانه، جنگ ایران و عراق و منعت خلیج فارس. تنها کشوری که با نقش مناسب است تا امپریالیسم را در این سه مشکل باری نهد سوریه است. این جمع بندی استراتژیستها ی آمریکا می است.

چندی پیش حافظ اسد در مصاحبه با یک خبرنگار اردنی گفت مسئله جنگ ایران و عراق با اتحاد سوریه و عراق قابل حل است. من تا بحال ایران را از حمله بزرگ بساز داشته ام و ما تحمل نخواهیم کرد که ایران خاک کشورهای عربی را در تصرف داشته باشد این گفتهها نشان نمیدهند این است که اسد معتقد است جنگ ایران و عراق توسط سوریه قابل حل است که با بدست گرفتن ایتکسار با این جنگ هم مسئله منعت خلیج حل میشود و هم سوریه با ندادن امت عسری می تواند رهبری صلح خاور میانه را بر عهده بگیرد.



اسلام کافی ضیاء الحق

ضیاء الحق در مصاحبه با روزنامه آمریکایی کیهان ۶۵/۵/۲۰

..... دولت صهیونیستی حاکم بر فلسطین میبایست در مقابل ایجاد سرزمین برای فلسطینی ها بر سمیت شناخته شود.

... ما مخالف اسرائیل نیستیم و تکذیب موجودیت اسرائیل را یک اندیشه واقعگرا نمیدانیم. شما نمیتوانید ۳ میلیون یهودی را به دریا بریزید.

راه مجاهد: اسلام بر اساس عدل الهی معتقد است که هر چیز باید جای واقعی خود را بگیرد از آنجا که اسرائیل غاصب است بلحاظ ایدئولوژیک موجودیتش را نمیتوان بر سمیت شناخت. ضیاء الحق حکم قرآنی بندگی خدا و عدم بیعت با یزیدیان زمان (امریکا و اسرائیل) را زیر پا گذاشته ولی احکام فرعی را سعی دارد بشدیدا اجرا کند. نا ضیاء اسلام با جوهر امپریالیسم و صهیونیسم در گیر است نه با ملت ها و ملت یهود در کنار اعراب به زندگی ادامه میدهند.

در جنوب لبنان باید تمام کسانی که میخواهند با اسرائیل مبارزه کنند مسلح باشند آیت اله منتظری

بقیه از ص ۱۰ انقلاب فلسطین و مراحل آن

فعالیتها سیاسی برای تبلیغ و احقاق حق فلسطین و افضای صهیونیسم بین الملل لازم است و از سال ۱۹۵۹ اعضای فتح نظریات خود را با انتشار مجله‌ای بنام فلسطینی یا «فلسطینا» بصورت ناغنا در معرض افکار عمومی قرار دادند در حالیکه عده‌ای معتقد بودند عمل مسلحانه خود تبلیغ مسلحانه نزهت و بیعبارتی تبلیغ سرخود است و عملیات صرفاً نظامی مفکرند. عده‌ای نیز معتقد به آگاهی دادن به توده‌ها و کار سیاسی صرف بودند در حالیکه جنبشی مقاومت معتقد بود می‌تواند به اعتبار مقام و معنی زمانی که جنبش فلسطین در برابر اسرائیل مقاومت میکرد عرفات به سازمان ملل رفت و با وقتی که روابط با مصر قطع شده بود سازمان مقاومت عمل در آنجا را ترویج از اسرائیل را بهلاکت رسانده‌ترای آن روز عرفات به مصر فرستاد و با ساسانات مذاکره نمود یعنی مذاکره باید از موضع قدرت و عمل نظامی و نه از موضع ضعف باشد اگر مقاومتی نباشد مذاکره از موضع ضعف بوده و در نتیجه آن سازمان‌های نفعخواه بود. ام‌دوارم ساف به این جمع بندی وفا ناریا بود و با تعدد مبارزه مسلحانه در سرزمینهای اشغالی و سراسر دنیا بر علیه منافع اسرائیل به این اصل وفا ناریا بود ام‌دوارم نظامی بر عملیات تربیت المقدس تکرار نمود.

بگردد و دیپلماسی‌شان تابع امن اصل عده است.

۲- ارتباطان با سران عرب بدلیل همین خط مشی سیاسی و دیپلماتی با عده که نسبت به رهبران عرب ساده گزینی داشته باشند و با وجود اطلاع دقیقی از سوابق و مواضع رهبران عرب بازم بناچار به آنها اطمینان می‌کنند معنادار شدن به مذاکره با سران عرب بجای اینکه ساف را چهره‌ای رزمنده نشان دهد از وی چهره یک دیپلمات معامله گر مسازد.

۳- تبدیل شدن ساف از زمان چریکی و کوما ندومی با قدرت عملیات و تحریک فراوانی به یک سازمان سیاسی از اغتباطات فاحش رهبران ساف بوده است.

۴- ساف بدلیل تحلیل رفتن موضع رزمندگی و عملیات تهاش و رشد رگه‌های قوی دیپلماتی نسبت به غرب و روابط پنججده آن که فقط برای خود غریبیها قابل فهم است دچار سادگی شده است و این باعث شده که غرب ساف را زمانی قابل معامله و مذاکره تصور کند و سعی در تضعیف رزمندگی آن نارد.

۵- ساف در طول تشکیل خود بدلیل نبودن آموزش مستمر و بدولت‌های سیاسی نتوانسته با گروه‌های خلافتکار با جدیت مذاکره کند و این باعث شده که هر یک از سازمانها جداگانه برای خود بزنند و با جبروی و راستروی هر

۳- ساف باید موضع خود را در مورد جنگ ایران و عراق بوضوح روشن کند بنظر می‌رسد رهبران ساف از شروع کننده و تها و زگر سر جنگ آگاهند ولی معتقدند جنگ ایران با عراق تضعیف جبهه عربی علیه اسرائیل است باید به رهبران ساف متذکر شد که اولاً عراق تا بحال جبهه‌ای بر علیه اسرائیل نبوده بلکه همیشه مواضع مرتجعانه‌ای بر علیه انقلاب فلسطین داشته است از جمله تقویت ابوتغال که رهبر کثی ترسات را شروع کرد و اگر رژیم عراق درخواست جبهه‌ای بر علیه اسرائیل باشد چرا تا کنون حتی تریک نبردی بر علیه اسرائیل حرکت نکرده است و جبهه‌ای بر علیه آن نگذوده است در حالیکه بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی با ایران وارد جنگ شد؟ و ایران نیز چرا راهی جز محاکمه متها و زندارد تا دیگر تها و زندارها به رسمیت شناخته نشود و این مستواند راهگشای مبارزه با اسرائیل نیز باشد که غاصب را باید بیزور برون کرد و او را تسامحاً که موجب زاتش دنبال نمود تا دیگر کسی جرئت تها و زیخودنهد رهبران ساف نباید متحد واقعی و استراتژیست خود را انقلاب ایران را به چند صبا حی امتیازا دن بغداد از دست بدهند.

رهنمودها می برای ارتباط انقلابی ایران و فلسطین

ایران چاره‌ای جز محاکمه متها و زندار و تها دیگر تها و زندار دنیا بر سمیت شناخته نشود و این میتواند راهگشای مبارزه با اسرائیل نیز باشد. رهبران ساف نباید متحد واقعی و استراتژیست خود، انقلاب ایران را به چند صبا حی امتیازا دن بغداد از دست بدهند.

۱- انقلابی فلسطین و ایران در طول بست ساله اخیر بر تها و جبهه جوشها و حرکتها و انقلابی تها درها و ورمانه بلکه در تمام دنیا بوده اند. تا قبل از انقلاب اسلامی ملاک انقلابی بودن در ایران و منطقه قبول رهبری ساف بود اما امروز ملاک انقلابی بودن انقلاب اسلامی ایران است. لازم است

از گاهی کل جنبش مقاومت را زیر سؤال ببرند.

رهنمودها می به ساف

۱- ساف باید طی نهمی با حرکت تمام جناحها و داخلی خود از حرکت ۳۰ ساله جنبش فلسطین جمع بندی کنند و رشد رگه‌های ساف دیپلماتی و سیاسیگری را مورد نقد و بررسی قرار داده و با جمع بندی خوب نقاط ضعف خود را شناسایی و برطرف آنها برآیند بدین ترتیب است که ساف میتواند خود را از گرداب اختلافات درونی و سیاسی افولی برهاند.

۲- ساف باید به بررسی دقیق رابطه انقلاب ایران و فلسطین بپردازد و نحوه مستقیم همکاریها می بین دو انقلاب را مورد نقد و بررسی قرار دهد در این روند این سوال باید پاسخ داده شود که در منطقه خا و ورمانه در حال حاضر انقلاب ایران جوهره حرکت و جوشی درها و ورمانه است یا انقلاب فلسطین و آمریکا هم اکنون با ایران بعنوان جوهره بنیادگرای اسلامی در منطقه تضاد بنیادین دارد. روشن شدن این سئوال میتواند عامل بسار رزمندگی بساری ارتباط توده‌های مسلمان ایران و رهبرانی خود که هنوز معتقدند قلب انقلاب فلسطین در ایران می‌تهد (عرفات).

۱- هم اکنون بعنوان تنها نماینده خلق فلسطین در جهان شناخته شده و عده آرای مردم فلسطین را داراست.

۲- ساف توانسته است با راهها ساس و ناامیدی را از جان عرب بزناد نمونه‌های نبرد کرامه، جنگ ۱۹۷۳، انفجار سرد و عملیات تها قهرمانانه و هوا بهما ربا تها...

۳- ساف توانسته پونا نظریات دی و سیاسی مستقل با عد و با سران عرب نبراط مختلف به هذگام انحرافات بر خورد جدی کند برای مثال مخالفت با ناصر بدلیل پذیرفتن طرح راجز معالفت با سانات بخاطر سفرش به اسرائیل و مقاومت در تل زعترو مخالفت با جنگ اسد در لبنان.

۴- علمبرم فقتان سفارت و دنیا ترو بدست نقاط دنیا، هنوز مکانات انجام عملیات ترسار در دنیا نارد.

ب- ساف و نقاط ضعف:

۱- امروز ساف عمده ترین پایگاهها می را ترسوریه، اردن و لبنان از دست داده است علل اصلی این ضعف فقتان کارمکنی و کم بها نادن به جمع بندیها می سال ۱۹۶۴ است ضعف اصلی ایران است که ساف به کار سیاسی امالت ناده و معتقد است تا یک جناح از غرب از آنها حمایت نکنند و به فلسطینها امتیاز ندهند نمیتوانند از اسرائیل امتیاز

هما زگونه که رزمندگان ایرانی انقلاب فلسطین را جوهره انقلابات و نهضتها می آزادی بخش همبنا نهند هم اکنون نیز رهبران ساف نسبت به انقلاب ایران موضعی واقع بینانه تر داشته باشند. هم اکنون تضاد اصلی غرب در منطقه انقلاب ایران و بقولی بنیادگرای اسلامی است اما این را نمیتواند نادیده گرفت که غرب به وجود اینک ساف را در نام مذاکرات و رفت و آمدهای سیاسی انداخته است باز هم آن را از دشمنان اصلی آمریکا و عامل تروریسم میداند.

۲- امروز ساف احتیاج به پایگاه عملیاتی برای تعلیم نیروهای چریکی خود دارد و با از دست دادن آخرین پایگاهها یعنی در لبنان در مضیق و فشار است ایران با تراختار قرار دادن پایگاه آموزش به ساف میتواند هم ارتباط نزدیکی با انقلاب اسلامی پیدا کرده و هم میتواند از تجربیات چریکی و کماندومی و نظامی ساف استفاده کند. این نکته قابل توجه است که ساف برای بست آوردن امکانات مجبور به روی آوردن به سران عرب است آنهم رهبرانی که در مقطعی سرکوبگر خلق فلسطین بوده اند و گذاری پایگاه عملیاتی به ساف از جذب آنان به رهبران مرتجع عرب جلوگیری میکند و جلوی رشد رگه‌های ساف را میگیرد.

۳- توده‌های پراکنده فلسطین در سراسر دنیا از سطح سواد آموزشی بالایی برخوردارند و در میان آنها تخصصهای علمی و فنی و فرهنگی با مدارک معتبری از دانشگاهها می بزرگ دنیا وجود دارد. ما میتوانیم با جذب این نیروهای علمی هم مانع به هدر رفتن آنان شویم هم با انقلاب فلسطین ارتباط برقرار کنیم و هم کارهای آموزشی خود را تأمین کنیم. کشورهای غربی در جذب این عوامل فرهنگی فلسطین برای استثمار علمی به انحراف کفاندن خط سیاسی آنان فعالت هستند و دیده شده افرادی که مایل به همکاری با سیستمهای امپریالیستی هستند از طرز عوامل ساف و با پلیمس آمریکا به قتل رسیده اند.

۴- انقلاب ایران بدلیل محوریت خود نباید نسبت به جناحهای سیاسی داخل ساف موضعگیری کند و از تها و تکذیب این و آن جناح خودداری کند ایران باید موضعی در حمایت از کل انقلاب فلسطین داشته باشد و سعی کند با ارتباط با گروههای اصلی فلسطینی جنبش مقاومت فلسطین را تقویت نماید.

بقیه از ص ۲۹ بحران و رکود غرب

بیایم با یقین بیشتر در خط مشیمان بنظیر رها بر قدس جنگ دلمی خود را بر امان و بدون وقفه با کب دیوید ادامه دهیم و بلاد اسلام را از یخ صهیونیستها آزاد سازیم و مقدمات ظهور امام زمان و حکومت جهانی واحد به رهبری ایشان را فراهم آوریم.

بدانیم که اصلیترین هدف غرب است که با دادن امتیازات چشمگیر ما را از اسلام و باروی غرب (خمینی - طالقانی) باز داشته و به سمت اسلام مکل غرب سوق دهد. اسلام که معتقد است فلان معامله با غرب هم بسود ماست و هم بسود غرب. و همچنین معتقد است آمریکا نه بسود ماست و نه بسود آمریکا و بمبارت دیگر مملعت ما و غرب مکل بک بکند.

رابطه حکومت و ارزشها

می گویند ابتدای حکومت حضرت علی (ع) در نقطه نظر وجود داشت. عده‌ای معتقد بودند که علی (ع) بهتراست موقا گاری به معاویه نداشت تا قدرت مرکزی را حاکمیت بخشد پس از تثبیت قدرت مرکزی به حنگ با معاویه بپردازد. در مقابل، علی (ع) از همان ابتدا معاویه را خلع کرد و موجودیت او را بعنوان والی نهد برت. برادری میگفت اگر علی (ع) به گفتند نصیحت گران عمل میکرد، اولیسن انحرافی در اسلام بوجود می‌آید شری و قانونی شدن حکومت معاویه است. حالا هم اگر امام باصدام از در صلح در آید، اولیسن انحراف در جمهوری اسلام شری و قانونی شناخته شدن حکومت ظلم و جور و مامل هزاران قتل و کشتار است.

کیست که نداند صلح با این حزب بر سمیت و شرعیت شناختن حکومت بعث و از واضحترین خیانتها به مسلمین است امام خمینی

بقیه از ص ۸ وینمه با سر انحلال سازمان...
موجب ضرر آن جبران ناپذیر و حسرت بسی
پایان خواهد شد. بیانیید دست بدست هم
در محمود من و توجه از همان بدان بگوئیم.
کیهان ۱۹/۷/۶۵

نظر ما در مورد محور سوم استدعای آقای
آرمین این است که درست است که از همان
نیاید از جنگ دور شود ولی این سازمان در
جنگ نقش داشته و ترمز انقلاب بوده است.
لذا این مسئله باید در حد محدود سازمانهای
انقلابی ریشه یابی شود که نه به جنگ ضربه
زند و نه باعث ساده اندیشی شود. از آنجا
که این تضادها مربوط به انقلاب میباشد لذا
نیروهای انقلابی باید از این مسائل آگاه
باشند.

ریشه یابی علت انحلال از دیدگاه
حجت الاسلام خلیفانی

"حجت الاسلام خلیفانی در نطق پیش از
دستور خود در این مورد اظهار داشتند:
"جهاد دین انقلاب اسلامی استعفا دادند
و امام قبول کردند کماثر اینها خیلی جاوتر
استعفا داده بودند. بقدر اینها قلم
بندست گرفته در برنامه شان و در مطالب
دیگر هتک حرمت و شرف، انتساب بی دینی
و لامذهبی به بعضی ها دادند که با خلوص
نیت به این اسلام و به این انقلاب خدمت
کردند. شما همه میدانید ما جزه هیچ
دسته ای نیستیم اما بالاخره در مقابل قرآن ما
باید از حق دفاع بکنیم. شاید این یکی از
اثرات فرمان امام بوده که امام فرمودند
قلمبایان را قیبه کنید و این قلمها بکار نیفتد
که روزنامه رسالت هم قلم خود را جمع کرد
واقعیاً همان تذکر است. ولی بعضی ها نعل
وارونه زدند وکی و بی رویی. خوب این همه های
خاص هم درک کردند که خطاب امام مربوط
به همین است و لذا استعفا دادند.
ما همه باید با هم متحد شویم و پیش برویم.
شما در خدمت امام هستیم و هیچکس در این
مجلس قصد تضعیف روحانیت را ندارد که
بعضی ها عنوان کردند. ما همه در خدمت
روحانیت مبارز هستیم نه در خدمت روحانیت
ضعیف. آنها هم که هیچکاره بودند و حالا
آمده اند و میخواهند میراث خوار انقلاب
باشوند. مردم به آنها نمیدهند مردم در خدمت
امام هستند تا پای جان. امام در جلوی ما
ما همه میبیریم و کشته میشویم ولی تسلیم هرگز
و زیر بار ظلم نمیرویم."
کیهان ۲۰/۷/۶۵

راه مجاهد و ریشه یابی انحلال

۱- اثرات فرمان امام - قسمتی از ریشه یابی
انحلال سازمان در نامه محسن آرمین بیان
شده بود. ما معتقدیم همانگونه که حجت -
الاسلام خلیفانی اشاره نموده اند، انحلال
ناشی از اثرات فرمان امام مسئله دار شدن
اعضای صادق سازمان بوده است.
بعد از سخنرانی امام درباره مواضع اصولی
دولت و خط تضعیف انقلاب، مواضع رسالت
و افرادی که روزنامه بوسیله آنها منتشر میشود
و از جمله شخص حجت الاسلام راستی بعنوان

یکی از اعضای هیئت امنای بنیاد رسالت به
زیر سؤال رفت. بنظر میرسد اعضای صادق
که در این سازمان عضویت داشته و در جبهه ها
فعال بودند این سؤال برایشان مطرح شده
که چگونه سازمانی که مدعی پیروی ولایت فقیه
بود این چنین توسط امام زیر سؤال رفت.
این سرخوردگی از تشکیلات و خط سیاسی
ایدئولوژیک آن، منجر به عدم انسجام و ایجاد
پرسش های متعدد برای اعضا میشود که
رهبران آن بدلیل عدم توانایی در پاسخگویی
به سئوالات، ناچار به انحلال گردیدند تا
از زیر سؤال رفتن مواضع خود در سازمان
جلوگیری بعمل آورند.

۲- فقدان فقه سیاسی - لازم است
برای اینکه دوباره افراد و اعضای سابق سازمان
به انحراف در خط مشی دچار نشوند سازمان
انتقادی بنیادی و سیاسی ایدئولوژیک از مواضع
خود در گذشته داشته باشد و مشخص کنند
چرا در نهایت با امام به دو خط مشی مختلف
رسیدند.
اگر رفتن عده ای از اعضا به جبهه ها
مغایرتی با خط مشی سازمان
ندارد و خط سازمان تقویت
جبهه هاست پس دلیلی برای
انحلال وجود ندارد بلکه سازمان بایستی توان
و قدرت بیشتری برای خدمت به جبهه های پایداری
میکرد. انحلال در صورتی است که با رفتن
افراد به جبهه دیگر فلسفه وجودی برای

روحانیت و اگر آموزش شما از روحانیت جدا شود
شما از روحانیت جدا میشوید و اگر از روحانیت
جدا شدید از ملت مسلمان جدا شده اید. ۱۰
تمام هدف، پیروی از اسلام است که راهی
بغیر از پیروی و تبعیت از روحانیت نیست.
بیانیه شماره ۱۲۴ سیر
اجمالی تحولات سازمان
و برکات آن ۱۲/۶/۷۲

بدنبال این آموزش آقای راستی، یکی از
نظرات ایدئولوژیک سازمان این شد که گروهی
که تحت نظارت یک روحانی و نماینده ولایت
فقیه نباشد انحرافش حتی است. وجود
نماینده امام موجب صون ماندن از انحراف
است. در حالیکه صرف وجود روحانی در
یک جریان و نظارت روحانیت امکان انحراف
را از بین نمیرد. اگر چنین بود برخی مراجع
و روحانیون بدام جریانات انحرافی و ضد انقلاب
نی افتادند. در اکثر جریانات انحرافی هم
روحانیون حضور و نظارت داشته اند، مثل
انجمن حجیه، فرقان، حزب خلق مسلمان
و... ضمناً بنظر میرسد راه جلوگیری از
انحراف پای بندی به اصول مکتب اصیل اسلام
در همه زمینه ها و شیوه هاست و اینکه خدا
وصفات خدا را مبنای تعقل و تفکر قرار داده
و در شیوه های عملی تحقق دهیم و عدم
انسجام و ضعف نقصان ولو کوچک را در این
مسیره بی اهمیت شماریم.
اصل دانستن اینگونه رابطه تشکیلاتی و مکانیکی
با ولایت فقیه نمیتواند تضمین کننده سلامت

اصل دانستن رابطه تشکیلاتی و مکانیکی با ولایت فقیه
نمیتواند تضمین کننده سازمان باشد. آن چیزی که
بطور بنیادی امام را با افراد و جریانات پیوند می-
دهد، وحدت ایدئولوژیک استراتژیک است.

سازمان باشد، آن چیزی که بطور بنیادی امام
را با افراد و جریانات پیوند میدهد وحدت
ایدئولوژیک - استراتژیک است. اگر چنین
وحدتی وجود داشته باشد و باسعی در
ایجاد آن باشد خود بخود وحدت تشکیلاتی
نیز بدنبال آن خواهد آمد.
شناخت ایدئولوژی و استراتژی صحیح و فعال
شدن در عمل صالح زمان موجبات صون ماندن
از انحراف است. اینگونه برخورد با امام
برخورد تشکیلاتی صرف است و میدانیم که
تشکیلات مبنای هدایت و انحراف نیست بلکه
ایدئولوژی و خط مشی آن تشکیلات است که
موجبات رستگاری و انحراف میشود.
۳- اختلاف نظر امام و حجت الاسلام
راستی: در نشریه راه مجاهد شماره ۲۰
(دی ماه ۶۲) مقاله ای تحت عنوان "دو
شیوه برخورد با جریان عاقبت طلب" به
چاپ رسیده است که در آن اختلاف فکری
امام و آقای راستی در مورد انجمن حجیه
بررسی شده است که ضمن ارجاع خوانندگان
به مطالعه آن، قسمتهایی از آنرا در اینجا
میاوریم.

امام خمینی طی سخنان راهگسائی
خودشان در روز عید فطر فرمودند: "سک
دسته دیگری ترشان این است که بگذارند
که معصیت زیاد بشود تا حضرت صاحب بیاید
حضرت صاحب مگر برای چی می آید حضرت
صاحب می آید معصیت را بردارد، ما معصیت
گیم که او بیاید؟ این اعوجاجات را بردارد
این دسته بندیها را برای خدا اگر سلبید و
برای خاطر کشورتان اگر ملی هستید این
دسته بندیها را بردارید. در این موحی که
الان این ملت را دارد به پیش میبرد در این
موج خودتان را وارد کنید و برخلاف این موج
حرکت نکنید که دست و پاتان خواهد شکست
در زمانیکه امام یکی از بنیادهای فکری انجمن
حجیه را نقد کرده و در سخنان دیگری تیز
جدایی دین از سیاست را اسلام امرگایس
میدانسته و حرکت انجمن را خلاف موج انقلاب
اسلامی تعبیر میکنند، حجت الاسلام راستی
در کتاب رهنمودهای نماینده امام در
سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در ص ۲۷
چنین میگویند:
"در مورد انجمن حجیه باید عرض کنم اجمالاً
افرادی که منصوب به انجمن حجیه هستند
اینها نوعاً افرادی هستند که با مسائل اسلامی
آشنا هستند، اعتقادشان صرف نظر از
مسائلی که در ارتباط با انقلاب است، محکم
و خوب است."
در ص ۲۳ همان کتاب آمده است:
"مقداری برخورد تند نشود تا ببینیم این
مرحله را به کجا میرسانیم و علی کل حال
اینها مذهبی و مسلمان هستند، مقلسد
هستند و دلشان برای اسلام میسوزد."
امام در رابطه با سؤال آیت ۱۰۰ کاشانی در
مورد انجمن حجیه گفته بود: "آنها را
من تأیید نمی کنم، آنها از نظر بینش انحراف
دارند و اینها معتقدند که در زمان غیبت امام
زمان نمیشود تشکیل حکومت اسلامی داد و
انجمن دیگر قابل اصلاح نیست."
در راه مجاهد شماره ۲۰ مقاله دیگری تحت
عنوان معرفی کتاب رهنمودهای نماینده امام،
نقطه نظرات حجت الاسلام راستی را مورد
بررسی قرار داده است. از جمله نظرات
ایشان در مورد آیت ۱۰۰ منتظری، لزوم کار
عقیدتی، تشکیلات و کار تشکیلاتی، رابطه
فرد و تشکیلات، از خوانندگان عزیز میخواهیم
برای تکمیل محور فوق این دو مطلب را مطالعه
نمایند.

۴- شیوه برخورد امام با جریانات: امام
همیشه سعی دارند با افراد و جریانات
برخورد خطی و ایدئولوژیک نمایند و کمتر دیده
شده که ایشان برخورد صرفاً تشکیلاتی و
مکانیکی داشته باشند. خط امام، حمایت
از ادامه دفاع مقدس در برابر تجاوزات، بعنوان
عمل صالح و دولت بعنوان خدمت گزار دفاع
مقدس مردم است. لذا امرجانی که بخوانند
جنگ و دولت را تضعیف نماید در واقع جنگ
را تضعیف کرده است لذا امام با تأیید
مکرر از ادامه جنگ و ادامه کار دولت سعی
داشتند جریانات اصیل انقلاب را فعال
نموده و کسانی هم که در این خط نیستند
هدایت و افشا شوند. امام در کنار قرار
دادن نماینده خود در سازمان، جنگ را
بقیه در ص ۳۱

ما انقلابمان را به همه جهان صادر می کنیم و تفکر اینکه ما انقلابمان را صادر نمی کنیم باید کنار بگذاریم.

استراتژی امید و استراتژی پائس

در انقلاب عراق

فصل دوم

خلاصه‌ای از قسمت اول

در قسمت اول مقاله به ذکر جریان‌هایی پرداختیم که معتقدند در دوران عراق هیچ گونه تحول و حرکتی وجود ندارد و تحلیل از چپ نمایی، اسلام نمایی و فاشیسم حزب بعث و تحوف ملت عراق، به استراتژی پائس از حرکت رسیده و پایان جنگ را تنها راه مملکت نظام جمهوری اسلامی می‌بایند. در مقابل در مورد به شرح استراتژی امید و برابر استراتژی پائس پرداختیم. در آن شماره گفتیم:

الف - استراتژی پائس در برخورد با اسلام نمایی صدام می‌گوید نمی‌توان حرکتی کرد. ولی استراتژی امید اعتقاد دارد که اسلام نمایی صدام ناشی از همگنی معیارهای ایدئولوژیک حزب بعث و پرا بر منطق اسلامی جنگ است و نشان‌دهنده رشد پایگاه‌های انقلاب اسلامی در دوران عراق و تبعیت باطل از حق می‌باشد.

ب - استراتژی پائس معتقد است به دلیل چپ نمایی صدام، مردم آگاهی لازم برای حرکت را ندارند. ولی استراتژی امید می‌گوید چپ نمایی صدام نه به دلیل چپ بودن او بلکه به دلیل رشد حرکتها و نیازهای انقلابی در مردم عراق است.

ج - استراتژی پائس می‌گوید فاشیسم در عراق به هیچ جریانی اجازه فعالیت و زندگی نمی‌دهد. ولی استراتژی امید معتقد است علت اصلی فاشیسم، مقاومت مردم عراق و گسترش بنیادگرایی در عراق و ترس صدام از سقوط می‌باشد.

د - استراتژی پائس می‌گوید مردم عراق ترس و هستند. ولی استراتژی امید جوهر رزمندگی و جان برکشی مردم و ارتعاب عراق را می‌بیند و معتقد است با الهام از خط مشی امام حسین (ع) در کربلا باید به جریان حزبی در دوران ارتش عراق نیز تکیه کرد.

مقدمه

در شماره قبل ثابت کردیم که علیرغم پائس مسئولین، حرکت در دوران عراق وجود دارد. در این شماره برآنیم تا استراتژی پائس و امید را در شکل حرکت و تحلیل‌های موجود نسبت به چگونگی وقوع انقلاب در عراق بررسی کنیم. پائس از پیروزی در عراق صدها تا ناهمی از قیاس شکلی انقلاب عراق با انقلاب اسلامی است. استراتژی پائس توقع دارد که حساب انقلاب در عراق هم مانند انقلاب ایران باشد. مجاهد شهید حنیف نژاد بعد از اخذ از ۲۲ رومورد چگونگی تداوم حرکت در انقلاب ایران می‌گفت: اگر ما همین در سه‌هالایی با نده ۴ بالا رود بعد از مدت کوتاهی

فریعتی و . . . این تحولات زمینه‌های بسیج مردمی توسط امام را در یک حرکت قهرآمیز علیه سلطنت فراهم نمود. در حالیکه حزب الدعوه که اصلی‌ترین شاخه مجلس اعلی انقلاب عراق محسوب می‌شود، منطوقی در برگیرنده و وارث چنین قیامها و حرکت‌های انقلابی در عراق نبود. است. امام در مبارزه با سلطنت ایدئولوژی متناسب آن راه کارها و نیروهای مبارز آموزش می‌دادند. ایشان در سال ۴۵ در نجف، طی درسیهای حکومت اسلامی به لحاظ ایدئولوژیک، سلطنت مورو را رد کردند. در واقع می‌توان گفت که مبارزه با سلطنت هم در ایدئولوژی و هم در شکل سیاسی و نظامی آن وجود داشت.

توضیح اینکه در این رابطه حزب الدعوه عراق در دوران عبدالکریم قاسم و در خدمت با او و کمونیسم تشکیل شد و نزدیک به ۲۰ سال و تا مرحله وقوع انقلاب اسلامی در رفا فرهنگی فعالیت می‌کرد. بعد از پیروزی انقلاب، وارد فاز سیاسی شده و در سال ۲ سال حرکت سیاسی سریعا وارد فاز نظامی شد. آیت امامی کاشانی چندی قبل در خطبه‌های نماز جمعه قریب به این مضمون گفتند که شهید آیت ا. صدیق از پیروزی انقلاب ایران در جمع بندی از حرکت خودشان در عراق گفتند که جای کار فرهنگی ما هم مانند امام خمینی می‌بایست مردم را سازماندهی و بسیج می‌کردیم. متأسفانه عمارشان کفاف نداد که این جمع بندی شجاعانه را تحقق داده و برای کارهای حزب الدعوه ریشه‌هایی نمایند می‌توان گفت جریان‌هایی نظیر حزب الدعوه "انقلاب اسلامی زده" شده‌اند. باید توجه کرد که مبارزه نظامی یک هویت مستقل ایدئولوژیک و استراتژی مشخصی می‌طلبد. خود کم بینی در برابر انقلاب اسلامی هر جریانی راه مرحله سوزی و شیوه‌های عجولانه و نامناسب خواهد انداخت.

خود کم بینی جریانات مبارز عراق در برابر انقلاب اسلامی، موجب مرحله سوزی و اتخاذ شیوه‌های عجولانه و نامناسب در انقلاب عراق خواهد بود که هر چند مترقی است ولی انقلابی نخواهد بود.

ه - استراتژی پائس و استراتژی امید در زمان بندی و مرحله بندی انقلاب عراق

جریانی مطرح می‌کند که انقلاب اسلامی در ایران، می‌بایست الگوی انقلاب عراق باشد. از این روایستی همانگونه که در ایران انقلاب شد، در عراق نیز همین تکرار شود و در این رابطه شیوه‌هایی نظیر حرکت‌ها و تظاهرات وسیع مردمی را مدنظر دارد. استراتژی پائس از آنجایی که امکان انجام چنین حرکت‌های وسیعی را در عراق نمی‌بیند، از انقلاب درونی در عراق مأیوس می‌گردد. از این موضع تنه‌راه را تقویت جبهه‌ها و نیروهای مسلح ایران می‌داند. استراتژی امید مطرح می‌کند که انقلاب در ایران نقاط عطف و تحولات بسیاری داشته است. نهفت مشروطیت، قیام ۳۰ تیر و نهفت ملی شدن نفت، قیام ۱۵ خرداد، حرکت مجاهدین، آیت ا. طالقانی، دکتر

در کربلا بود، توجه کردند و نه به صحبت امام آنها "امام حسین زده" نشدند و حتی در حضور امام معصوم به دام "اخباری گسری" نیفتادند. دیدیم پس از قضیه حله بیعت روز عاشورا هر کدام از اصحاب، در کار امامت امام و در رابطه با خدای خویش، هویتی مستقل و انقلابی داشتند.

استراتژی امید بطور خلاصه معتقد است با توجه به سائل ذکر شده نمی‌توان انقلاب ایران را با عراق قیاس شکلی نمود و در نتیجه در عراق مرحله سوزی کرده و سریعا انتظار حرکت نظامی و بسیج مردمی را داشت. مبارزه مسلحانه، روحیه ایدئولوژی مناسب خود را طالب است و با ایدئولوژی حرکت فرهنگی صرف مغایر است.

قیاس شکلی انقلاب اسلامی با انقلاب در عراق به مثابه فلج کردن انقلاب عراق و به اصطلاح "انقلاب اسلامی" زدگی است.

استراتژی پائس ناشی از عدم توجه به زمان بندی و مرحله بندی و رعایت قوانین انقلاب است.

و - استراتژی پائس و استراتژی امید در رابطه با ویژگی‌های انقلاب عراق

جریانی در بین مسئولین جمهوری اسلامی و گروه‌های عراقی با الهام از انقلاب اسلامی، مطرح می‌کنند که تنها روحانیون عراق هستند که می‌توانند انقلاب عراق را رهبری و آن راه پیروزی برسانند. همانند ایران که مبارزات روحانیت، چه در سطح علنی و پامخنی، عامل بسیج مردم گشت و آنهارا به تظاهرات علنی علیه سلطنت کشاند.

عده ای با اعتقاد به مطالب فوق می‌گویند اولاً "روحانیون انقلابی و مبارز عراق بدست رژیم به شهادت رسیدند. ثانیاً آنها می‌توانند به زندان بدلیل فاشیسم حزب بعث نمی‌توانند در عراق فعال شوند و ناچارند که از آن کشور مهاجرت نمایند. ثالثاً بقیه روحانیون که قسمت عده روحانیت عراق را تشکیل می‌دهند، اصولاً "بافت انقلابی" نداشته و حد اکثر توقع از آنان این است که در برابر انقلاب سکوت کرده و علیه آن حرکتی ننمایند. در این رابطه میتوان به کتاب نهفت امام خمینی جلد دوم فصل "شاه در اندیشه تغییر تبعیدگاه امام" نوشته حجت الاسلام سید حمید روحانی مراجعه نمود.

استراتژی پائس از یک طرف در قیاس با ایران به الگوی روحانیت در عراق معتقد است و از طرف دیگر لایق فوق از حرکت روحانیون عراق مأیوس است. لذا به این نتیجه می‌رسد که باید آنقدر صبر نمود تا روحانیون عراق به خود حرکتی داده و در انقلاب فعال شوند.

البته باید توجه نمود که در بین روحانیون عراق طمعی هستند که اندیشه حکومت اسلامی قبل از ظهور امام زمان (عج) معتقد

که هر چند مترقی است، ولی انقلابی نخواهد بود. آنچنانکه در عراق بعد از پیروزی انقلاب مشاهده گردید، جریانهایی مبارز و در آمادگی‌های لازم به شمارنویسی و تظاهرات علنی برداشتند و رژیم هم در آغاز، همه جریانهارا شناسایی و به شدت سرکوب نمود. در حالیکه صالح ترین عمل در آن زمان، ریشه‌هایی و جمع بندی از سرگذشته، با استفاده از تجربیات انقلاب اسلامی بود. قیاس شکلی انقلاب اسلامی با انقلاب در عراق به مثابه فلج کردن انقلاب عراق است. اصطلاح "انقلاب اسلامی زدگی" است. حتی امام حسین زدگی "هم خلاف اصول است و در آن صورت دیگر نمی‌توان صلح امام حسن (ع) را تبیین نمود. امام حسین (ع) بصراحتاً به باران غیبی گوید اینها با من کار دارند، بقیه می‌توانند بروند و در دیگر بلاد فعال شوند. اصحاب امام بانکه به منطق توحید به نیاز امام که خط مشی ماندن

اصل برای ما باید آبرو و حیثیت اسلام و تحقق ارزشهای اسلامی و انقلاب باشد

نمی بمانند و اگر همه موانع انقلاب نظیر فاشیسم حزب بعث، درآمد نفت، ارتش و... از سر راه برداشته شود، در جهت انقلاب حرکتی نخواهند کرد.

در این رابطه باید توجه نمود که اولاً روحانیت ایران در مسیر حرکت ضد سلطنت و آموزش های امام رشد کرده و به فاز انقلابی رسیده اند. در ثانی نمی توان روی جریان روحانیت و نقش آنها به شکل دگم و یک دست نگاه کرد. حتی بایستی در مورد روحانیون ایران نیز مرز بندی نمود. در حوزه های علمیه مارو حانیون کودتاچی داشته ایم. روحانیون عافیت طلبی داشته ایم که امام از آنان به عنوان اسلام آمریکایی نام بردند. جریانی از روحانیون را داشته ایم که زیر چتر روزنامه رسالت عمل می کردند و امام جهت اصلاح آنها را زیر سؤال می برد. لذا قبل از اینکه روحانیت راه صورت یک صنف در نظر داشته باشیم، باید دید کدام جناح از روحانیت حامل و تحقق دهنده مکتب اسلامند. برای توضیح بیشتر در کتاب "از هوام زدگی تا بسیج مستضعفین" مرز بین روحانیت مکتبی و غیر مکتبی به اجمال مشخص گردیده است.

استراتژی امید مطرح میکنند سقوط صدام باید همراه با انقلاب مردم عراق باشد. اگر نتیجه این حرکت یک حکومت آمریکایی بشود تبعاً "مردم عراق به صدام قانع میشوند که حداقل از حکومت آمریکایی آبنده بهتر خواهد بود."

چه باید کرد؟

در شماره قبل ثابت گردید که نباید از حرکت در عراق مأیوس بود. با توجه به مطالب فوق این سؤال مطرح می شود که "در عراق چه باید کرد؟" "آیا میبایست مأیوس بمانیم؟"

واقعیت این است که هر انقلابی ویژگی خاص خود را داراست و ویژگیهای جامعه عراق را نمی توان از راه قیاس با انقلاب ایران بدست آورد. الگوی روحانیت جهت رهبری انقلاب در هر کشوری به غیر از ایران، نظیر عربستان، پاکستان، مصر و... جریانی است ارتجاعی و حداقل غیر انقلابی و حداکثر مترقی.

در عراق معاصر نیز به دلیل نبودن و یا کم بودن روحانیت در صحنه مبارزه، احزاب قدرتی بسیج بیشتری پیدا کرده اند. برای تقریب به ذهن بطور اجمال می توان گفت که حزب بعث در وضعیت فعلی قریب یک میلیون نفر را طوعاً و کرهاً در شهر و روستاها در رابطه با جنگ بسیج نموده است. در اینجامس بایست به شیوه های حزب بعث در تشکیلاتی کردن مردم توجه نمود. این حزب از همان ابتدا سعی نموده است که با حضور اجباری مردم در یکی از ارگان های وابسته، کنترل خود را بر خانواده ها گسترش دهد. بطوریکه اعضای یک خانواده، هر کدام بنحوی با این دستگاه و تشکیلات

سازمان یافته آن مرتبط بمانند. تا از یک طرف با گسترش آموزش های بعثی، ذهن افراد را از همان کودکی در کنترل خود در آورند و از طرف دیگر نسبت به وقایع درون خانواده ها مطلع گردند.

استراتژی امید در پاسخ به سؤال "چه باید کرد" معتقد است که برای رشد انقلاب عراق می بایست به جریانهای رشد - باینده با روحیه جان برکف که سابقه مبارزه داشته اند توجه نمود. یکی از اشتهاهات عمده در رابطه با عراق این بوده است که روی نیروهای که روحیه و خمیرة عافیت طلبی دارند، آنقدر تکیه می شود که اگر یک ده هم آن صرف نیروهای جان برکف و مبارز می گردید، نتایج بهتری حاصل میشد. در حالیکه انقلاب اسلامی موفق شد که ارتش طاغوتی را به یک ارتش رزمنده علیه کمپ د بوید تبدیل سازد، قطعاً خواهد توانست که ارتش عراق و جریانی که در مبارزه با او درگیر است نیز متحول سازد و در خط مشی اصلاح ببازد. البته پیوند با کرد های مبارز عراقی در عملیات فتح یک به صورت یک نقطه عطف جدید در خط مشی جمهوری اسلامی مشاهده گردید.

استراتژی امید از برخورد امام حسین (ع) با ارتش کوفه توشه می گیرد و استراتژی خود را نسبت به ارتش عراق تنظیم می نماید. توضیح اینکه امام (ع) بعد از مقاومت این زیاد از رفتن به کوفه پیشنهاد بازگشت به مدینه را مطرح کرد و از آنجا که این زیار مانع بازگشت ایشان به مدینه شد، امام (ع) خط مشی مقاومت در کربلا را اختیار کردند. امام کوفه را جغرافیایی نمی دیدند، بلکه انسانهای کوفه را که به کربلا آمده بودند، "کوفه متحرک" می دانستند. کوفه مرکز نظامی شبه جزیره بود و اکثر افراد با روحیه نظامی در این شهر بودند. از این رو حاکمیت بر ارتش کوفه، حاکمیت بر کل شبه جزیره محسوب می گردید.

تحلیل امام از افراد ارتش کوفه این بود که بسیاری از اینان به قصد تربیت آمده اند. (روایت از امام محمد باقر (ع) از کتاب حماسه

ارتشیان عراق با انگیزه مبارزه علیه صهیونیسم و امپریالیسم وارد ارتش عراق شده اند. بالهام از خط مشی امام حسین (ع) بایستی با این انگیزه برخورد تعالی بخش شده و شیوه های امام در برخورد با حرس مشفق ماکر را بگیرد. به ارتشیان صیحبان عراق برخورد شود و شیوه های اسلامی کاملاً رعایت گردد. در یک سیر رازمدت، خط مشی حاکم بر ارتش افشا شده و وابستگی سران آن روشن می گردد و حراً آفرینی در روتن ارتش عراق گسترش می یابد. خط مشی فوق الذکر بایستی در کنار خط مشی مبنایی تقویت گروه های انقلابی و وفاداری رهبری امام انجام گیرد.

ز- استراتژی یأس و استراتژی امید

در قیاس "لغو حمایت از صدام" با "لغو حمایت از شاه"

جریانی در بین مسئولین معتقد است انقلاب اسلامی زمانی پیروز شد که جناحهایی از ضرب حمایت خود را از شاه لغو کردند. اکنون نیز پیروزی در عراق تنها در شرایطی صورت می پذیرد که ابرقدرت های حمایت از صدام بردارند.

استراتژی یأس با قبول این دیدگاه می گوید از آنجا که ملت عراق خود نمی توانند حرکت چشمگیری داشته باشند تا جناحهای قدرت راه لغو حمایت از صدام برسانند، می بایست خودمان دست به کار شویم و با بسیج مردم در جنبه ها، غرب راه یأس جمع بندی برسانیم که صدام نمی تواند در عراق بماند و حاکمیت باثباتی ندارد.

استراتژی امید مطرح میکند که موقعیت شاه و صدام متفاوت می باشد. صدام برای حفظ خود شعار ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی میدهد. چپ نمای و اسلام نمایی دارند. در بین مردم عراق با یگانگی ناشی از ثبات های زیر دارد. ۱- ثبات رفاهی که به درآمد نفت متکیست. ۲- ثبات ایدئولوژیک که ناشی از نظم آموزشی و کادرسازی و شعار سوسیالیسم

یأس از انقلاب عراق، یأس نسبت به ظهور تدریجی اصنام زمان و توانایی انقلاب اسلامی در بیداری ملت است. در صورت عدم برخورد، این یأس استراتژیک به شکل "صلح خزننده" در شیوه های عملیاتی و سیاست حاکم بر جنگ تا شیر میگذارد.

حزب بعث است. ۳- ثبات امنیتی که ناشی از راهب تهدید و توتالیسمی سازمان امنیت است. ۴- ثبات میلیتاریستی که ناشی از تشکیلات سرتاسری و فراگیر ارتش بعث می باشد. از اینها گذشته روحیه فرورداد همانند شاه نیست که سرعاً تسلیم نظرات جناحهای فرعی گردد. تا آخرین لحظه مقاومت میکند و در عقب نشینی نیز حاضر به تسلیم نسوری نیست و قدم به قدم عقب می نشیند. در این رابطه به خبر استراتژیک جمع بندی صدام از رفتن شاه در خبرنگار این شماره رجوع شود.

از طرف دیگر جناحهایی از ضرب که تمایل به ادامه حاکمیت صدام در عراق ندارند،

حسینی جلد دوم شهید مطهری (خط امام برخورد تنگاتنگ و مستعربان سپاهیان بود تا آنها را در خط مشی صحیح انداخته و از جریان باطل جدا سازد. تحلیل گران تاریخ معتقدند اگر به امام حسین (ع) روز بگرمیلت داده می شد، امام می توانست از یک طرف با حرس آفرینی های مسترو از طرف دیگر با پیوستن جوشعی باران دیگرش، بر این زیاد غلبه نماید.

استراتژی امید به جریان رشد باینده در روتن ارتش عراق امید دارد و معتقد است ناشیوه های اسلامی در جنگ و آموزش عملی ارتشیان عراق می توان آنان را جذب انقلاب اسلامی نمود و حراً آفرینی کرد. اگر

نمی دانند چه جریانی را جایگزین صدام سازند. صدام فردی است که حاکمیت فراگیره عراق دارد و برای جانشینی صدام، جریانی مناسب است که قادر باشد بتواند بر ارگانهای کشور حاکمیت خطی و تشکیلاتی پیدا کند. تنها تشکیلات سرتاسری موجود که می تواند این جایگزینی را انجام دهد، ارتش عراق است که بدلیل نظام آموزشی و تسلیحاتی و بافت نزدیک به شرقی آن، برای غرب غیر قابل اعتماد نبوده و نمی تواند به این زودی هاروی آن حساب باز کند.

استراتژی امید معتقد است انزوای شاه بدلیل حرکت روز افزون و هشتابان مردم و نه بدلیل لغو حمایت غرب و مأیوس شدن از وی. از این رو در عراق نیز می بایست حرکت مردم تهدید گردد تا عملاً "غرب نتواند از وی حمایت کند. در این صورت رهبران حرکت می توانند از سردرگمی و گجی امپریالیسم استفاده کرده و انقلاب را به پیروزی برسانند. در واقع تنها مردم عراق و تحول آنان در مبارزه است که امید امپریالیسم راه یأس تبدیل می سازد. که در آن صورت کشورهای ارتجاعی منطقه و نه هیچ ابزار

استراتژی یأس میگوید به دلیل عدم قیام مردم عراق، هر حکومتی را در عراق، اگر چه آمریکایی باشد، بجای حکومت صدام می توان پذیرفت و تنها با صدام نمیشود کنار آمد.

وسلاح پیچیده های قادر به حفظ موقعیت صدام در عراق نخواهد بود.

استراتژی یأس می گوید بدلیل عدم قیام مردم عراق، هر حکومتی را در عراق، اگر چه آمریکایی باشد، به جای حکومت صدام می توان پذیرفت و تنها با صدام نمی شود کنار آمد.

استراتژی امید مطرح میکند سقوط صدام باید همراه با انقلاب مردم عراق باشد. اگر نتیجه این حرکت یک حکومت آمریکایی بشود، تبعاً "مردم عراق به صدام قانع می شوند که حداقل از حکومت آمریکایی آبنده بهتر خواهد بود."

یأس از انقلاب عراق، یأس نسبت به ظهور تدریجی اصنام زمان و توانایی انقلاب اسلامی در بیداری ملت است. در صورت عدم برخورد، این یأس استراتژیک به شکل "صلح خزننده" در شیوه های عملیاتی و سیاست حاکم بر جنگ تا شیر میگذارد.

یقین داشته باشیم که غرب در اضطراب و وحشت بسربرد و در سرراشیی سقوط قرار دارد. رکود ذاتی و بن بست های سیاسی، ایدئولوژیک، منطقی، نظامی، اقتصادی، غیبی را گنج نموده است. تدویم خط مشی آزادی قدس و دفاع مقدس ضد کمپ دیویدی-مان، میتواند بحران غرب را تهدید کرده و آزادی کربلا و سقوط صدام را میسر سازد. برای توضیح بیشتر در این رابطه رجوع شود به سرمقاله این شماره تحت عنوان بحران و ورکود

پاورقی ۱ - رجوع شود به مقاله فلسطین در همین شماره

کدام نفع بالاتر از کوتاه کردن دست جها خوران از ممالک اسلامی است.

دلیل برحفظ نظام نگیرند .

عمده کردن عربستان

عمده کردن رساله واحکام

بقیه از ص. ۶ پریشانه‌های اعمالی
شود ؟ دولت انقلابی و اسلامی هم میتواند
تا جرح خوب باشد و هم صنعتکار خوبی . اگر
دولت انقلابی و اسلامی نباشد ، باید به این
قضیه انتقاد کرد . این کار باعث میشود که
دشمنان اسلام ، جمهوری اسلامی راصحه
درگیری کمونیسم و کاپیتالیسم ، با شرق و غرب
تصور کنند .

آزادی ، از شعار تا عمل

روزنامه رسالت با طرح شعار آزادی ، به
فقدان آن در جامعه و رواج خودسانسوری
و دولتی شدن مطبوعات و . . . انتقادات
زیادی داشت . (۵)
عامل سلب آزادی و خودسانسوری
ترس از مجازات و شلاق بی معیار است . باید
دید کسی که شعار آزادی می دهد ، به چه
میزان در جهت مبارزه با عامل سلب آزادی
حرکت کرده است . در مواضع روزنامه
رسالت نه تنها با شیوه های غیر اسلامی
در زندانها که عامل سلب آزادی است
از جمله نقض قانون اساسی ، سلب امنیت
قضایی ، و بیرونده سازی و . . . برخورد نشده
است ، بلکه هنوز هم کسانی که به اعمال
غیر اسلامی در زندانها دست میزنند ،
در این روزنامه تأیید و تکریم میشوند . (۶)
در شرح و تفسیر قانون اساسی به قلم
حجت الاسلام محمد یزدی آمده است :
" حفظ حکومت اسلامی به این سادگی نیست
بلکه راه داریم و آن این است که اگر کسی
در برابر قاضی سکوت کرد و جواب نداد ،
این سکوت به معنای این است که من دادگاه
و حکومت را به رسمیت نمی شناسم . اینک
فردی دستگاه قضایی را قبول نداشته
باشد ، خود یک جرم و گناه است و قابل تعزیر
میباشد ، کسی که در محکمه شرعی حاضر
میشود باید به هر کیفیت صلاح میدانند ،
جواب بدهد . " (۷)

در سرمقاله رسالت مطلبی تحت عنوان
" سران سعودی جهان عرب را بجا میبرند "
نوشته شده است . که با ذکر مواضع عربستان
نسبت به جمهوری اسلامی و حمله بیش از رژیم
عراق ، درگیری با این کشور را اصلی تراز جنگ
ایران و عراق قلمداد نمود . در قسمتی از این
مقاله آمده است : " . . . بنظر میرسد که
مسئولین جمهوری اسلامی قبل از عراق باید
تکلیف خود را با سران مرتجع عربستان
روشن کنند که در این صورت تکلیف رژیم ،
متجاوز عراق ، دشمن صهیونیستی و اشغال
گران قدس هم روشن خواهد شد . " (۹)
در شرایطی که ما توان درگیری در جبهه
دیگری را نداریم ، طرح این شعار چه
ضرورتی دارد ؟ درست است که عربستان
تا بحال با حمایت همه جانبه خود از دشمن
بعثی ضربه های زیادی به ما زده است لیکن
با نیروی داشتن روی بسیج اصولی مردم عراق
قادر خواهیم بود این حمایتها را خنثی و
عقیم کنیم . در مبارزات مردم ایران با رژیم
شاه هم اکثر کشورهای خارجی به حمایت
شاه برخاسته بودند لیکن امام با بسیج
مردم ، حمایت همه آنها را خنثی کردند .
برای بی اثر کردن حمایتهای دولت مرتجع
از صدام میبایست عوامل ثبات رژیم صدام

آقای بادامچیان در مقاله ای تحت عنوان
" جناحها و جناح " به این مضمون گفتند که ما فقط
در مسائل اقتصادی اختلاف نداریم بلکه
اختلاف ماعتقدتی است . (۱۰)
آقای احمد توکلی نیز در یکی از مقالات
گفته اند که تلاشهایی برای نفی فقه صورت
میگیرد و فقه پویا را در مقابل فقه سنتی قرار
داده اند ، همه میخواهند جدا از شرایط
احکام را استخراج کنند و تحویل الوسیله
حجیت خود را از دست داده است . (۱۱)
بنظر میرسد آنچه که مورد بحث
است ، در فقه جداگانه نیست بلکه روشهای
مختلف فقه و استنباط از قرآن است .
حجت الاسلام خامنه ای در سخنرانی مشهد
سال ۶۷ گفتند فقه موجود سیاسی نیست
و سدر حکومت نمی خورد . امام خمینی
نیز در سخنرانی بمناسبت ایام حج بدین
مضمون گفتند که قرآن صرفاً جنبه معنوی
نداشته و راهنمای عمل حکومت و سیاست نیز
هست و توصیه کردند که روی آیات سیاسی
و اجتماعی و جنگی قرآن کار شود
ایشان برای حل مشکلات به قرآن و سنت
آنهم سنت قرآنی انبیاء و ائمه اطهار استناد
می نمایند . بنظر میرسد که تنها به کمک
فقه سنتی چهارده معصوم است که می توان
فقه سیاسی بدست آورد و در فقه تحول
ایجاد کرد .

فقه موجود نیز براساس برداشتهایی که فقها
در طول زمان از قرآن و سنت داشتند
بعرور تدوین شده است . مواضع فعلی امام
نیز چیزی جز برداشت از قرآن و سنت انبیا
و ائمه اطهار نیست . چطور میشود که
تحریر الوسیله که فقه امام است ملاک فقه
قرار میگیرد ولی پیامها و احکام دیگرشان
بعنوان یک نظر با آن برخورد میشود . این
اختلاف نظر نیست بلکه اختلاف در روش
تفه است . آیت الله صانعی در همین زمینه
گفته اند : " امام در همه جا خط مشی دارد
سخنان امام را جمع کنند و بنویسند و پیامهایش
من فکر میکنم به قدر سه دوره " جواهر "
بشود با پیامهایش . آن رساله است ولی
فرقی نمیکند با " جواهر " . منتها " جواهر "
در یک ایام وسیعی که در روز هم بوده
و اما م در ایام یک سلسله مسائلی که
در روز هم بوده ، امروز هم هست ، یعنی
جواهر است ، یعنی سخنان امام را هم
بعنوان یک کتاب فقهی بعنوان تنظیم کننده
حکومت مورد بحث قرار دهید . " (۱۲)

آقای توکلی میگویند تحریر الوسیله حجیت
خود را از دست داده است . تلویحاً این
را میسازند که امام و خط امام به اجرای احکام
اهمیتی نمی دهند در حالیکه اجرای احکام
در کادر نظام امامی و حکومت اسلامی که
زمینه ساز حکومت امام مهدی (عجل)
است ، میگذرد . امام میگویند " حفظ اسلام
از حفظ احکام واجبتر است . " و " حفظ
نظام جمهوری اسلامی یک فریضه است ۳ پس
نه به معنای آن است که اجرای احکام واجب
نیست بلکه تحقق اصل امامت که همان نظام
جمهوری است ، را مهمتر از اجرای احکام
رساله های موجود میدانند . چنانکه
امام حسین (ع) نیز تحقق حکومت اسلامی
و مبارزه با کفر را انتخاب کرده و حج را در کربلا
کامل کردند . در غیر این صورت اجرای احکام

مواضع فعلی اما من نیز چیزی
جز برداشت از قرآن و سنت
انبیا و ائمه اطهار نیست
چطور میشود که تحریر الوسیله
که تفقه امام است ملاک فقه
قرار میگیرد ولی پیامها و
احکام دیگرشان بعنوان یک
نظر با آن برخورد میشود .

در داخل عراق را شناخته و آنها را از بین
ببریم . بنظر میرسد این سه عامل در ثبات
صدام مؤثر است :
اسلام نمایی و جیب نمایی صدام (کفرانسی
اسلامی بغداد ، استناد جنگ به قرآن و سنت ،
بستن مشروب فروشها ، پناه دادن به
فلسطینیها و . . .)
شبهاتی که در بین مردم عراق نسبت به
انقلاب ما بواسطه اعمالی مثل شیوه های
غیر اسلامی در زندانها ، مقابله بعشیلو
اسیر کشی . . . بوجود آمده است .
فقدان فقه سیاسی راهنمای عمل در عراق
که بتوان با رهنمود شیوه گرفتن از آن
مبارزات سیاسی راعقی و گسترش داد .
بنابراین اگر جبهه دیگری باز کنیم ، جنگ
اسلام و کفر تضعیف میشود بخصوص اینکه
خط اسرائیل این است که اعراب را در مقابل
ایران قرار داده تا جنگ راتضاد عرب و عجم
معرفی کند . باید سعی ما بر این باشد که
اعراب به وحدت کامل با صدام نرسند .

آیت الله خزعلی نیز در یکی سخنرانی
علنی در هفته وحدت سال ۶۰ در سبزوار
زین شلاق به منظور اعتراف را تأیید کردند
با توجه به اینکه ایشان عضو شورای
نگهبان هستند ، بهتر است نظر قانون
اساسی را در این مورد ذکر کنیم . در اصل
۳۸ آمده است : " هرگونه شکنجه برای
گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است . "
آیت الله منتظری نیز گفته اند که تعزیر
اسلامی باشکجه بمنظور اعتراف تفاوت
بنیادی دارد .
از آنجا که بقول امام " هدف ما تکلیف است "
در مبارزه با ضد انقلاب نیز نباید مکتوب
و ارزشهای مکتبی زیر پا گذاشته بشود
وقتی در روزنامه رسالت که مورد حمایت
روحانیون بزرگی است به این آسانی زیر پا
گذاشتن ارزشهای اسلامی تأیید میشود
مردم دل سرد نمیشوند ؟ اگر ما نیز " هدف
وسيله را توجیه میکنم " را قبول نداریم ، باید
طوری رفتار کنیم که برای حفظ جمهوری
اسلامی نیز به هر وسیله معنی متوسل نشویم .
آیت الله منتظری که آزادی مطبوعات
و جلوگیری از خودسانسوری را مطرح می نمایند
قبلاً با عوامل سلب آزادی در زندانها
برخورد کرده اند و بهتر شدن وضع زندانها
مرهون زحمات ایشان است .
مسئولان روزنامه رسالت نیز اگر خواهان
از بین رفتن خودسانسوری هستند و آزاد
میخواهند ، بهتر است بطور جدی با این
دیدگاه برخورد کرده و موجبات سلب آزادی
را از مواضع و روابط خود پاکسازی نمایند .
بهتر است آنچه باعث سقوط یک نظام میشود ،

اگر ملاک و هدف فعالیتها
اقتصادی ، استقلال و
خوکفایی کشور باشد این
سئوال پیش می آید که کجا
فعالیت کنیم تا این هدف
بهتر تا مین شود نه اینکه
چه کسی فعالیت کند .

صرف بجز در کادر یک حکومت اسلامی
چه فرقی با حکومت ضیا الحق دارد ؟ که
حکم اولیه ، یعنی " عبودیت خدا و نفی بندگی
غیر خدا و نوکری ابرقدرتها "
را زیر پا گذاشته ولی احکام فرعی اسلامی را
اجرا میکند .
امام تشکیل حکومت اسلامی و حفظ آن را از
آنجا جزو واجبات میدانند که آنرا گامی
در جهت ظهور حضرت مهدی (عجل) به
حساب می آورند و چه عبادتی بالاتر از انتظار
فرج ، یعنی ظهور حکومت جهانی واحد .
(این بحث اجمالی است . به راه مجاهد
شماره ۳۸ ، ویژه نامه " فقه امام خمینی "
مراجعه شود . قبل از رجوع قضاوت نشود)

تحریف تاریخ

نهضت ملی کردن نفت در تاریخ ، نقطه
عطوف در مبارزات ضد اجنبی ملت ایران است
که روزنامه رسالت تا بحال برخورد واقع
بینانه ای با آن نکرده است . راجع به
دستهای مرموز در جریان ملی کردن نفت
و ضربه ای که به نهضت وارد آورد ، تحلیل
و جمع بندی درستی ارائه نداده است . لذا
همان استنباطات و تحلیلهای غیر واقعی
که دولت مرحوم مصدق را به سقوط کشانید
اکنون بشکل دیگری مطرح است و نظام
را تضعیف میکند .

نمونه ای از تحریف وقایع تاریخی
را میتوان در کتاب " نگرشی به نهضت ملی
ایران " دید . بیگفته آقای بهزاد نیروی
۸۰٪ این کتاب را ایشان نوشته اند . چاپ
نوم آن توسط سازمان مجاهدین انقلاب
اسلامی بعمل آمده است . روی جلد عکس
دکتر مصدق و آیت الله کاشانی هر دو چاپ
رسید و مطالب کتاب شامل نقاط قوت
و ضعف مصدق و نیز نقاط قوت و ضعف مرحوم
آیت الله کاشانی بوده است .
چاپ سوم این کتاب توسط جامعه مدرسین
منتشر شده است . توجه شود که حجج اسلام
آقایان راستی ، خزعلی ، شرعی و آذری قمی
از اعضای اصلی این جامعه و نیز هیئت
هیئت امنای رسالت هستند .
تغییرات زیادی در کمیت و کیفیت این کتاب
مشاهده میشود بطوریکه روی جلد تنها
بقیه در شماره ۲۸

نیت تقرب الی الله انجام دهند . اما به سرز بندی در روش و سیستم کمتر توجه دارند . امام خمینی چندی قبل نکته کوتاه ولی پسر محتوایی گفتند که برخاسته از پیشی فراتر از آنچه می شناختیم بود .

خطاب به مسئولین گفتند : تکیه به خدا کنید و به نفت و سلاح تکیه نکنید . یعنی سیستم اقتصادی متکی به نفت و امتیاز با تکیه به حق تعالی دانستند . بعبارت دیگر لازمه تکیه به خدا را تحول در سیستم اقتصادی بوجود می دانند . طبیعی است اگر تکیه به درآمد نفت برداشته شود سیستم جدید و معیارهای جدیدی بوجود خواهد آمد .

یاد رمورد جنگ تکیه به سلاح و ابزار را نافی تکیه به خدا می دانند . این نوع نگرش که ایمان به خدا و تکیه به خدا را در سیستم و روش اقتصادی و نظامی منظور بداریم ، تفاوت بنیادی با سایر متفکرین و عرفا دارد .

۲ - روش تزکیه و خود سازی

وقتی از عارفی سؤال شود که وظیفه مادر این شرایط چیست ؟ بید رنگ پاسخ میدهد : تزکیه نفس و مبارزه با هواهای نفسانی و شیطانی اساسی ترین کار بشر است . راه رستگاری و جهاد اکبر همین است . اگر میخواهی اجتماع و دیگران را اصلاح کنی اول باید خودت را بسازی .

این بزرگواران تد رجا " طالبین راه عبادات فردی و ریاضت سوق می دهند . البته در برخی مقاطع حساس تاریخی بدلیل فطرت عدالتخواه خود در حرکتهای اجتماعی شرکت می کنند اما

در این عمل استمرار و پی گیری ندارند . در این روش خود سازی ، ناخالصی ها و ضعفهای فرد اصالت داده شده و مبنای اعمال او شمرده می شود ، سپس از طریق نفسی و سرکوب آنها سعی می کنند به رشد و کمال برسند . در این روش به وجه اثباتی انسان و فطرت عدل طلب و خداجوی او که عامل محرک وی در همه امور است کمتر به یاد شده و شخص چه بسا در ابتدا به خود آزاری و خود کم بینی دچار گردد .

اما روش امام خمینی این بوده است که ضمن استمرار رگیری با ظالمین به تزکیه و اخلاص تأکید می ورزد . مثلاً ایشان اپرالیسم امریکارا شیطان بزرگ نامید . لذا مبارزه با شیطان نفس جد از مبارزه با شیطان بزرگ نیست . حتی در آموزشها ایشان همانطور که روی جهاد اکبر و مبارزه بانفس تأکید و توصیه می ورزد بحث حکومت اسلامی و ولایت فقیه را نیز در بین حوزه ها و نیروها مطرح می کند .

علا " هم می بینیم بسیاری انسانها در مسیر همین انقلاب متحول شده اند و از فطرت بیرون آمده و آدمهای الهی شده اند .

در این روش استعداد ها و جوهره انسان شکوفا شده و با تکیه به فطرت عدل طلب و خداجوی افراد آنها را در یک عمل صالح همچون جنگ بسیج کرده و در این مسیر است که ضعفها و ناخالصی های افراد مشخص شده و رفع می گردد .

۳ - دید خیر بینی ، دید شریینی
اغلب کسانی که به مسائل عرفانی روی می آورند تد رجا " نوعی نگرش منفی نسبت به جریانات

پیدا می کنند . در مرحله اول در حرکت خودشان و سپس دیگران وجه ناخالصی و شیطانی نفسانی آن عمل نزدشان عمده جلوه می کند . رفتار و حرکات افراد را عموماً " خصلتی و تحت تاثیر هوای نفسی می بینند .

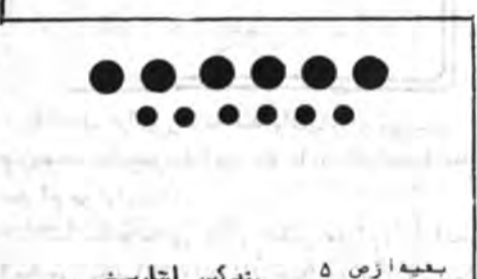
به تاریخ هم تد رجا " با همین زاویه دید نگاه می کنند . می گویند سراسر تاریخ جنگ نفسانیات است . سراسر غفلت و دنیابریستی است . یاد رمورد انقلابات می گویند همه دچار خود خواهی و ضرور بوده اند و لذا الهی نیست . در مورد خودشان هم دائماً " به دیده شک و تردید می نگرند .

این دیدگاه عملاً " موجب یأس نسبت به اصلاحات اجتماعی میگردد . مخصوصاً در شرایطی که حرکت چشمگیری وجود ندارد . ثانیاً " چون با این دیدگاه به افراد نمیتوان اعتماد کرد نتیجتاً " ایجاد هر نوع سازماندهی و تشکل که لازمه اثر اعتماد نسبی در روابط است عملی نخواهد بود .

اما امام خمینی همه انسانها را بنا به فطرت اولیه خدا جو و عدالتخواه می داند و نفسانیات و خصائل ناپسند را حجاب پوششی بر فطرت و عارضی می شمرند .

در طی سخنرانی سال ۵۹ گفتند حتی دزد سرگردنه هم خدا جو است ، کار تر هم بد نبال کمال مطلق است لیکن کمال را غرضی گرفته است . لذا با این تبیین نسبت به همه اقشار یک دید خیر بینی پیدا می شود حتی در افراد منحرف هم زمینه رشد و تعالی دیده می شود . روی همین دید بود که امام خمینی با تکیه بر نیاز فطری و حق طلبی توده ها و اقشار میلیونی آنها را بسیج نموده و متشکل کرد .

۶ - ۶۵/۵/۱۹
۷ - به راه مجاهد شماره ۳۲ مراجعه شود .
۸ - ۶۵/۵/۱۱
۹ - ۶۵/۴/۱۱
۱۰ - ۶۵/۴/۵
۱۱ - در مراسم تودیع از مقام دادستانی
۱۲ - رجوع شود به راه مجاهد شماره ۲۵ مقاله " تحریف تاریخ "



بقیه از ص ۵ پند گیری از تاریخ ...
آمده اند که درخواست کنند اعلام حضرت همان مومن ها منتها می از حرکت منصرف شوند طرف عصر که جمعیت به خانه من آمد معلوم شد اگر دم نرنویسم و بلافاصله پس از ورود اتومبیل حرکت نمی نمودم جمعیت می رسیدند کسانی که ما موریت داشتند کارم را می شناسند از ورودم به خانه چیزی نگذشت که آقای هندی سن سفر کبیر مثل همیشه با آقای علی باغ صالح آمدند و آقای سفره طلبی که محتاج به ملاقات با شده نداشت ... بعد از ظهر روز بعد آقای هندی سن تلفنی صحبت نمود و بیانات ایشان را آقای علی باغ صالح ترجمه نموده قریب به این مضمون بسود " در روز که من از خانه شما رفتم به دربار



استفاده شده و اجازه ندهیم دستهای مرموزی که با توطئه موجبات سقوط دولت دکتر مصدق را فراهم کردند ، برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی ، فعال بشوند . (۱۴)

XXXXXXXXXX

روزنامه رسالت بعد از سخنان امام ، سکوت اختیار کرد . هر چند که پس از آن موضع این روزنامه در رابطه با پرداختن به مسئله جنگ و فعال شدن روی آن ، قابل تقدیر است . لیکن این سؤال پیش می آید که چرا سکوت ؟ اگر انتقاد اصولی داشته ایم باید مطرح شود تا نارسائیهها تصحیح گردد و اگر فقط قطب بندی و تخاصم بوده است ، میبایست نسبت به مواضع گذشته بازنگری عمیق داشت تا اشتباهات تکرار نگردد . بقول امام : " وقتی انسان می بیند نقیصه ای در کار است نصیحت می تواند بکند و نباید هم بکند اما لسان نصیحت غیر از لسان لجن کردن و ضایع کردن است . "

بنظر ما انتقاد اصولی سلامت احزاب و مطبوعات و جامعه را تضمین میکند ولی با ایست به شدت و میزان توطئه ها علیه جمهوری اسلامی هم توجه داشت .

پاورقیها :
۱ - ۶۵/۴/۲۹ - سرمقاله
۲ - ۶۵/۳/۴
۳ و ۴ - به مقاله " مدارس غیر سیاسی انتقاص " ، راه مجاهد شماره ۳۲ مراجعه شود .
۵ - ۶۵/۵/۱۵ - سرمقاله

۴ - قیام آفرینی - یأس استراتژیک
امام خمینی با دید خیر بینی که دارند علیه وجود غفلت ها و آلودگیها در مردم همیشه زمینه رشد حق و قیام به قسط را می بینند لذا به آینده دیدی مثبت دارند .

می گویند در سالهای ۴۰ - ۴۱ از ایشان پرسیده بودند شما با کدام سرباز و ارتش می خواهی جلو دستگاه عظیم شاه بایستی ؟ اشاره کرده بود به کودکان شیرخوار . این اعتقاد که کودکان شیرخوار این زمان سربازان خدا را خواهند خواند بود ، از همان دید خیر بینی ناشی می شود و یک عرفان قیام آفرین است .

در جنگ هم ایشان قاطعانه بر مقاومت پافشاری می کنند ، ولی دیگران نگرانند که ننگ مردم طاقت تیاورند . دیدگاه دیگر حتی در شرایط بسیج هم بیشتر ناخالصی ها را می بیند و امید می دهد تا هم حرکت بیدانی کند . علت اینکه برخی از این عارفان حاکمیت شاه را پذیرفته بودند حتی با برخی در باربان ارتباط برقرار می کردند بنظر می رسد در همین یأس و عدم امیدواری باشد .

نتیجه گیری :
بنظر می رسد موارد فوق ریشه در نگرش و پیش نسبت به انسان دارد . و دینی و پیش نسبت به تفاوت نسبت به ویژگی باید انسان وجود دارد .
همه عاشقان خدا به عرفان روی می آورند اما باید ضمن عشق به پیش مسلح شد که بتوان این عشق را در همه زمینه ها تحقق داد .

تلفن کردم متعرض خانه شما نشوند " و من در جواب گفتم معماً چرا در کا ما دخالت میکنند که گفت ما دخالت نمی کنیم ، گفت همین تلفنی که کرده بد دخالت در امور این کشور میباشد و دیگر چیزی نگفت و مذاکرات صادر همین جا خاتمه یافت .

چند نکته در رابطه با قاتله ۹ اسفند

اولاً قاتله ۹ اسفند توطئه ای بود برای ترور دکتر مصدق ، که هندی سن و شاه نقش عمده ای در آن داشتند و عده ای از علمای و عناصر جبهه ملی و بطور ساده نیتها نه آلت فعل این توطئه شدند

ثانیاً - با وجود حرکتی که عده ای از علمای و عناصر جبهه ملی در این توطئه به لحاظ اجرایی داشتند و مرحوم مصدق هیچک از جزئیات داخلی را عمده نکرده و حتی اسمی از آنها هم نبرد . مصدق در این واقعه طراح و جوهر توطئه ، یعنی هندی سن و شاه را افشا میکنند اما دستور ما بن شیوه اصولی مریتمودی با عد برای نیروهای انقلاب تا در برخورد با توطئه ها کالت دستها را عمده نکرده و به امپریالیزم و ایادی مرموزی که جوهر توطئه میباشد توجه کنند و به برخورد های کینه توزانه با عناصر داخلی کشیده نشوند



بقیه از صفحه ۴ بحران ورکود غرب

گسترش انحرافات اخلاقی و بیماری ایدز رانیز در نظر بگیریم ، بیشتر به یقین می‌رسیم که تمدن غرب پسر از بن بستهای اساسی است و در سراسری سقوط قرار دارد .

ج - بن بست اقتصادی

واقعیت این است که تحولات اقتصادی غرب و آمریکا را باید در سایه رشد انقلابات و نهضتها جستجو کرد و اگر اقتصاد دانسی به عامل نظامی و سیاسی توجه نکند ، نمیتواند اقتصاد دان خوبی باشد .

همه میدانیم بیشترین حجم تجارت جهانی را نفت تشکیل میدهد . کاهش ۲۰ دلاری قیمت نفت پدیده‌های اقتصادی نبوده و آنطور که

بیا شیم با یقین بیشتر در خط مشیمان به منظورهای بی قدس، جنگ دفاعی خود را با کمپ دیویدا دامدهیم و بلاد اسلامی را از بی‌بوغ صهیونیستها آزاد ساختیم و مقدمات ظهور ما زمان و حکومت جهانی واحدی رهبری ایشان را فراهم آوریم .

سردمداران آمریکا نظیر کیسینجر و ریگان اعتراف کرده‌اند ، برای سقوط و زانو در آوردن جمهوری اسلامی بمرحله اجراء آمد . معمولاً فکر میکنیم آب ظاهر ایک کالای اقتصادی است اما قطع جریان آب به اردوگاه امام حسین (ع) در محرم سال ۶۱ هجری ، يك عمل کاملاً نظامی بوده است . اقتصاد دانان کلاسیک جهان فکر میکنند نفت يك کالای اقتصادی است . گرچه در حالت عادی نیز نفت يك کالای اقتصادی نیست ، کاهش قیمت نفت در سال ۶۴ و ادامه آن در سال ۶۵ يك عمل کاملاً نظامی بوده و اقتصاد دانان اگر در متن انقلابات نباشند این پدیده را نمیتوانند درک کنند . بن بست اقتصادی غرب این است که به اعتراف صدای آمریکا " اقتصاد دانان دیگر نمیتوانند تحولات اقتصادی جهان را دنبال کرده و تحلیل نمایند " این اقتصاد دانان کلاسیک حتی نمیدانند به شاگردان خود چه بگویند و به اصطلاح دکانشان تخته شده است .

گرچه غرب در موارد متعددی اعلام کرده است اقتصادش از رونق بر شکوهی برخوردار است . ولی واقعیت اینست رونقها چیزی جز رکود نبوده است . برای مثال از سال ۵۲ به بعد چندین بار نرخ دلار در برابر طلا کاهش ارزش داشته است ، تاجایی که آمریکا رابطه دلار و طلا را قطع نمود . گرچه به ظاهر توجیهاتی در قالب سیاست مالی و پولی ارائه میدهند ، ولی رونق اقتصادی در جهت کاهش ارزش دلار بوده است و ما علت اصلی آنرا رکود ناشی از بی ثباتی فوق‌الذکر غرب میدانیم ما این افول را ناشی از بحران ذاتی غرب

دانسته که انقلابات آن را تشدید نموده‌اند بطوریکه به نقل از یکی از مقالات اقتصادی کیهان " بنظر اهل فن، بحران اقتصادی آمریکا

طی سالهای اوج گیری و پیروزی انقلاب اسلامی ، گروگانگیری و آغاز جنگ تحمیلی از نظر شدت و میزان خسارت حاصل از آن از بحران عظیم اقتصادی آمریکا بین دو جنگ جهانی نیز بیشتر بوده است " و با نقل از رادیو آمریکا " بعد از تصرف لانه جاسوسی قیمت طلا در کل جهان افزایش داشته که بدنیال آن کاهش یافته است .

پس از تشکیل دولت اسرائیل غرب به مدت ۳۰ سال جهت انعقاد قرارداد کمپ دیوید تلاش نمود . قراردادی که سه قدرت بزرگ دنیا یعنی صهیونیسم ، امپریالیسم و ارتجاع عرب را جهت ثبات پایدار و چیساول منطقه به هم پیوند میداد ، ولی پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و منطقه موجب شد این ثبات کمپ دیویدی نیز متزلزل شود ، به طوری که مسئولان اسرائیلی میگویند آن قرارداد داد کاغذ پاره‌ای بیش نیست .

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ، منابع و ذخایر عربستان به عنوان يك ثبات صدساله برای غرب محسوب میشد ولی بعزت رشد و گسترش اسلام (بنیادگرای) ، غرب حتی روی ده سال آینده عربستان هم نمیتواند حساب کند . خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل . بالطبع عدم امید به آینده یا بی ثباتی ، مانع از سرمایه گذاریهای دراز مدت در امریکا و سایر کشورهای جهان شده است .

ریگان کاهشهای اخیر قیمت نفت را به عنوان رونق اقتصادی دانست و به عنوان برگ برنده در انتخابات از آن بهره جست . اما چیزی نگذشت که خودشان گفتند این کاهش قیمت نفت بسیاری از صنایع امریکارا به رکود و تعطیلی کشانده است . اصولاً وقتی امید به آینده نباشد و سرمایه ها تنمین و ثباتی برای آینده نبینند ، سیاست پولی (بالا و پایین بودن نرخ بهره) داد ن اعتباره ضرب سکه و نوسانات قیمتی دلار و سیاست مالی (مالیاتها و گمرکات و ...) دیگر کارایی ندارند چراکه بن بست اقتصادی عمیقتر از این حرفهاست . امام در صحبتهایی که بمناسبت تولد امام رضا کردند جمله‌ای بدین مضمون گفتند که : غرب علیه‌رغم

تلویزیونی آمریکا که تحت عنوان ولایت فقیه صحبت میشود ، مطرح کردند که خمینی خود را جانشین خدا در روی زمین میدانند و لذا ابرقدرتها بطور بنیادی و فلسفی نفی میشوند گرچه امام خمینی خود را نماینده خدا در روی زمین نمیدانند ، ولی با همین برداشت نارسایی که دارند نفی خود را در آن میبینند و بیم آن دارند که اندیشه اعتقاد به امام زمانی که خود را نماینده و وارث برحق زمین میدانند در همه دنیا فراگیر شود . اخیراً برداشتی که از الله اکبر کرده اند این است که خدا بزرگتر است از هر قدرتی ، حتی از امریکا و شوروی ، و در مفهوم الله اکبر که اساس حکمت اسلامی را تشکیل میدهد نفی خود را میبینند و دریافته اند که نه شرقی نه غربی از الله اکبر نشأت میگیرد .

به نظر ما الله اکبر تکبیر خدا (بزرگ شمردن خدا) و تصغیر دشمن (کوچک شمردن دشمن) را در بردارد و امریکائیان این مطلب را عملاً فهمیده اند که خوف ابرقدرتها از دل و ذهن توده های میلیونی مسلمان ریخته شده است و ریختن خوف ، خود مقدمه قیام سراسری می باشد . برای مقابله با جهاد اسلامی و عملیات فدایی ، یکی از اعضای کنگره امریکا گفته بود ، بالاترین مجازاتی که برای راننده کامیون انتحاری میتوان تصور نمود اعدام است در حالیکه این حربه کارایی نداشته و آنها شهادت را اول زندگی نهن خود میدانند اعتراف نماینده کنگره امریکا بدین دلیل است که این فدائیان مسلح به الله اکبرند و الله اکبر نه تنها پیشرفتهای علمی و تکنیکی آنان را در هم میشکند بلکه بڑی بیشتر از همه رتبه‌ها سلاحها و دامنه‌های وسیعتر از قویترین امواج رادیویی آنان دارد .

ه - بن بست متد لوژیک غرب

بن بست اساسی دیگری که غرب بپا آن مواجه است بن بست در متد لوژی و سب روش شناخت میباشد . در همین رابطه يك استاد امریکایی در سالگرد ۲۲ بهمن اعتراف کرد که تاکنون هر تحلیلی که امریکائیان نسبت به انقلاب اسلامی داشته اند غلط از آب در آمده و وقت آن رسیده که در متد لوژی ونحوه

دریک میزگرد تلویزیونی امریکا که تحت عنوان ولایت فقیه صحبت میشود ، مطرح کردند که خمینی خود را جانشین خدا در روی زمین میداند و لذا ابرقدرتها بطور بنیادی و فلسفی نفی میشوند گرچه ما م خمینی خود را نماینده خدا در روی زمین نمیدانند ، ولی با همین برداشت نارسایی که دارند نفی خود را در آن میبینند .

طول و عرضش در اضطراب شدید بسر میبرد .

د - بن بست ایدئولوژیک غرب

اساس ایدئولوژی ابرقدرتها بر استکبار و برتری طلبی استوار است و حتی برای این برتری طلبی ها سعی نموده اند توجیه فلسفی و ژنتیک نیز پیدا کنند . دریک میزگرد

حسین دانسته اند که با عده کمی در مقابل لشکر مجهز این زیاد مقاومت کرده و هتگی شهید شدند تحلیلگر سیاسی دیگری میگفت در جایی که در خاورمیانه اساس همه چیز اسلام است متأسفانه ما امریکائیان به جدایی حکومت از مذهب و اخلاق معتقدیم . لذا نمیتوانیم تحلیل درست از منطقه خاورمیانه داشته باشیم .

در حالیکه منطق ارسطو از ارکان اساسی تمدن غرب و تنها روش شناخت آنهاست . امام خمینی در سال ۶۲ کتابهای ارسطو را عمیقاً زیر سؤال برده و گفتند که کتابهای ارسطویی بوی از آنچه در قرآن کریم دنبال میشود نمیدهد . امام خمینی با این بیانات بین اسلام و تمدن غرب تفاوت بنیادی قائل شدند و با این مزیندی عمیق آیه " وَ لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِيَ الْاَدِیْنِ " از سوره کافرون را مصداق بخشیده اند . یعنی که اسلام و کفر و دین دو آئین و دو روش شناخت کاملاً متفاوت دارند

بیا شیم موقعیت خود را بهتر بشناسیم و ازهای وهوی غرب نهراسیم و بدانیم که امپریالیسم حاضر است با دادن امتیازات بزرگی ما را از حرکتهای بنیادی باز دارد .

بنظر میرسد سید حسین نصر بر همین اساس باشد که اسلام خمینی و طالقانی را اسلام غرب ستیز دانسته و اسلام دیگر متفکرین ایران را با مکمل غرب و یا اسلام مدرنیسم (تابع علم) میدانند سید حسین نصر که قبلاً رئیس انجمن شاهنشاهی فلسفه در ایران بود این مطالب را در سخناری که هدف آن پیدا کردن راه سازشی بین تمدن غرب و تمدن اسلامی بوده گفته است . در این رابطه سید حسین نصر همان سخنار فوق الذکر گفت که : پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ، میزان گرایشات و مطالعات وسیعی که بر روی اسلام در غرب شده ، بی سابقه بوده است . وی اضافه کرد این مطالعات بیشتر تحت تأثیر اسلام افراطی خمینی است .

امام خمینی نیز در پیام حج خود با این بیان که دو عقل و دو شرع تحلیلهای متفاوتی از نهضت حسینی و جنگ موجود ارائه میدهند در حقیقت به مزیندی بنیادی بین دو روش شناخت اشاره کردند . ملاحظه میکنیم که انقلاب اسلامی نه تنها مناسبات بین المللی را در زمینه‌های اقتصادی سیاسی و نظامی تغییر داده بلکه در زمینه های متد لوژیک و روش شناخت نیز موجب تحولات عمیقی شده است .

مشاهده کردیم که غرب در بحران ورکود، وحشت و اضطراب و سراسری سقوط قرار دارد بیایم موقعیت خود را بهتر بشناسیم و ازهای وهوی غرب نهراسیم و بدانیم که امپریالیسم حاضر است با دادن امتیازات بزرگی ما را از حرکتهای بنیادی باز دارد .

آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است ، امام خمینی

مذهب و آزادی

دکتر تقی مکتب‌باشی

انگیزه و هدف :

دست‌های مرموز در نهضت ملی و انقلاب اسلامی سعی دارند با حربه آزادی نیروهای ملی، ملی‌گرا و ملت پرست را حول یک انسجام فلسفی عمیق علیه انقلاب اسلامی - مردمی متشکل نمایند.

اینها مطرح کرده اند که: هر فکر مذهبی انحصار طلبانه، تنگ نظرانه و فاشیسم است و هیچ نوع آزادی را نمی توانند تحمل کنند. دست‌های مرموز سعی دارند با چنین توجیهاتی آزادیخواهان را فریفته و آنها را به تئوری براندازی علیه مذهب و انقلاب و جمهوری اسلامی دعوت کنند.

بنظر میرسد مسئله اینها تضاد خون‌وکلاهی نمی باشد بلکه به پیچیده ترین شکلی با مبانی مکتب اسلام در افتاده اند. اینها میخواهند با ایحاء و دو قطب منسجم و بینا "دو متغذات" ایران را به سمت جنگ داخلی سوق دهند.

دکتر مکتب‌باشی در قسمتی از وصیتنامه سیاسی خود در سال ۵۹ خطاب به مسئولین و اعضاء حزب زحمتکشان مطلبی تحت عنوان رابطه مذهب و آزادی بیان کرده است.

به لحاظ اهمیت استراتژیک و عمومیت داشتن این اعتقاد دین‌دیساری از متفکرین اسلامی و مبارزین و آزادیخواهان آن را بررسی می کنیم.

امیدواریم برخورد دلسورانه ماگامی باشد در جهت :

اولاً : مبارزه با دست‌های مرموز و منطبقاً -

بیشان در نهضت ملی و انقلاب اسلامی.

ثانیاً : مبارزه با "دوقطبی کردن کاذب انقلاب" و "طرابلسی کردن" جمهوری اسلامی.

ثالثاً : جلوگیری از افول مبارزین صادق و آزادیخواهی که با خود آگاه همفکر و هم‌نظر به باقیایی هستند.

رابعاً : معرفی و پاکسازی باندهوادر باقیایی در نظام جمهوری اسلامی، که عمدتاً مسبب شیوه‌های غیر اسلامی نظیر "شلاق بمنظور اعتراف" در زندانها بوده اند.

دیگراسا "انحصار طلب هستند و برای خارج عشقشان هیچ حقی قائل نیستند" صفحه ۱۳۱ کتاب افول یک مبارز در رابطه با این بخش از وصیتنامه نکاتی بنظر میرسد که در ذیل می آوریم.

الف - آزادی فراگیرتر از مذهب است. دکتر تقی مکتب‌باشی سعی دارد با بیان اعتقاد خود نسبت به آزادی و مذهب پیروان خود را به این نتیجه برساند که آزادی کلی‌تر و فراگیرتر از مذهب است. چرا که یک آزادیخواه مترقی و روشنفکر است و به عقیده افراد مذهبی احترام می‌گذارد. اما یک فرد مذهبی متعصب بوده و خود را در قید و بند احکام خشک و بی‌چون و چرای رساله‌ها محصور کرده است و همین امر مانع احترام گذاردن به آزادیها و عقیده دیگران میشود.

ب - تشبیهت رندانه رهبری دکتر تقی مکتب‌باشی احساس می‌کند که در جامعه اسلامی ایران وحتى در بین اعضاء حزب زحمتکشان عقاید غیر مذهبی و بیایگامی ندارد. لذا در مدبر می‌آید توجیهی برای برتری و امتیاز خود نسبت به مسئولین و اعضاء حزب زحمتکشان بنماید.

وی خطاب به اعضاء حزب می‌گوید شما عشق مذهبید و من عاشق آزادی هستم، از آنجا که

دکتر تقی مکتب‌باشی : من عاشق آزادی هستم عده‌ای از شما عاشق مذهب هستید. عشق شما را درک می‌کنم و به شما احترام می‌گذارم چون طرفدار آزادی عشق هستم و تفاوت عشق به آزادی با عشقهای دیگر این است که عاشق آزادی عشقهای دیگر را درک می‌کند و به آنها حق می‌دهد. ولی عشقهای دیگر اساساً "انحصار طلب هستند و برای خارج عشقشان، هیچ حقی قائل نیستند.

در این رابطه مشتاق برخورد با عقاید و آراء دیگران نیز هستیم. از خداوند متعال می‌خواهیم آخرو عاقبت ما را بخیر گردانند.

در بررسی علل انحراف فکری دکتر تقی مکتب‌باشی و با مطالعه وصیتنامه سیاسی او به این نتیجه رسیدیم که اصلیترین علت انحراف عقایدش نسبت به رابطه مذهب و آزادی است. بنظر می‌رسد این اعتقاد دین‌انگرا که مل رفتار و کردار او در نهضت ملی و انقلاب اسلامی باشد.

مذهب و آزادی در وصیتنامه مکتب‌باشی

بخشی از وصیتنامه سیاسی دکتر تقی مکتب‌باشی خطاب به مسئولین و اعضاء حزب زحمتکشان : "... من عاشق آزادی هستم ... عده‌ای از شما عاشق مذهب هستید، عشق شما را درک میکنم و به شما احترام می‌گذارم چون طرفدار آزادی عشق هستم و تفاوت عشق به آزادی با عشقهای دیگر این است که عاشق آزادی عشقهای دیگر را درک می‌کند و به آنها حق می‌دهد ولی عشقهای

مواضع دکتر تقی مکتب‌باشی قاطعانه حکم کنیم که نیت او در نزدیکی با آیتا... کاشانی جذب آن مرحوم در خط سیاسی خود بوده و به یقین میتوان گفت که نیت او "سو" استفاده از آیتا... کاشانی در جهت منافع رهبری طلبانه خود بوده است. او مرموزانه با تلاش شبانه روزی خود توانست مرحوم کاشانی را در برابر مرحوم مصدق علم کرده و موجبات کودتای ۲۸ مرداد را فراهم نماید بطوریکه مصدق و کاشانی هر دو مظلوم واقع شدند و تقی مکتب‌باشی هم رهبری نرسید. بلکه در این میان دربار روکنرسیوم بوده که از شیطنتهای او سود جست.

د - تئوری براندازی باقیایی در برابر نظام جمهوری اسلامی

بخشی دیگر از وصیتنامه سیاسی دکتر تقی مکتب‌باشی : " ... بطور خلاصه یک چیزی بهتون بگم با دگاری باشد براتون که زشتترین و کبریه ترین دیکتاتوری... های دنیا دیکتاتوری آخوندی بوده من تا ریخ دیکتاتورها را چون خیلی ارادت دارم به همه دیکتاتورها، خیلی مطالعه کرده‌ام از سه هزار سال پیش تا حالا واقعاً زشتترین دیکتاتورها، دیکتاتوری آخوندی بوده که به اسم مذهب و به اسم خدا، خدا میداند چه کرده اند.

... ما به جمهوری اسلامی رای دادیم نه به حکومت آخوندی..."

در اینجا تئوری براندازی دکتر تقی مکتب‌باشی در برابر نظام جمهوری اسلامی مشخص می‌گردد. جمهوری اسلامی که یک جمهوری مذهبی است به اعتقاد دکتر تقی مکتب‌باشی بدترین شکل دیکتاتوری می‌باشد طبیعتاً "دکتر تقی مکتب‌باشی جمهوری اسلامی را بدترین دیکتاتوری پهلوی دانسته و متعاقباً "مبارزه‌ای شدیدتر از مبارزه با شاه را با آن لازم میدانند که چه شاه، مبارزه‌ای نداشت و در دفاعیات خود گفت من به سلطنت رانجات دادم.

ملاحظه می‌کنیم که اختلاف دکتر تقی مکتب‌باشی با جمهوری اسلامی بر سر نحوه پیاپی شدن و اجرای اصول اسلام نبوده بلکه ایشان با نفس جمهوری در تضاد می‌باشد و علیرغم ادعای او که می‌گوید ما به جمهوری اسلامی رای دادیم نه حکومت آخوندی، می‌بینیم که ضد آخوندی نبوده بلکه محتوای حکومت مذهبی را قبول ندارد و منشأ او اولویت دادن آزادی بر مذهب است.

دوقطبی کاذب آزادیخواه - مذهبی

دکتر تقی مکتب‌باشی می‌گوید : اصولاً از مذهب آزادی در نمی‌آید و آزادی و مذهب را دو مقوله متضاد معرفی می‌کند و با این ادعا سعی می‌کند همه کسانی را که آثار مانع از آزادیخواهی است به یک قاطعیت و انسجام فلسفی وضی در برابر هواداران حکومت اسلامی برساند.

او با مارک دیکتاتوری و انحصار طلبی و فاشیسم، به هرگونه حکومت اسلامی، زمینه یک جنگ داخلی را فراهم می‌کند که یکطرفش ملی - گزافانه، نهضت آزادی و آزادیخواهان دیگر و طرف مقابل آن معتقدین به حکومت اسلامی هستند می‌بینیم که "باقیایی برای ادعای

ج - دکتر تقی مکتب‌باشی و مرحوم آیتا... کاشانی اعتقاد عمیق دکتر تقی مکتب‌باشی را در برتر تقدیم آزادی بر مذهب، موضعش را نسبت به مذهب و رهبران مذهبی مشخص می‌کند و می‌داند که در زندگی سیاسی و همچنین در وصیتنامه سیاسی خود بارها مراتب وفاداری لفظی خود را به آیتا... کاشانی نشان داده و ضمن انتقاد از امام خمینی و مرحوم آیت الله طالقانی، آیتا... کاشانی را تنها روحانی مورد احترام میدانند حال ما می‌توانیم با نگرشی عمیق تر به

خود دلیل مستدل و محکمی ارائه نمیده‌د. و صرفاً "احصایات خود را بیان می‌کند. تئوری دکتر تقی مکتب‌باشی در برابر حکومت اسلامی عملاً تبدیل به یک دوقطبی کاذبی میشود که در آن میان تنها امیرالیم و ابادی مرموز سودبرده و بغراموشی سیرده میشود. هم‌اکنون که پرونده دکتر تقی مکتب‌باشی به اتهام شکنجه و قتل سرلشکر افشار طوس در مجلس شورای اسلامی مطرح شده است آن وقت اگر جا مع به دوقطبی کاذب تبدیل شود و با عین طرابلسی لبنان گسرد تنها از این قضیه عوامل کودتای ۲۸ مرداد سودبرده و بغراموشی سیرده میشود.

فراگیری از اصول فلسفه و منطق یونانی غرب است

اعتقاد دکتر تقی مکتب‌باشی مبنی بر فراگیری آزادی نسبت به مذهب، خواستگار مکتبی‌خاد و شأ ت گرفته از تعالیم قرآنی نیز نمی‌باشد. بلکه افکار ایشان دقیقاً "بر اساس فلسفه و منطق یونانی غرب استوار است و علیرغم آنچه معروف است مجموعه فلسفه و منطق یونانی مبنای ماتریالیستی و احساسی دارد نه عقلی. ایشان به فلسفه کلی و اصل فراگیری در

دکتر تقی مکتب‌باشی می‌گوید : اصولاً از مذهب آزادی در نمی‌آید و آزادی و مذهب را دو مقوله متضاد معرفی می‌کنند و با این ادعا سعی می‌کند همه کسانی را که آثار مانع از آزادیخواهی است به یک قاطعیت و انسجام فلسفی وضی در برابر هواداران حکومت اسلامی برساند.

آن فلسفه استناد کرده و می‌گوید آزادی فراگیرتر از مذهب بوده و بالنتیجه آزادی اصالت داشته و یک مذهبی باید رهبری یک آزادیخواه را بپذیرد. چرا که در فلسفه کلی آنچه فراگیرتر است حق‌تر است. ایشان بنیاد - های فکری خود را در آموزشگاههای غرب دریافت نموده و معلوم است که چه برداشتی از اسلام و مذهب خواهد داشت.

حال سئوالی مطرح میشود و آن اینکه با اعتقاد به حقانیت فراگیری، اگر به درون قوم لوط برویم آیا جز این است که حضرت لوط را دیکتاتور و فاشیست و انحصار طلب تلقی می‌کنیم و تما یلات اکثریت قوم را حق قلمسداد می‌کنیم همچنین اگر به درون اسرائیل برویم جز این است که اسرائیل را سرزمین آزاد و آباد تلقی کنیم و فلسطینیها و امام خمینی را دیکتاتور و فاشیست بدانیم.

مذهب با وج آزادی است

اکنون این سئوال اساسی مطرح میشود که وقتی خداوند به شیطان دشمن قسم خورده خود آزادی می‌دهد مذهب چطور میتواند ضد آزادی و انحصارگر باشد؟ یک فرد مذهبی برای آزادی دادن آرامش بیشتری دارد تا یک آزادیخواه چون یک مذهبی به رشد و جهت هدفدارتاریخ و حاکمیت جامعه توحیدی امام زمان معتقد است لذا مذهب یون آرامش و طمأنینه بیشتری برای آزادی دادن

بقیه از ص ۳۰ مذهب و آزادی

دارند، حتی آزادی به دشمن قسم خورده خود اما از طرف دیگر یک آزادیخواه دامن "در اضطراب بستمیرد که مبادی عقیده دیگری بر عقیده اش غلبه کند مضطرب است که مبادی دیگری میرا زواحا کم شود و آزادی او را محدود کند. اما یک فرد مذهبی در هیچ شرایطی آزادی و حریت خود را از دست نمی‌دهد چون آزادی او منافی الهی دارد و هر چه در راه آزادی او بشکند و به خدای خود نزدیکتر شود هر چند متحمل سختی و مصیبت زیاد می‌گردد اما باز خود را آزاد احساس می‌کند. چون اسیر و بنده هیچ‌کس جز خدا نشده است.

مذهب مقدم تر و فراگیرتر از آزادی است

قرآن ویژگی‌ها را بنا بر خدا جویی و حق طلبی را فطری و فراگیری دادند. در این رابطه امام خمینی در تفسیر الحمد و گوید گفتند: «معاذ الله! خدا جویی و حتی "کارت" هم خداجو است».

عاشق مذهب در عشق به آزادیها هم فراگیرتر از یک آزادیخواه عمل میکند. یک فرد مذهبی، آزادی را از متن اصلیترین اعتقادش یعنی از بندگی خدا و لا غیر دری آورد لذا تا پای جان هم آزادی دفاع میکند. اما حسین(ع) که در اوج عرفا ناست (دکتر بقایی در وصیتنامه اش به او اراادت و رزیده) سرور آزادگان نیز هست و همه آزادیخواهان جهان به او تاسی می‌جویند. آن حضرت گفته‌اند بنده دیگری می‌باش خدا تو را آزاد آفریده است در کلام ما حسین تقدم عرفان و مذهب را نسبت به آزادی می‌بینیم، نتیجه می‌گیریم آن کس که مذهبی است آزادیخواه هم هست ولی یک فرد آزادیخواه الزاما "مذهبی نیست".

زمینه‌های تصور بقایی از مذهب در جا مع

البته باید توجه شود که صحبت‌های بقایی بدون زمینه نبوده و در بین مذهبی‌ها و روحانیون افرادی هستند که معتقدند حلال و حرام و مستحب و مکروه و خلاصه احکام را شرع مقدس معین کرده و

ثوری دکتر بقایی درباره حکومت اسلامی عملاً تبدیل به یک دو قطبی کا ذبی میشود که در آن میان تنها امپریالیسم و ایسادی مرموز سود برده و بیفرا موسی سپرده میشوند.

لزومی به مشورت و بر خورد آراء و آزادی و آزادی اندیشی نیست. اینها حتی اجتهاد درنده و انقلابی راه قبول ندارند و معتقدند اجتهاد: کا ر علم است که هر روز چیز جدیدی کشف میکند. در حالیکه مذهب عبادت است از مجموعه ای از احکام ثابت و خشک و لازم الاجرا و بدین سان بسبب اجتهاد و آزادی اندیشی را که جوهر مذهب است خفه می‌کنند و بسا یک دیکتاتور می‌خواهند حکمی داده تا دیگران اجرا کنند و اهل آموزش و توضیح و دلیل و برهان هم نیستند اینها کسانی بودند که هم اساس مجلس شورای ملی را

خدا وند فلسفه خلقت جن و انس را در قرآن ندگی خدا و نه غیر خدا دانسته و این مطلب و ج آزادی است. یک مذهبی به علت آزادیگش و ترسیدن از غیر خدا:

اولاً - مجتهد و آزادی اندیش می شود. ثانیاً - با اسیر قدرتهای ظلم و جور دیگر میشود. در حالیکه آزادیخواهی بمعنای غری آن چنین مبارزه ای در نمی‌آید.

ثالثاً - از آنجا که مذهب ویژگی پایدار انسان را خدا جویی میدانند و شیوه خدا آزادی دادن به دشمن قسم خورده اش می‌باشد لذا یک

بقیه از ص ۳۴ ریشه سیاسی انحلال سازمان ...

بعنوان مسئله اصلی دامن تأیید می‌کردند و چون ادامه جنگ و کار دولت از نظر سیاسی عقیدتی مخالف خط این سازمان بودند آنها مجبور به انحلال خود شدند و جوانان صادق سازمان نیز در این خط فعال شدند.

ما از اعضای سازمان می‌خواهیم برای اینکه دوباره به انحراف در خط مشی دچار نشوند انتقادی بیادبی و سیاسی ایدئولوژیک از مواضع خود در گذشته داشته باشند و مشخص کنند که چرا در نهایت با امام به دو خط مشی مختلف رسیدند و سعی کنند در آینده وحدت ایدئولوژیک و خط مشی خود را با امام بیشتر کنند.

سؤال و مطالبی چند پیرامون انحلال سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

۱- درباره استعفا - حجت الاسلام راستی یکی از دلایل استعفای خود را بیماری و اشتغالات در حوزه بیان کردند، سؤال ما این است که با وجود این دو دلیل، اولاً - ایشان چگونه مسئولیت تشکیلاتی جدیدی در بنیاد رسالت پذیرفتند؟

انقلاب مشروطیت رد می‌کردند و هم حالا اساس مجلس شورای اسلامی را رد می‌کنند و می‌گویند احکام شرع مشخص است و اگر خیلی متبا زبند مجلس را صرفاً "مجلسی برای تبادل اطلاعات می‌دانند بنظر میرسد این زمینه‌ها بی که در سسری روحانیون وجود دارد، در شکل‌گیری افکار بقایی موثر بوده است.

ما یقین داریم که اسلام و ج آزادیگه است و به دشمن قسم خورده هم آزادی می‌دهد و اگر نقطه نظرهای انحصار طلبانه‌ای، در معارف اسلامی نفوذ کرده باشد چیزی جز نفوذ فلسفه و منطق یونانی ارسطو نیست. که برخی آن را مقدمه معارف و احکام اسلامی و کلید فهم قرآن می‌دانند اگر نه الگوهای اسلام انبیا و ائمه اطهار و زندگیشان روشن است و حتی رگه‌ای از تنگ نظری و دیکتاتوری در آنها دیده نمی‌شود

پایگاه ثنوری در برخی متفکرین مذهبی

در آن طرف قضیه عده ای از متفکرین اسلامی که آزادیخواهان مذهبیان نیز هستند با استاد به آیات قرآن و روایات نا خود آگاهانه به آزادیهای نفسانی مشروعیت می‌دهند. بعنوان مثال یکی از متفکرین مذهبی معتقد است در داستان آدم علیه السلام وقتی آدم به درخت ممنوعه نزدیک شده و از آن می‌خورد، طعم آزادی را می‌چشد و لذا این درخت را درخت آزادی می‌نامد. در قول دیگری بین درخت را درخت آگاهی هم قلمداد کرده‌اند.

نتیجه این می‌شود که آزادی و آگاهی بسا بندگی و اطاعت از خدا و بسا نتیجه مذهب مغایرت دارد. چرا که خدا به آدم دستور اکید داده بود که به درخت نزدیک نشود.

ما گفتیم بندگی خدا و ج آزادیگست در حالیکه در برداشت فوق به آزادی غربی و گاهی غربی یعنی به اساس تمدن غرب مشروعیت داده است.

همچنین می‌گویند اگر خدا نمی‌خواست انسان

آنها نگرفته. بفرز نیز که حجت الاسلام راستی حق اظهار نظر در برابر نص صریح امام را هم داشته باشند، ایشان نماینده امام در سازمان بودند نه در سپاه و سپاه وظیفه ای در این مورد نداشت.

البته ما معتقدیم چون دفاع امری واجب است و حتی نیازی به فتوی امام هم ندارد بنابراین همه افراد و گروهها حق شرکت در این دفاع مقدس را دارند. بحث ما بر سر این است که چگونه سپاه اجازه شرکت افراد يك گروه را در جبهه میدهد ولی گروه دیگری مانند نهضت را از رفتن به جبهه منع میکند؟

قابل ذکر است که آقای راستی جبهه رفتن اعضای سازمان را علت اصلی انحلال معرفی نموده‌اند. در حالیکه وجود آنها در نهادهای و ارگانها مسئله ای برایشان بوجود نیامده است. در حالیکه نص صریح امام در مورد عضویت اعضا در نهادها و ارگانها بوده و نه جبهه رفتن و دفاع کردن. اگر منظور اسلام جبهه رفتن بود پس حجت الاسلام خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی و آقای عسکروا لادی و ... چون عضو حزب جمهوری اسلامی هستند نباید به جبهه بروند!

مسئله دیگری که وجود دارد این است که در حالیکه هم اکنون سپاه با جبهه میهنی گرد متحد شده و در جبهه ها عملیات میکنند چگونه از جبهه رفتن افراد گروههای مذهبی که در انقلاب و جنگ فعال بوده‌اند جلوگیری بعمل می‌آورند؟

به درخت ممنوعه نزدیک شود ا را ده خدا بسرا و غلبه می‌کرد و نزدیک نمی‌شد.

یک نظریه دیگر هم در بین مسلمانان وجود دارد که می‌گویند اگر در کنار آزادی و آگاهی غرب یک کتاب مثنوی هم باشد دیگر اختلافی بین تمدن اسلامی و تمدن غربی نیست.

بطور خلاصه یک دیدگاه نزدیک شدن به درخت ممنوعه و چشیدن آن یعنی نافرمانی از خدا را یک پدیده مترقی می‌دانند در حالی که حضرت آدم آنرا ظلم به نفس دانسته و بسا طرف آن در پیشگاه خدا توبه نمودند. البته آنها که این پدیده را مترقی می‌دانند در خسران و زیان بسر می‌برند امیدواریم صاحب نظران در این مقوله گامهای بزرگتری بردارند.

در خاتمه: تعجب اینجا است که دکتر بقایی از یکسو شاعر میدهد ما برای راستی و آزادی قیام کرده ایم و از طرف دیگر در شکنجه و قتل تیمسار افشار طوس دست داشته و حلال گمان کرده و دروغ می‌گوید.

آری "آزادی" در قاموس او یعنی شلاق بمنظور اعتراف و آزادی برای کودتا و راستی در قاموس او یعنی دروغ، کتمان و تحریف تاریخ. بسا طرف نقطه قوتها و سوابق رزمندگی اش آخرین دعای مادر حق او اینست که قبل از آنکه در پیشگاه عدل الهی حاضر شود در این دنیا گذشته اش را روشن کند و دست داشتن خود و یاران اش را در قتل و شکنجه و تحریف تاریخ اعتراف نموده و جبران نماید. چرا که هر عقوبت دنیوی موقت، محدود و قابل تحمل است.

کافی است برای لحظه ای فار "تلو" و شلاق و جسد شکنجه شده افشار طوس را به پیش چشم آوریم ما از امام و آیتا... منتظری می‌خواهیم آنها که عضو نظام هستند و با دکتر بقایی رابطه تشکیلاتی داشته و با در صداقتا و شکی ندارند و خط فکری او را دنبال میکنند با برخورد سیاسی و ایدئولوژیک، زمینه هدایت آنها را فراهم کنند در غیر این صورت از درون نظام پاکسازی شوند.

۳- هشدار: حجت الاسلام راستی بهتره

بود بجای انحلال سازمان آنها در خدمت عمل صالح زمان یعنی جنگ بسیج می‌کردند و همه افراد سازمان را در این زمینه فعال نموده و به جبهه اعزام می‌کردند. در حالیکه با انحلال سازمان، افرادی که به جبههها پیوسته‌اند احتمال دارد بصورت تشکیلاتی باند های ناشناخته و بدون هیچگونه نظارتی در نهادها و مراکز حساس باقی مانده و عمل کنند که این موضوع به مصلحت انقلاب نیست و حتی خود آقای راستی نیز نیروی خود را پیش از این در خدمت جنگ اسلام و کفر و شیطان قرار میدادند تا دوباره عملکردشان در جهت تضعیف دولت و انقلاب اسلامی قرار نگیرد.

۴- درخواستی از حجت الاسلام راستی:

به تواتر شنیده شده است که حجت الاسلام راستی، بطور شفاهی در مورد زدن شلاق برای گرفتن اعتراف، فتوا داده‌اند. چون این مسئله در سطح جامعه مطرح است ما آنرا منعکس می‌کنیم و از ایشان درخواست می‌کنیم چون به مسائل زندانها آشنایی دارند به تفصیل در روزنامه رسالت و یا جای دیگر توضیح دهند و نظرات خود را در مورد قانون اساسی در این مورد بیان کنند و اگر حکم ثانویه ای نیز وجود دارد آنرا مطرح نمایند. ضمناً می‌خواهیم در مورد رهنمودهای خود به مسئولین زندان و بازجوها توضیحات کافی بدهند.

پاسخ به خوانندگان

عده‌ای از خوانندگان عزیز راه مجاهد، خواستار معرفی نهضت مجاهدین و اساننامه و مرامنامه آن شده اند.

توضیح مختصر اینکه، جمع نهضت مجاهدین را گروهی از اعضای سابق سازمان مجاهدین خلق ایران بوجود آورده اند. این عده پس از ضربه سال ۵۴ سازمان و مارکسیست شدن عده ای از اعضای سازمان به این جمع بندی رسیدند که علت اصلی ضربه را باید در آموزشهای سازمان جستجو کرد. در حالیکه جریان رجوع معتقد بودند که ضربه، صرفاً ناشی از کودتای افراد فرصت طلبی مانند تقی شهباز بوده است لذا در صدد رفع ناراحتیهای آموزشی درون سازمان برنیامدند و نتیجه آن همین انحراف بزرگی است که تشکیلات رجوعی در شرایط فعلی انقلاب دچار آن شده است.

جمع نهضت مجاهدین در زندان بکار ایدئولوژیک سیاسی خود ادامه داده و به نتایج و دستاوردهای بسیار خوبی نیز رسیدند. شیوه جمع این بود که با مطرح نمودن نقطه نظرات خود اختلافات ایدئولوژیک استراتژیک را از طریق برخورد های فکری حل کنند و لسی رجوعی و افرادش مارکها و تهمتهایی در سطح زندان و خارج از زندان پخش مینمودند.

آنها سعی داشتند انحرافات ایدئولوژیک و بن بستهای آن، برای افرادشان روشن نشود لذا دستور دادند کسی با جمع نهضت تماس نگیرد و حتی جواب سلامهای ما را نیز ندهد تا بدین وسیله بتوانند همان آموزشهای چپ زده بعد از سال ۵۰ را که منجر به ضربه ۵۴ شد به خورد جوانان مابدهند و از طریق منزوی کردن این جمع، کسی نباشد که با قبول ارزشهای مجاهدین به آنها انتقاد کند. بالاخره این جمع در زندان از مسعود رجوعی جدا شدند و پس از خروج از زندان نیز انتقاد های بنیادی خود را به

تشکیلات و افکار رجوعی اعلام داشتند.

پس از خروج از زندان، جمع، عمل صالح خود را در تحکیم انقلاب و مبارزه با ساواک و عوامل و ایگانه های امپریالیسم در ایران قرار داد و بعداً به این جمع بندی رسیدند که نیاز اصلی انقلاب کادرهای همه جانبه و لزوم تدوین یک ایدئولوژی و استراتژی منسجم و مقام و بدون است لذا دست به انتشار دستاوردهای خود زده و کتابهای: مکتب راهنمای عمل و شرح آن وجود یابنا و شرح آن سازماندهی و مکتب (۸ وجه مبارزه مسلحانه) تازمانه تکامل (تحلیل علل ضربه سال ۵۴) و... زدند. بعضی از این کتابها تحت عنوان "اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران مستقل از جنبش ملی مجاهدین" منتشر شد. ولی بعداً در اردیبهشت سال ۵۹ طی اعلامیه ای نام جدید را اعلام کردند:

"از آنجایی که جنبش ملی مجاهدین به صورت یک نظام بوروکراتیک و غیر دمکراتیک و رفورمیست درآمده و با مرتجعین لیمسرال و خرده بوروازی راست نیز پیوند خورده است و در ایدئولوژی هم به سمت ارتجاع ارسطویی و روزنویستی گرایش پیدا نموده و بدون شک از راه مؤسسون سازمان عدول کرده اند، لذا ما بعنوان یک نهضت در برابر این نظام و بکار خود تمام بخشیده و راه مکتبی و خونبار محمد، سعید، اصغر و صمدیه را تحت عنوان (نهضت مجاهدین خلق) با همان علامت و آرم ادامه میدهم."

فعالیتهای نهضت مجاهدین پس از انقلاب نیز چنین بوده است:

مبارزه با توطئه تجزیه طلبی علیه انقلاب و مبارزه با پایگاههای سلطنت، حمایت فعال از حمله شجاعانه به لانه جاسوسی و همچنین شرکت فعال در دفاع مقدس که ۱۵ نفر از

اعضای آن در این جنگ به شهادت رسیدند

مواضع نهضت مجاهدین در مورد مسائل مختلف جامعه را تا حدی میتوان از مقالات و نوشته های راه مجاهد دریافت.

ضمناً اساننامه و مرامنامه نهضت تحت عنوان "راه مجاهد کدام است" در شماره های اولیه راه مجاهد به چاپ رسیده است که امیدوارم موفق به چاپ مجدد آن بشوم.

یکی از خوانندگان راه مجاهد سوالی در رابطه با جنگ مطرح نموده اند که به ترتیب به آنها پاسخ میدهم.

سری جنگ چیزی جز شهید، معلول، ویرانی و... بدنبال ندارد چگونه قابل توجیه است؟

ج - جنگ در عین حال که شهید، معلول ویرانی و... به همراه دارد، دستاورد های دیگری برای جبهه حق دارد. مقاومت اصولی ما در جنگ ضامن استقلال ماست و این کم چیزی نیست. ثانیاً ساخته شدن کادرهای انقلاب در مسیر همین مبارزات انجام میشود. در رابطه با حقانیت انقلاب اسلامی و جنگ و برکات آن مقالاتی قبلاً چاپ شده امیدوارم مراجعه بفرمائید.

س - انسانها برای زندگی آفریده شدند نه مردن، در حالیکه جنگ باعث کشتار انسانها و نابودی زندگی است.

ج - در اسلام نه اصل بر زندگی است نه بر مردن بلکه مهم نحوه زندگی کردن و نحوه مردن است. اصل تکلیف الهی و عمل به آن است که زندگی و مرگ در عمل بدان عین سعادت است. امام علی (ع) میفرمایند:

الحيوة فی موتکم قاهرین و الموت فی حیاتکم مقهورین، زندگی در مرگ پیروزمندانست و قهرمانان است و مرگ واقعی در زندگی ذلت بار است. یا گفته مشهور امام حسین (ع) که انما الحیوة عقیدة و الجهاد (زندگی همانا عقیده و جهاد در راه آن است) نشان میدهد که باید بدنبال چه نوع زندگی کردنی رفت.

مردنی که در اسلام مطرح است شهادت است و این مرگی است که انسان آنرا آگاهانه انتخاب نموده است. طبق گفته شما اگر انسان برای زندگی کردن بدنبال آمده نه مردن پس مرگ حق نیست در حالیکه مرگ و زندگی بدست خداست و هر دوی آنها حق هستند.

س - امام حسن (ع) فرموده اند، آنکه گذشتش بیشتر باشد نصرت می یابد. به نظر آنکه صداقت به ما ستم کرده باشد در حالیکه اکنون پشیمان است آیا ما نباید گذشت داشته باشیم؟

ج - اولاً - سند روایت نقل شده از امام حسن (ع) در کجاست؟

ثانیاً - صحت و سقم هر روایتی باید مورد بررسی قرار گیرد.

ثالثاً - در صورت صحت روایت باید شرایطی را که امام این سخنان را فرموده اند نیز مورد بررسی قرار گیرد.

رابعاً - متأسفیم از اینکه شما هنوز ستم صدام را باور نکرده اید او جنگ را شروع کرده و قصدش تصرف قسمتهایی از خاک ایران و سرنگونی انقلاب طی یک هفته بوده است. دیگر اینکه کی و در کجا صدام اعلام پشیمانی کرده و از خود انتقاد نموده است؟

آیه ۶۱ سوره انفال میگوید: وَإِنْ جُنْحُوا لِلْإِسْلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. و اگر گرائیدند به صلح پس بدان گرای و توکل کن بر خدا که اوست شنوای دانای.

ملاك جَنَحُوا لِيَسْتَ؟ هر کس که بگوید صلح کنیم واقعا گرایش به صلح پیدا کرده است؟

سلم چیست و فرقی با سازش چیست؟ وقتی عراق در سرزمین ما بود شعار صلح هم داد کار او حيله ای بود برای ساختن استحکامات و مسلح کردن بیشتر خود. سلم یعنی تسلیم شده به حق، شرایط ماحق است، عقب نشینی و محاکمه متجاوز و برداخت فرات، در حالیکه هیچیک از این شرایط را صدام در آن موقع عمل نکرده بود و شعار صلح میداد و معلوم بود توطئه است. هم اکنون وقتی کسسه او از خود انتقاد نکرده است فرصت دادن به نفع اوست. سلم کمپ دیویدی داریم و سلم اسلامی. اینها با یکدیگر فرق دارد. سلم یعنی اینکه حالت جنگی از میان برود و در حالت صلح و آتش بس باشد. ما تا بحال نشنیده ایم که صدام از خود انتقاد کرده باشد و خود را تجاوزگر بداند. در جنگ صفین حضرت علی (ع) صلح طلبی معاویه را قبول نکردند ولی دیگران صلح را به امام تحمیل کردند، خواست قلبی امام ادامه جنگ با معاویه بود. حضرت علی (ع) به صلح خواهی معاویه اطمینان نکرد و دیدیم که پس از امضای قرارداد، مسلمانان چه ضرباتی خوردند.

مجله لایحه

توسط نهضت مجاهدین خلق ایران

زیر نظر شورای نویسندگان
مباحثات و مدیریت مسئول
مهندس لطف الله میثمی

صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ چاپ آشنا

این سی و نهمین شماره راه مجاهد است که با اهداف مذکور در آئین نامه منتشر شده است.

کلیه اشتقاقات و پیشنهادات و طرحهای خود را در جهت بهتر شدن کیفیت نشریه، هر چه سریعتر در اختیار ما قرار دهید.

با تشکر راه مجاهد

جروا در حسی انتشارت راه مجاهد

جمهوری اسلامی ایران

آزمایشگاه علمی

پژوهش و تحقیقات علمی

پروژه علمی

تربیت و پرورش

مطالعات علمی

مطالعات علمی

مطالعات علمی

نمونه اشتراک

از کلیه برادران و خواهرانی که علاقه مند به اشتراک نشریه "راه مجاهد" هستند، خواهشمندیم تقاضای کتبی خود را به صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ تهران ارسال دارند بهای اشتراک:

۱۲ شماره ۱۲۰۰ ریال
۶ شماره ۶۰۰ ریال

لطفاً وجه اشتراک را در شعب بانک صادرات به حساب پس انداز قرض الحسنه شماره ۴۹۸/۶۰۰۲۹ بانک صادرات میدان قیام به نام لطف الله میثمی حواله نموده و فتوکپی آنرا به آدرس بالا ارسال نمائید.

با گروههای دیگری که مسلمان هستند و استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی را میخواهند تفاهم داشته باشید امام خمینی